



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

وَجَّالًا

از دفتر

حضرت آیة الله العظمى شیخ علی خامنه‌ای، روح‌القدس، رهبر معظم انقلاب اسلامی



به کوشش حضرت عباسزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعا از منظر حضرت آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

نویسنده:

آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	دعا از منظر حضرت آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی
۱۵	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۰	فهرست مطالب
۳۰	مقدمه
۳۶	فصل اول: معانی دعا، اجابت و ذکر
۳۶	اشاره
۳۸	دعا چیست؟
۳۸	رابطه ی قلبی انسان با خدا
۳۸	ارتباط با خدا
۳۸	ارتباط و اتکال انسان با خدا
۳۹	رابطه ی انسان با منبع فیاض
۳۹	تقرب و انس
۳۹	خدا را نزدیک خود احساس کردن
۳۹	خدا را حاضر و ناظر دانستن ، خدا را در مقابل خود احساس کردن
۴۰	تقرب إلى الله
۴۰	انس با خدا
۴۰	حرف زدن با پروردگار
۴۰	با خدای متعال سخن گفتن، حرف دل را با او در میان گذاشتن
۴۱	خدا را خواندن
۴۱	بیان خواسته های فطری انسان
۴۱	اشاره
۴۱	خواستن

۴۲	عبودیت، خشوع و خاکساری و تضرع
۴۲	روح عبادت
۴۲	بهترین عبادت
۴۳	خشوع و خاکساری نزد پروردگار
۴۳	تضرع
۴۴	وسیله ای برای رسیدن به حوائج و مقصودها
۴۵	وسیله ای در کنار وسائل دیگر ، یکی از دهها وسیله و سبب و علت
۴۵	وسیله ای بین خدا و بندگان
۴۵	دعا وسیله ای در طول ابزارهای مادی و نه رقیب آنها
۴۶	وسیله ای برای فهمیدن معارف الهی
۴۶	اقسام دعا و انواع سخن گفتن با خدا
۴۶	درخواست، تمجید و تحمید، و یا اظهار محبت و ارادت
۴۶	دعا، ضرورتاً همیشه با حاجت خواستن همراه نیست
۴۶	نمونه ای از مصادیق دعا و ذکر
۴۶	نماز
۴۷	نماز جمعه
۴۷	اجابت چیست؟
۴۷	پاسخ و توجه و التفات خداوند
۴۸	نورانیتهی که در دل پدید می آید
۴۸	جاری شدن طلب، از سرتاپای دعا کننده ، همان پاسخ الهی است
۴۸	جور شدن اسباب و وسائط
۴۸	برآورده شدن خواسته در چهارچوب قوانین طبیعی
۴۹	جورشدن ابزارهای مادی و عادی و معمولی
۵۰	دعا جورکننده ی روال عادی
۵۱	استجابت به معنای برآورده شدن صددرصد خواسته نیست
۵۲	معانی ذکر

۵۲	خود را در برابر خدا یافتن و به او دل دادن
۵۳	ذکر یعنی همنشینی با محبوب
۵۳	ذکر یعنی یاد، در مقابل غفلت و نسیان
۵۴	ذکر، یعنی به یاد بودن، به یاد آوردن، به هوش بودن و توجه کردن
۵۴	ذکر به معنای یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است، نه فقط ورد و اوراد
۵۵	ذکر یعنی دوری از غفلت
۵۵	ذکر یعنی بیدارباش
۵۵	ذکر، مانع رفتن به سمتِ معصیت
۵۸	فصل دوم: اهمیت دعا و ذکر
۵۸	اشاره
۶۰	اهمیت دعا
۶۰	توفیق دعا، علامت لطف پروردگار
۶۰	دعا، بیمه کننده ی انسان در مقابل جلوه های مادی
۶۰	دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند
۶۱	دعا، بهترین مضامین سرشار از معارف الهی
۶۱	دعا، دارای تأثیرات معجزآسا بر روی دل انسان
۶۱	دعا، معنادهنده ی حیات انسان
۶۱	دعا، اسلحه ای مایه ی نجات
۶۲	دعا، کلید همه ی خزائن الهی
۶۳	دعا، آشکارکننده ی محتوای ذهن دعاکننده
۶۳	دعا، دارای نقش مؤثر در سازندگی
۶۳	دعا و فرصت دعا کردن، یک نعمت
۶۴	هفت مرتبه ضمیر متکلم برای خدا، فقط در آیه ی دعا
۶۵	تکرار إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمَسْتَقِيمَ در شبانه روز
۶۵	پیش بردن راه، در گرو دعا
۶۵	اهمیت ذکر

- ۶۵ درخواستِ ذکر کثیر
- ۶۶ راه تقوا، ذکر خداست
- ۶۶ قرآن، وسیله ی ذکر
- ۶۶ موضوع ذکر، مسأله ی اصلی و اساسی
- ۶۶ ذکر، عرفان واقعی
- ۶۶ ذکر نامحدود
- ۶۷ ذاکر بودن در همه ی حالات، از مهم ترین تکالیف مؤمنین
- ۶۸ اهمیت صحیفه ی سجّادیه
- ۶۸ کتابی بسیار عظیم
- ۶۸ یکی از بهترین ذخایر معنوی ما
- ۶۸ امر به دعا و نهی از ترک آن
- ۶۸ امر
- ۶۹ لزوم
- ۶۹ غنیمت دانستن دعا
- ۶۹ وظیفه
- ۷۰ مذمّت ترک دعا
- ۷۰ سلب توفیق دعا، نگران کننده تر از سلب توفیق اجابت
- ۷۰ گرفته شدن حال دعا از انسان، علامتی بد
- ۷۰ بی پشتوانگی، بی آمد بی نیاز دانستن خود از دعا
- ۷۰ مقایسه ی دعا و ذکر با سایر فضائل
- ۷۰ دعا، یکی از مهمّ ترین کارهای بنده ی مؤمن
- ۷۱ دعا، مغز عبادت
- ۷۱ دعا، مهمّ ترین علاج
- ۷۱ دعا، تنها راه رسیدن به خواسته های عظیم
- ۷۲ ذکر، بزرگتر و مهمّ تر از نهی از فحشا و منکر
- ۷۲ مقام دعاکنندگان، بیانگر اهمیت دعا

۷۲	پیامبر صلی الله علیه و آله
۷۳	انبیاء علیهم السلام
۷۴	اصحاب و حواریون پیامبران
۷۴	امام خمینی(ره)
۷۶	فصل سوم: شرایط دعا، شروط اجابت
۷۶	اشاره
۷۸	پیش شرط دعا
۷۸	از جانب خدا
۷۸	اراده ی خدا
۷۹	اجازه ی پروردگار
۸۰	لطف و توفیق الهی
۸۰	از ناحیه ی دعاکننده
۸۰	امید
۸۰	التماس و درخواستِ حالِ دعا
۸۰	شکر
۸۰	قطعیّتِ اجابت
۸۰	دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر
۸۱	اگر خدا در دعا را باز کند، در اجابت را نمی بندد
۸۲	کراهتِ انتظارِ سرعتِ غیرمعمول، برای دریافت حاجت
۸۲	بی قید و شرط بودن اجابت
۸۳	وجود شرائط و آداب برای دعا، برای بالا بردن امکانِ اجابت
۸۴	اگر دعا به معنای حقیقی کلمه انجام بگیرد، اجابت قطعی و بدون شرط است
۸۴	اگر دعا، درست به کار برده شود، اجابت قطعی و بدون شرط است
۸۴	موانعِ اجابت
۸۴	تصادم با یک قانون الهی دیگر
۸۶	درخواستهای غیرممکن

- گناه ۸۷
- قلب غافل ۸۸
- شروط حقیقی بودن دعا و قطعی بودن اجابت در بی آن ۸۸
- اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی شود ۸۸
- مؤثر بودن زمان و مکان و خصوصیات ۸۹
- شروط مرتبط با اعتقادات و حالات دعا کننده نسبت به خداوند ۸۹
- معرفت پروردگار و باور به قدرت او ۸۹
- انس ۸۹
- خشوع ۹۰
- تضرع ۹۰
- شروط مرتبط با اعتقادات دعا کننده نسبت به دعا ۹۱
- امید به اجابت ۹۱
- اصرار بر درخواست، دست برداشتن از دعا ۹۱
- بزرگ نشمردن حاجات ۹۲
- ابا نداشتن از طرح خواسته های کوچک ۹۳
- تدبّر در معنای دعاها ۹۳
- فهم معانی ۹۳
- توجه ۹۴
- حضور قلب ۹۶
- مطالبه ی حقیقی ۹۶
- شروط مرتبط با قلب و دل دعا کننده ۹۷
- با همه ی دل ۹۷
- حرف زدن از دل ۹۷
- دل پاک و زبان صادق ۹۸
- معطر و مزین کردن دل ۹۸
- رقت قلب ۹۸

۹۸	سوز دل
۹۸	طراوت دل
۹۹	توبه و اجتناب از گناه
۹۹	توبه
۱۰۰	ترک گناهان
۱۰۰	خروج از مظالم
۱۰۰	عمل
۱۰۳	زمان ها و موقعیت های برتر
۱۰۳	رجب
۱۰۳	شعبان
۱۰۴	رمضان
۱۰۴	عید فطر
۱۰۴	ایام معلومات
۱۰۴	پیروزی
۱۰۵	نماز
۱۰۵	اضطرار و سختی
۱۰۶	فصل چهارم: فواید و دستاوردهای دعا
۱۰۶	اشاره
۱۰۸	سه دستاورد عمده ی دعا: رشد روحیه ی خاکساری، کسب معارف، دریافت حاجات
۱۰۸	رشد روحیه ی ذلت و خاکساری
۱۰۸	توجه پیدا کردن به عجز و حقارت و تهی دستی خودمان
۱۰۹	سرکوبی خودبینی و خودخواهی
۱۱۱	شکستن نفسانیتها
۱۱۲	مهار نفس
۱۱۲	کسب معارف
۱۱۶	ماندگار و مؤثر کردن معارف در دل انسان

- ۱۱۶-----اجابت، رفع حاجات، دفع بلا، جلبِ روزی
- ۱۲۴-----دفع بلاء
- ۱۲۴-----جلب رزق و نجات از دست دشمن
- ۱۲۵-----دستاورد های دیگر دعا
- ۱۲۵-----دفع انگیزه های ماده گرایانه
- ۱۲۶-----برداشتن موانع درونی
- ۱۲۶-----زدودنِ غفلت
- ۱۲۶-----روشن شدن راه، معنا پیدا کردنِ حیات
- ۱۲۶-----دفعِ سرگشتگی و درماندگی
- ۱۲۷-----روشن شدن راه و نجات از سردرگمی و حیرت
- ۱۲۸-----سلوک در صراطِ مستقیم
- ۱۲۸-----جان گرفتن دوباره ی قلب و روح
- ۱۲۹-----معنا پیدا کردن حیات انسان
- ۱۲۹-----تقویت روح عبودیت و عشق به خدا
- ۱۲۹-----ارتباط با خدا، تقویت روح عبودیت
- ۱۲۹-----آشنایی با خدا و پرشدن دل از عشقِ او
- ۱۳۰-----نزدیک شدن انسان به خدا و زنده نگهداشتن یاد خدا در دل
- ۱۳۰-----تقویت و استقرار ایمان در دل
- ۱۳۱-----عشق به خدا
- ۱۳۱-----زنده و نورانی شدن دل انسان
- ۱۳۱-----احیاء و زنده کردنِ قلوب
- ۱۳۱-----نورانیت، صفا و معنویت
- ۱۳۲-----نورانی نگاه داشتن دل انسان
- ۱۳۳-----تهذیب نفس و تطهیر روح
- ۱۳۳-----تطهیر روح
- ۱۳۳-----تزکیه

۱۳۴	تهذیب نفس، پیراستن روح و پالایش ذهن از وسوسه ها
۱۳۴	رشد فضایل اخلاقی در انسان
۱۳۵	درس اخلاق
۱۳۶	دمیدن روح اخلاص در انسان
۱۳۶	دفع آفت فسادپذیری انسان، دفع گناهان
۱۳۶	دفع آفت فسادپذیری انسان
۱۳۶	دفع گناه
۱۳۸	دفعِ غفلت
۱۳۹	تعالی و فلاح
۱۳۹	علو مقام و مرتبه، عروج
۱۳۹	فلاح
۱۳۹	کسب قدرت قلبی، استواری و ثبات قدم در مقابل دشمن
۱۳۹	کسب قدرت قلبی و روحی
۱۴۱	واهمه نداشتن از قدرتها
۱۴۱	استواری در مقابل دشمن
۱۴۲	ثبات قدم
۱۴۲	امید و نشاط
۱۴۴	فصل پنجم: در دعا از خدا چه بخواهیم؟ نمونه هایی از کتابها و دعاهاى برجسته
۱۴۴	اشاره
۱۴۶	در دعاها از خدا چه بخواهیم؟
۱۴۶	همه چیز را
۱۴۶	پیشوایان دین به ما یاد می دهند چه بخواهیم - چیزهای اصلی
۱۴۷	درخواستهای بزرگ
۱۴۷	حتی چیزهای کوچک
۱۴۸	حاجات همه ی انسانهایی که روی کره ی خاک هستند
۱۴۹	برای همه ی مسلمین

- اول دیگران، بعد خود ما ۱۴۹
- کتاب نمونه ۱۵۰
- صحیفه ی سجّادیه ۱۵۰
- نمونه هایی از بهترین دعاها ۱۵۰
- دعای هشتم صحیفه ی سجّادیه ۱۵۰
- دعاهای مأثور از جمله دعای اَبی حمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه ۱۵۱
- درخواستهای نمونه ۱۵۲
- هدایت به صراط مستقیم ۱۵۲
- درخواست مغفرت ۱۵۳
- نمونه ای از درخواستهای ذکرشده در دعای اَبی حمزه ۱۵۳
- زندگی گوارا ۱۵۳
- بروز و ظهور جوانمردی ۱۵۴
- اصلاح همه ی کارها ۱۵۴
- دفع نقطه های ضربه پذیر معنوی ۱۵۵
- نمونه ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ماه رمضان ۱۵۶
- اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ ۱۵۶
- اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ ۱۵۶
- اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فَايِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ ۱۵۷
- ارجاعات ۱۵۸
- نمایه ۱۶۲
- درباره مرکز ۱۶۶

دعا از منظر حضرت آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -

عنوان و نام پدیدآور: دعا از منظر حضرت آیه الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی [کتاب] / تدوین علی رضا برازش.

مشخصات نشر: تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۳۰-۷؛ ۲۵۰۰۰ ریال (چاپ اول)؛ ۲۵۰۰۰ ریال (چاپ ششم)؛ ۲۵۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۲۵۰۰۰ ریال (چاپ هفتم)؛ ۴۰۰۰۰ ریال (چاپ نهم)؛ ۴۰۰۰۰ ریال (چاپ دهم)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ سوم)

یادداشت: چاپ اول، سوم، پنجم و هفتم: ۱۳۹۰.

یادداشت: چاپ نهم و دهم: ۱۳۹۱.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره دعا

موضوع: دعا

موضوع: دعا -- فلسفه

موضوع: دعا -- احادیث

موضوع: دعا -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده: برازش، علیرضا، ۱۳۳۴ -، گردآورنده

رده بندی کنگره: DSR۱۶۹۲/۶۶د ۷د ۱۳۹۰

رده بندی ديويي: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۰۹۲۶۶

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

دعا

از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیه الله خامنه ای (مدظله العالی)

تدوین:

علیرضا برازش

ص: ۳

سرشناسه: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -
 عمران و نام پدیدآور: دعا از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
 (مدظله العالی) / به کوشش علیرضا برازش.
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب
 اسلامی)، ۱۳۹۰
 مشخصات ظاهری: ۱۵۶ ص.
 قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال - شابک: ۹۷۸ ۹۶۴ ۲۹۵۱ ۳۰ ۷
 موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - نظریه دربارہ دعا
 موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - دعا - فلسفه
 موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - دعا - احادیث
 موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - دعا - جنبه‌های قرآنی
 شناسه افزوده: برازش، علیرضا، ۱۳۳۴ -
 رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۹۲/۶۶۵۷ ۱۳۹۰
 رده‌بندی دی‌رجی: ۰۸۴۴/۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۶۲۹۰۲۲



از منظر حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)
 رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: علیرضا برازش
 ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

شمارگان: ۳۶۰۰

چاپ سیزدهم - تابستان ۱۳۹۳

این شمارگان به سفارش شرکت دارویی برکت چاپ شده است.

۶۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۳۰-۷

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ - صندوق پستی: ۱۳۱۸۵-۶۱۳

پست الکترونیکی: <http://Book-Khamenei.ir> - Info@book-khamenei.ir



هدیه شرکت دارویی برکت جهت
 مسابقه "شعیم دعا"
 ویژه ماه مبارک رمضان
 سال ۱۳۹۳ هجری شمسی
www.bpharmed.com

فهرست

۱۵	مقدمه
۲۱	فصل اول: معانی دعا، اِجابیت و ذکر
۲۳	دعا چیست؟
۲۳	رابطه قلبی انسان با خدا
۲۳	ارتباط با خدا
۲۳	ارتباط و اِنکال انسان با خدا
۲۴	رابطه‌ی انسان با منبع فیاض
۲۴	تقرب و انس
۲۴	خدا را نزدیک خود احساس کردن
۲۴	خدا را حاضر و ناظر دانستن ، خدا را در مقابل خود احساس کردن
۲۵	تقرب إلى الله
۲۵	انس با خدا
۲۵	حرف زدن با پروردگار
۲۵	با خدای متعال سخن گفتن، حرف دل را با او در میان گذاشتن
۲۶	خدا را خواندن
۲۶	بیان خواسته‌های فطری انسان
۲۶	خواستن
۲۷	عبودیت، خشوع و خاکساری و تضرع
۲۷	روح عبادت
۲۷	بهترین عبادت
۲۸	خشوع و خاکساری نزد پروردگار

۲۸. تضرع
۲۹. وسیله‌ای برای رسیدن به حوائج و مقصودها
۳۰. وسیله‌ای در کنار وسائل دیگر، یکی از دمه‌ها وسیله و سبب و علت
۳۰. وسیله‌ای بین خدا و بندگانش
۳۰. دعا وسیله‌ای در طول ابزارهای مادی و نه رقیب آنها
۳۱. وسیله‌ای برای فهمیدن معارف الهی
۳۱. اقسام دعا و انواع سخن گفتن با خدا
۳۱. درخواست، تمجید و تحمید، و یا اظهار محبت و ارادت
۳۱. دعا، ضرورتاً همیشه با حاجت‌خواستن همراه نیست
۳۱. نمونه‌ای از مصادیق دعا و ذکر
۳۱. نماز
۳۲. نماز جمعه
۳۲. اجابت چیست؟
۳۲. پاسخ و توجه و التفات خداوند
۳۳. نورانی‌تی که در دل پدید می‌آید
۳۳. جاری شدن طلب، از سرتاپای دعا کننده، همان پاسخ الهی است
۳۳. جور شدن اسباب و وسائط
۳۳. برآورده شدن خواسته در چهارچوب قوانین طبیعی
۳۴. جور شدن ابزارهای مادی و عادی و معمولی
۳۵. دعا جورکننده‌ی روال عادی
۳۴. استجابات به معنای برآورده شدن صددرصد خواسته نیست
۳۷. معانی ذکر
۳۷. خود را در برابر خدا یافتن و به او دل دادن
۳۸. ذکر یعنی همنشینی با محبوب
۳۸. ذکر یعنی یاد، در مقابل غفلت و نسیان
۳۹. ذکر، یعنی به یاد بودن، به یاد آوردن، به هوش بودن و توجه کردن
۳۹. ذکر به معنای یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است، نه فقط ورد و اوراد
۳۹. ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن
۴۰. ذکر یعنی دوری از غفلت

فهرست	۷
ذکر یعنی بیداریاش	۴۰
ذکر، مانع رفتن به سمتِ معصیت	۴۰
فصل دوم: اهمیت دعا و ذکر	۴۲
اهمیت دعا	۴۵
توفیق دعا، علامت لطف پروردگار	۴۵
دعا، بیمه‌کننده‌ی انسان در مقابل جنوهای مادی	۴۵
دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند	۴۵
دعا، بهترین مضامین سرشار از معارف الهی	۴۶
دعا، دارای تأثیرات معجزآسا بر روی دل انسان	۴۶
دعا، معنا دهنده‌ی حیات انسان	۴۶
دعا، اسلحه‌ای مایه‌ی نجات	۴۶
دعا، کلید همه‌ی خزائن الهی	۴۷
دعا، آشکارکننده‌ی محتوای ذهن دعاکننده	۴۸
دعا، دارای نقش مؤثر در سازندگی	۴۸
دعا و فرصت دعا کردن، یک نعمت	۴۸
هفت مرتبه ضمیر متکلم برای خدا، فقط در آیه‌ی دعا	۴۹
تکرار اِشْهَدُنَا الصَّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ در شبانه‌روز	۵۰
پیش بردن راه، در گرو دعا	۵۰
اهمیت ذکر	۵۰
درخواست ذکر کثیر	۵۰
راه تقوا، ذکر خداست	۵۱
قرآن، وسیله‌ی ذکر	۵۱
موضوع ذکر، مسأله‌ی اصلی و اساس	۵۱
ذکر، عرفان واقعی	۵۱
ذکر نامحدود	۵۱
ذکر بودن در همه‌ی حالات، از مهم‌ترین تکالیف مؤمنین	۵۲
اهمیت صحیفه‌ی سجّادیه	۵۳
کتابی بسیار عظیم	۵۳
یکی از بهترین ذخایر معنوی ما	۵۳

۵۳	امر به دعا و نهی از ترک آن
۵۳	امر
۵۴	لزوم
۵۴	غنیمت دانستن دعا
۵۴	وظیفه
۵۵	مذمت ترک دعا
۵۵	سلب توفیق دعا، نگران‌کننده‌تر از سلب توفیق اجابت
۵۵	گرفته شدن حال دعا از انسان، علامتی بد
۵۵	پیشوانگی، پی‌آمد بی‌نیاز دانستن خود از دعا
۵۵	مقایسه دعا و ذکر با سایر فضائل
۵۵	دعا، یکی از مهم‌ترین کارهای بنده مؤمن
۵۶	دعا، مغز عبادت
۵۶	دعا، مهم‌ترین علاج
۵۶	دعا، تنها راه رسیدن به خواسته‌های عظیم
۵۷	ذکر، بزرگتر و مهم‌تر از نهی از فحشا و منکر
۵۷	مقام دعاکنندگان، بیانگر اهمیت دعا
۵۷	پیامبر ﷺ
۵۸	انبیا، طه
۵۹	اصحاب و حواریون پیامبران
۵۹	امام خمینی(ره)
۶۱	فصل سوّم، شرایط دعا، شروط اجابت
۶۳	پیش شرط دعا
۶۳	از جانب خدا
۶۳	اراده خدا
۶۴	اجازه پروردگار
۶۵	لطف و توفیق الهی
۶۵	از ناحیه دعاکننده
۶۵	امید
۶۵	التماس و درخواست حال دعا

۶۵	شکر
۶۵	قطعیّت اجابت
۶۵	دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر
۶۶	اگر خدا در دعا را باز کند، در اجابت را نمی‌بندد
۶۷	کراهت انتظار سرعت غیرمعمول، برای دریافت حاجت
۶۷	بیهوده و شرط بودن اجابت
۶۸	وجود شرائط و آداب برای دعا، برای بالا بردن امکان اجابت
۶۹	اگر دعا به معنای حقیقی کلمه انجام بگیرد، اجابت قطعی و بدون شرط است
۶۹	اگر دعا، درست به کار برده شود، اجابت قطعی و بدون شرط است
۶۹	موانع اجابت
۶۹	تصادم با یک قانون الهی دیگر
۷۱	درخواستهای غیرممکن
۷۲	گناه
۷۳	قلب غافل
۷۳	شروط حقیقی بودن دعا و قطعی بودن اجابت در پی آن
۷۳	اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی‌شود
۷۴	مؤثر بودن زمان و مکان و خصوصیات
۷۴	شروط مرتبط با اعتقادات و حالات دعا کننده نسبت به خداوند
۷۴	معرفت پروردگار و باور به قدرت او
۷۴	انس
۷۵	خشوع
۷۵	تضرع
۷۶	شروط مرتبط با اعتقادات دعا کننده نسبت به دعا
۷۶	امید به اجابت
۷۶	اصرار بر درخواست، دست برداشتن از دعا
۷۷	بزرگ نشمردن حاجات
۷۸	ابا ندانستن از طرح خواسته‌های کوچک
۷۸	تدبیر در معنای دعاها
۷۸	فهم معانی

۷۹	توجه
۸۱	حضور قلب
۸۱	مطالبه‌ی حقیقی
۸۲	شروط مرتبط با قلب و دل دعا کننده
۸۲	با همدی دل
۸۲	حرف زدن از دل
۸۳	دل پاک و زبان صادق
۸۳	مستطّر و مزین کردن دل
۸۳	رقت قلب
۸۳	سوز دل
۸۳	طراوت دل
۸۴	توبه و اجتناب از گناه
۸۴	توبه
۸۵	ترک گناهان
۸۵	خروج از مظالم
۸۵	عمل
۸۸	زمان‌ها و موقعیت‌های برتر
۸۸	رجب
۸۸	شعبان
۸۹	رمضان
۸۹	عید فطر
۸۹	ایام معلومات
۸۹	پیروزی
۹۰	نماز
۹۰	اضطرار و سختی
۹۱	فصل چهارم: فواید و دستاوردهای دعا
۹۳	سه دستاورد عمده‌ی دعا: رشد روحیه‌ی خاکساری، کسب معارف، دریافت حاجات
۹۳	رشد روحیه‌ی دلت و خاکساری
۹۳	توجه پیدا کردن به عجز و حقارت و نهی‌دستی خودمان

فهرست	۱۱
سرکوبی خودبینی و خودخواهی	۹۴
شکستن نفسانیتها	۹۶
مهار نفس	۹۷
کسب معارف	۹۷
ماندگار و مؤثر کردن معارف در دل انسان	۱۰۱
اجابت، رفع حاجات، دفع بلا، جلب رزق	۱۰۱
دفع بلا	۱۰۹
جلب رزق و نجات از دست دشمن	۱۰۹
دستاوردهای دیگر دعا	۱۱۰
دفع انگیزه های ماده گرایانه	۱۱۰
برداشتن موانع درونی	۱۱۱
زدودن غفلت	۱۱۱
روشن شدن راه، معنا پیدا کردن حیات	۱۱۱
دفع سرگشتگی و درماندگی	۱۱۱
روشن شدن راه و نجات از سردرگمی و حیرت	۱۱۲
سلوک در صراط مستقیم	۱۱۳
جان گرفتن دوباره قلب و روح	۱۱۳
معنا پیدا کردن حیات انسان	۱۱۴
تقویت روح عبودیت و عشق به خدا	۱۱۴
ارتباط با خدا، تقویت روح عبودیت	۱۱۴
آشنایی با خدا و پرشدن دل از عشق او	۱۱۴
نزدیک شدن انسان به خدا و زنده نگهداشتن یاد خدا در دل	۱۱۵
تقویت و استقرار ایمان در دل	۱۱۵
عشق به خدا	۱۱۶
زنده و نورانی شدن دل انسان	۱۱۶
احیاء و زنده کردن قلوب	۱۱۶
نورانیت، صفا و معنویت	۱۱۶
نورانی نگاه داشتن دل انسان	۱۱۷
تهذیب نفس و تطهیر روح	۱۱۸

۱۱۸	تطهیر روح
۱۱۸	تزکیه
۱۱۹	تهذیب نفس، پیراستن روح و بالایش ذهن از وسوسه‌ها
۱۱۹	رشد فضایل اخلاقی در انسان
۱۲۰	درس اخلاقی
۱۲۱	دمیدن روح اخلاص در انسان
۱۲۱	دفع آفت فسادپذیری انسان، دفع گناهان
۱۲۱	دفع آفت فسادپذیری انسان
۱۲۱	دفع گناه
۱۲۳	دفع غفلت
۱۲۴	تمالی و فلاح
۱۲۴	علو مقام و مرتبه، عروج
۱۲۴	فلاح
۱۲۴	کسب قدرت قلبی، استواری و ثبات قدم در مقابل دشمن
۱۲۴	کسب قدرت قلبی و روحی
۱۲۶	واهمه نداشتن از قدرتها
۱۲۶	استواری در مقابل دشمن
۱۲۷	ثبات قدم
۱۲۷	امید و نشاط
۱۲۹	فصل پنجم: در دعا از خدا چه بخواهیم؟ نمونه‌هایی از کتابها و دعاهای برجسته
۱۳۱	در دعاها از خدا چه بخواهیم؟
۱۳۱	همه چیز را
۱۳۱	پیشوایان دین به ما یاد می‌دهند چه بخواهیم - چیزهای اصلی
۱۳۲	درخواستهای بزرگ
۱۳۲	حتی چیزهای کوچک
۱۳۳	حاجات همه انسانهایی که روی کره خاک هستند
۱۳۴	برای همه مسلمان
۱۳۴	اول دیگران، بعد خود ما
۱۳۵	کتاب نمونه

فهرست	۱۳
..... صحیفه سجّادیه	۱۳۵
..... نمونه‌های از بهترین دعاها	۱۳۵
..... دعای هشتم صحیفه سجّادیه	۱۳۵
..... دعاهای مأثور از جمله دعای ابن حمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه	۱۳۶
..... درخواستهای نمونه	۱۳۷
..... هدایت به صراط مستقیم	۱۳۷
..... درخواست مغفرت	۱۳۸
..... نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ابن حمزه	۱۳۸
..... زندگی گوارا	۱۳۸
..... بروز و ظهور جوانمردی	۱۳۹
..... اصلاح همدی کارها	۱۳۹
..... دفع نقطه‌های ضربه‌پذیر معنوی	۱۴۰
..... نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ماه رمضان	۱۴۱
..... اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ قَبِيرٍ	۱۴۱
..... اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ	۱۴۱
..... اللَّهُمَّ اصْنَعْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُتْلِعِينَ	۱۴۲
..... ارجاعات	۱۴۳
..... نمایه	۱۴۷

اولین موضوعی که علاقمند شدم درباره ی آن تحقیق کنم، «دعا» بود^(۱)، و این امر به اوایل دهه ی شصت برمیگردد. از همان ایام تقریباً عمده ی آثار مکتوب پیرامون این موضوع را مطالعه کردم، ولی نکته ی بکر و کلیدی این مبحث را در نماز جمعه و از زبان خطیب جمعه ی تهران دریافت کردم.

رئیس جمهور وقت و خطیب جمعه ی تهران، حضرت آیه الله العظمی خامنه ای در خطبه های نماز جمعه های رمضان؛ علیرغم وجود موضوع های متعدد عقیدتی و سیاسی و اجتماعی، حداقل یک خطبه را به این موضوع اختصاص می دادند و بعضاً در مقدمه ی بحث، دلیل کنار زدن مباحث دیگر و پرداختن چندباره به دعا را جایگاه ویژه و تقریباً استثنائی دعا در منظومه ی عقاید الهی، بیان می نمودند.

سه فایده؛ سه دستاورد؛ سه جهت و سه نکته درباره ی دعا؛ بارها و بارها از زبان ایشان شنیده شد و الحقی که دو نکته ی آن در میان مردم و حتی متدینین و افراد مأنوس با دعا و نیایش، غریب و مغفول بود و

ص: ۱۷

۱- ([۱]) این تحقیق تحت عنوان «قرآن صاعد» توسط مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است.

و حتّی در کتب تألیف شده درباره ی دعا و نیایش نیز به نحو شایسته بدان پرداخته نشده است.

استخراج و کسب معارف از دعا؛ مگر دعا کلام معصوم نیست؟ پس چرا محققین و مؤلفین کتابهای عقیدتی آن چنان که از گنجینه ی قرآن و روایات و سخنان اندیشمندان دینی بهره برداری می کنند، از این خزانه ی گرانبها بهره نمی برند؟

این غفلت و نقص فراگیر، بارها و بارها توسط معظّم له هشدار داده شد و برای فتح باب؛ بعضاً نکات بکر و نابی از معارف پنهان در لابه لای ادعیه را - البته با توجه به محدودیت زمانی خطبه ی نماز یا مجلس سخنرانی - بیان می فرمودند.

اجابت و دریافت حاجت؛ اصل نیست؛ مهمّ خودِ دعاست. رشد و ارتقاء حالت تضرّع؛ انکسار؛ ذلّت و در یک کلام، عبودیت، خیلی مهمّ تر از دریافت حاجت - حتّی حاجتهای معنوی - است.

توفیق هم کلام شدن با پروردگار؛ مناجات و صحبت خودمانی با حضرت حق، خیلی با ارزش تر از پاداشهای دنیوی و حتّی اخروی است.

ایشان این فایده را مهمّ ترین، و درک این اهمیّت را کلیدی ترین نکته ی مبحث دعا می دانستند و می دانند.

امروز با گذشت نزدیک به سه دهه؛ دگر بار توفیق یار شد و اولیای موسسه ی فرهنگی، پژوهشی حفظ و نشر آثار حضرت آیّه الله العظمی خامنه ای گردآوری و تدوین مباحث معظّم له پیرامون مساله ی دعا را به حقیر پیشنهاد کردند، و این اوراق ثمره ی این پیشنهاد است.

ای کاش فرصتی پدید می آمد تا صاحب این اندیشه و کلام، خود دست به قلم می بردند و آنچه درباره ی این موضوع بس مهمّ؛ در پس اندیشه دارند بر صفحه ی کاغذ جاری میکردند.

ای کاش صاحب قلمی توانا و صاحب فهمی با ذکاوت مأمور تألیف و تدوین این موضوع می شد تا امثال من با ولع آن را مطالعه، بر معلوماتمان افزوده و عقایدمان را اصلاح می کردیم.

ولی تا تحقیق یکی از دو آرمان فوق، بر شما خواننده ی عزیز است به همین اوراق بسنده کنی. نقاط ضعف را به تدوین کننده منتسب بدانی و یقین داشته باشی مطلب بسیار مهمّ تر از آنست که من برایت ترسیم کرده ام. و عمق و ظرافتِ درک و فهمِ صاحبِ بیانات از این مسأله ی مهمّ، بسیار فراتر از آن بوده که با تدوین و چیدمانِ برگرفته از ذهن من؛ به تو منتقل می شود. فاصله را با شناختی که از عمقِ اسلام شناسی و برداشتهای دقیق و ظریف معظّم له داری؛ طی کن.

منبع من برای تدوین این کتاب، نرم افزار جدیدالانتشار «حدیث ولایت» از منشورات مشترک «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی» و «موسسه ی حفظ و نشر آثار حضرت آیة الله العظمی خامنه ای» بوده است.

از لطفی که حضرت ذوالجلال نصییم کرد تا فرصتی را با بیانات رهبر فرزانه در موضوع بسیار مهمّ دعا محشور باشم شاکر؛ و از اعتمادی که اولیاء موسسه ی حفظ و نشر آثار حضرت آیة الله العظمی خامنه ای به بنده نمودند؛ سپاسگزارم.

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

علیرضا برازش

تیرماه یکهزار و سیصدونود

ص: ۱۹

فصل اوّل: معانی دعا، إجابۃ و ذکر

اشاره

ص: ۲۱

رابطه ی قلبی انسان با خدا

رابطه ی دعا، رابطه ی قلبی شما با خداست. ۱.

ارتباط با خدا

روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، و پالایش کردن ذهن از وسوسه ها. ۲.

ارتباط و اتکال انسان با خدا

دعا یعنی ارتباط و اتکال انسان با خدا، آن وقتی هم که انسان در اوج قدرت و پیروزی است باز هم محتاج دعا است؛ باید با خدا حرف بزند، باید از خدا بخواهد. قرآن به پیغمبر ما دستور داد که «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» وقتی یاری خدا رسید و پیروزی نصیب شد «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» و دیدی که مردم دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می شوند، تازه «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ» (۱) تازه اول

ص: ۲۳

انابه ی تو است، اوّل عرض نیاز تو به درگاه قادر متعال است. ملت ما از وقتی پیروزی را به دست آورد آستانه ی دعا را رها نکرد. ببینید امروز در جامعه ی ما چقدر دعا و توجّه به خدا زیاد است؛ راز پیروزی ما هم همینهاست. ۳

رابطه ی انسان با منبع فیاض

دعا، وسیله ی مؤمن و ملجأ مضطر و رابطه ی انسان ضعیف و جاهل با منبع فیاض علم و قدرت است، و بشر بی رابطه ی روحی با خدا و بدون عرض نیاز به غنی بالذات، در عرصه ی زندگی سرگشته و درمانده و هدر رفته است؛ «أَلَمْ نَجْعَلْ لَكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (۱) ۴

تقرب و انس

خدا را نزدیک خود احساس کردن

دعا یعنی چه؟ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. ۵

خدا را حاضر و ناظر دانستن، خدا را در مقابل خود احساس کردن

همان طور که عرض کردیم، معنای دعا این است که شما با خدا حرف بزنید؛ خدا را در مقابل خود احساس کنید و حاضر و ناظر بدانید. اینکه انسان همین طور طبق عادت چیزی را بر زبان بیاورد و مطالبه ای را ذکر کند- خدایا ما را بیمارز، خدایا پدر و مادر ما را بیمارز- بدون اینکه در دل خود حقیقتاً حالت طلبی را احساس کند، این دعا نیست؛ لقلقه ی لسان است. «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ» (۲)؛ دل غافل و بی توجّه و سر به هوا اگر دعا کند، خدای متعال دعایش را قبول نمی کند. دل‌های آلوده و غرق در

ص: ۲۴

۱- ([۱]) سوره ی فرقان، آیه ی ۷۷

۲- ([۲]) الکافی ج: ۲ ص: ۴۷۳؛ امیرالمؤمنین علیه السلام .

تمنیات و شهوات نفسانی - که اصلاً غافلند - چگونه دعا خواهند کرد؟ چه توقعی است که اگر انسان این طور دعا کرد، مستجاب شود؟ ۶

تَقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

نفس دعا کردن، تَقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ است. ۷.

انس با خدا

گاهی هم دعا حاجت خواستن نیست، فقط انس با خداست. ۸.

حرف زدن با پروردگار

با خدای متعال سخن گفتن، حرف دل را با او در میان گذاشتن

دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. ۹.

خود حرف زدن با پروردگار، خود تَضَرُّع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه هایی است که در دعا وجود دارد. ۱۰.

هرچه که می خواهید با خدا حرف بزنید؛ این، دعاست. هرچه می خواهید با او در میان بگذارید، حالا می تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد. ۱۱.

این دعاها را در اختیار ما گذاشته اند. کیفیت حرف زدن و مناجات کردن با خدا را به ما یاد داده اند. معین کرده اند که چه حرفهایی را می شود با خدا زد. بعضی از این جملات ادعیه ی مأثوره از ائمه علیهم السلام هست که اگر این ها نبود، آدم نمی توانست خودش تشخیص بدهد که می شود با خدا با این زبان حرف زد و این طور از خدا خواست و التماس کرد. ۱۲.

با خدای متعال حرف بزنید؛ مناجات کنید. ۱۳.

خدا را خواندن

دعا، خواندنِ خداست؛ حالا می تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد؛ هرچه که می خواهید با خدا حرف بزنید؛ این، دعاست. هرچه می خواهید با او در میان بگذارید. ۱۴

دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. ۱۵

بیان خواستهای فطری انسان

اشاره

اگر کسی معنای دعا، مثلاً- دعای ابی حمزه ی ثمالی، یا دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه را بفهمد و توجه کند امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفتگویی که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده ی برگزیده و شایسته و با معرفت و خدا، این قدر پُر جاذبه و نافذ و حقیقی است یعنی بیان کننده ی آن خواستهای فطری انسان است که امکان ندارد کسی هیچ وقت از آن خسته شود. ۱۶

خواستن

دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. خواستن، یعنی امیدواری. تا امید نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است. ۱۷

دعا یعنی خواستن و گرفتن از خداوند متعال. ۱۸

دعا رقیب ابزارهای مادی نیست. این طور نیست که وقتی انسان می خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود و یا با دعا برود! همچنین این طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله ای به دست آورد، یا پول خرج کند و یا اگر پول نداشت به دعا متوسل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما از خدا بخواهید تا او این وسایل را جور بیاورد. آن وقت علل مادی، هر کدام در جای خودشان قرار می گیرند. دعای مستجاب این گونه است. ۱۹

ص: ۲۶

روح عبادت

در روایت وارد شده است که «الْذُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^(۱)؛

مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماها، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. ۲۰

بهترین عبادت

در حدیثی آمده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ»^(۲) ۲۱

«الْذُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^(۳)؛

مغز هر عبادتی، دعاست. عبادت برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست. لذا دعا، یک نعمت است و فرصت دعا کردن، یک نعمت است. ۲۲

در باب دعا، خلاصه‌ی عرض ما این است که دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است، و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که انبیای الهی از اوّل تا آخر، تربیت و تلاششان متوجه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند. ۲۳

ص: ۲۷

۱- ([۱]) وسائل الشیعة ج: ۷ ص: ۲۷؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

۲- ([۲]) الكافي ج: ۲ ص: ۴۶۶؛ أَلْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

۳- ([۳]) وسائل الشیعة ج: ۷ ص: ۲۷؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

خشوع و خاکساری نزد پروردگار

مطلب اصلی دعا چیست؟ خشوع در مقابل پروردگار. اصل دعا، این است. اینکه می بینید از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «الْذُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ» (۱)؛

مغز عبادت دعاست «به خاطر آن است که در دعا حالتی وجود دارد که عبارت است از وابستگی مطلق به پروردگار و خشوع در مقابل او. اصل عبادت هم این است. لذاست که در ادامه ی آیه ی شریفه ی «وَ

قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» می فرماید: «إِنَّ

الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (۲)

اصل دعا این است که انسان در مقابل خدای متعال، خود را از انانیت دروغین بشری بیندازد. اصل دعا، خاکساری پیش پروردگار است. عزیزان من! هر جا که شما نگاه کردید- چه در محیط خودتان، چه در کشور خودتان و چه در سرتاسر دنیا- و بدی و فساد را از ناحیه ی کسی، مشخصاً دیدید، اگر دقت کنید مشاهده خواهید کرد که اساس و منشأ آن بدی و فساد، انانیت، استکبار، استعلا و غرور انسانی است. دعا باید این را بشکند. ۲۴

تضرع

خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد و اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علو مقام و

ص: ۲۸

۱- ([۱]) وسائل الشیعه ج: ۷ ص: ۲۷؛ الرسول صلی الله علیه و آله .

۲- ([۲]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

مرتب‌ه است. بشر با تضرّع در پیش‌خداى متعال است که عروج مى‌کند و اوج مى‌گیرد. بدبختى انسان وقتى است که از خداى متعال غافل شود. سیه‌رویی انسان وقتى است که خود را به خدا محتاج نداند. ۲۵

وسيله‌ای برای رسیدن به حوائج و مقصودها

دعا وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها و هرآنچه که انسان مى‌خواهد و آرزو مى‌کند. ۲۶

مسأله‌ی بسیار مهمی است. خداوند متعال، وسیله‌ای به انسان داده است که انسان مى‌تواند حوائج خود را - مگر در موارد استثنایی که به آن اشاره مى‌کنم - با آن برآورده کند. آن وسیله چیست؟ خواستن از خداى متعال است. ۲۷

وقتى ما به درگاه حقّ متعال دعا مى‌کنیم، در حقیقت وسیله‌ای برای رسیدن به حوائج خودمان مى‌جوئیم و راهی به سوی این حوائج مى‌پیمائیم و از آن استفاده مى‌کنیم. این، یک گونه دعا کردن است: دعا برای گرفتن مقصود. این طور نیست که کسی گمان کند همه‌ی مقاصد، به وسیله‌ی ابزارها یا وسایل مادی برای انسانها قابل دسترسی است. بلکه چیزهایی را انسان با دعا باید به دست آورد. البته نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده‌ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند. اما در کنار عمل، در کنار اقدام، در کنار به کار انداختن همت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای انسان برآورده مى‌سازد. لذا ملاحظه مى‌کنید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، در میدان جنگ، بعد از آن که همه‌ی کارها را انجام داده است، دعا هم مى‌کند. بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم. ۲۸

ص: ۲۹

وسیله ای در کنار وسائل دیگر ، یکی از دهها وسیله و سبب و علت

دعا، وسیله ای در کنار وسایل دیگر است. به قول بزرگان از محققین و متفکرین ما، همچنان که در عالم وجود، خدای متعال دهها وسیله و سبب و علت قرار داده است، دعا هم یکی از سببهاست.

وسیله ای بین خدا و بندگان

در امید به دعا را به روی خودتان نبندید و این راه و وسیله ای را که خدای متعال بین خود و بندگانش قرار داده است، بر روی خودتان مسدود نکنید. ۲۹

دعا وسیله ای در طول ابزارهای مادی و نه رقیب آنها

در اینجا، چند سؤال مطرح می شود: یکی اینکه، اگر دعا، چنین نقش معجزآسایی دارد، پس این وسایل دنیوی و این ابزارها و علم و صنعت و نظایر آن چیست؟ جواب این است که دعا رقیب ابزارهای مادی نیست. این طور نیست که وقتی انسان می خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود و یا با دعا برود! همچنین این طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله ای به دست آورد، یا پول خرج کند و یا اگر پول نداشت به دعا متوسل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما از خدا بخواهید تا او این وسایل را جور بیاورد. آن وقت علل مادی، هر کدام در جای خودشان قرار می گیرند. دعای مستجاب این گونه است. ۳۰

بنابراین، دعا موجب نشود کسی تنبلی کند. دعا موجب نشود که کسی از دانش و علم و ابزار مادی و علت و معلول طبیعی، دست بشوید؛ نه. دعا رقیب آن ها نیست، بلکه در طول آن هاست. دعا، جورآورنده ی آن هاست. ۳۱

در این طور جاها، آدم های یک بُعدی می گویند، دعا و عبادت ما همین است دیگر. ما در راه خدا کار می کنیم و کارمان برای خداست. اما امیرالمؤمنین این طور نمی فرماید. آن کارها را دارد، عبادت هم دارد. ۳۲

وسیله ای برای فهمیدن معارف الهی

دعا وسیله است برای فهمیدن معارف الهی. ۳۳

انقسام دعا و انواع سخن گفتن با خدا

درخواست، تمجید و تحمید، و یا اظهار محبت و ارادت

دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبت و ارادت است؛ همه ی این ها دعاست. ۳۴

دعا، ضرورتاً همیشه با حاجت خواستن همراه نیست

گاهی هم دعا حاجت خواستن نیست، فقط انس با خداست. ۳۵

نمونه ای از مصادیق دعا و ذکر

نماز

بهترین اعمال در شب قدر، دعاست. احیاء هم برای دعا و توسل و ذکر است. نماز هم - که در شب های قدر یکی از مستحبات است - در واقع مظهر دعا و ذکر است. ۳۶

دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن. ۳۷

ص: ۳۱

انسان در زندگی شخصی اش، گاه بر اثر محنتها و شدتها و مصیبتها، و در زندگی جمعی اش گاه با حوادث تحول آفرین مانند حرکت عمومی به سوی جهاد یا انفاق یا کمک به نیازمندان، به عامل ذکر نزدیک می شود، و گاه با سرگرمی های هوس آلود و غرق شدن در سرخوشی و اشرافیگری و عیش بارگی، از آن دور می افتد. عنصری که می تواند در همه ی این احوال او را به بهشت «ذکر» نزدیک یا نزدیک تر کند، نماز است... و نماز با ترکیب هماهنگی دل و زبان و حرکت، نابترین و کامل ترین نمونه و وسیله ی ذکر است. ۳۸.

نماز جمعه

همین نماز جمعه ی شما مصداق ذکر الهی است. «فَاسْعُوا إِلَيَّ ذِكْرَ اللَّهِ». (۱۱)

در اینجا آنچه بر دل شما، بر زبان شما، بر حرکات شما باید غالب باشد، یاد خداست. دل به یاد خدا، زبان متذکر به نام مقدّس پروردگار، حرکات دست و پا و جسم هم حرکاتی در جهت یاد پروردگار و اطاعت اوامر الهی. این چیزی که مورد نیاز یکایک ماست، همین است. ۳۹.

اجابت چیست؟

پاسخ و توجه و التفات خداوند

استجابت الهی، پاسخ و توجه و التفات خداست؛ و لو آن خواسته ای که من و شما داریم که ای بسا خیال می کنیم این خواسته به نفع ماست، اما به زبان ماست تحقّق هم پیدا نکند؛ اما «یا الله» شما بی گمان لیبکی به دنبال خود دارد. ۴۰.

ص: ۳۲

نورانبیتی که در دل پدید می آید

اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخها همانی است که در همان لحظه به شما داده می شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا خواسته است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می دهند. آن چنان نورانبیتی در دل شما به وجود می آید که می بینید اصلاً پاسختان را همان ساعت گرفته اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می کند، گاهی احساس می کند که دیگر غیر از آن، هیچ چیز نمی خواهد. ۴۱

جاری شدن طلب، از سرتاپای دعا کننده ، همان پاسخ الهی است

وقتی دیدید طلب، با همه ی وجود از سرتاپای شما جاری شد، بدانید این همان پاسخ الهی است؛ این همان جواب خداست و جواب بعدی هم اجابت است. ۴۲

جور شدن اسباب و وسائط

بر آورده شدن خواسته در چهارچوب قوانین طبیعی

لازم نیست دعا همیشه قوانین طبیعی را به هم بزند و برخلاف قوانین طبیعی عمل کند؛ نه. دعا در چهارچوب قوانین طبیعی مستجاب می شود و خواسته ی شما برآورده می گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می آورد، کنار هم می گذارد و مقصود شما برآورده می شود. البته آنجایی که دعای شما با یک قانون الهی دیگری تصادم پیدا کند، مستجاب نمی شود. وعده ی الهی حقّ است؛ اما آن وعده هم درست است. آدم هایی که بی کار باشند و در راه اهداف خودشان تلاش نکنند، تضمینی نیست که به هدف و مقصد برسند. حالا شما دعا کن، معلوم است که

این دعا خیلی اقبال استجاب ندارد. البته یک وقت هم دیدید مستجاب شد؛ اما تضمینی نیست. در جایی برخلاف یک قانون طبیعی مسلّم، شما دعا کنید؛ معلوم نیست تضمینی داشته باشد. اگرچه در مواردی بلاشک دعا قوانین را هم خرق می کند؛ اما این طور نیست که وقتی می گوئیم دعا مستجاب می شود، یعنی دعای شما اگر با قوانین دیگر الهی منافات داشته باشد و عملی همراهش نباشد و یا حتی خود دعا از روی توجه هم نباشد، باز مستجاب می شود؛ نه. در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب می شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجاب این دعا واقعاً بیشتر است. ۴۳

جورشدن ابزارهای مادی و عادی و معمولی

خدای متعال در اینجا(۱) دو وعده به این مادر داد: اول اینکه این بچه را به تو برمی گردانیم، دوم اینکه او را از مرسلین قرار می دهیم. بعد که این بچه را در میان رود خروشان انداخت، به خواهر موسی گفت: «قالت

لِأُخْتِهِ قُصِيهِ»؛ برو دنبالش ببین چه می شود و سرنوشت این بچه به کجا خواهد انجامید؟ تا اینکه این بچه از طریق رود نیل به نزدیک خانه ی فرعون رسید. «فالتقطه»

آل فرعون؛ خانواده ی فرعون او را گرفتند و خدا در دلشان انداخت که او را نگهدارند. زن فرعون گفت که این بچه را برای خودمان نگهداریم: «قَرَّةَ عَيْنٍ لِي وَ لَكَ». «حَرَمْنَا

عَلَيْهِ الْمَرَاضِعُ»؛ پستانها را نگرفت. هرچه دایه آوردند که به این بچه شیر بدهند، پستان آن ها را نگرفت. گرسنه است و شیر می خواهد. در این بین، خواهر موسی آمد و

ص: ۳۴

۱- ([۱]). اشاره به داستان به آب انداختن صندوق حامل حضرت موسی علیه السلام توسط مادر.

گفت: «هَلْ أَدَلَّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ» (۱۱)؛

می خواهید من یک مرضعه پیدا کنم؟ ببینید وقتی خدای متعال می خواهد دعا را مستجاب کند و وعده را محقق نماید، این گونه شرایط را جور می آورد. ۴۴

وقتی دعا می کنید که حاجتی از شما برآورده شود، اگر خدای متعال آن دعا را مستجاب کند، استجابتش این است که ابزارهای مادی و عادی و معمولی این خواسته، جور می شود. یعنی خدا جور می آورد. فرضاً شما از کسی طلبی دارید که آن کس طلب شما را نمی دهد. اما یک وقت به دلش می افتد و می آید طلبتان را می دهد. این، یک وسیله است. چه مانعی دارد که دعا این وسیله را برای انسان جور کند؟ ۴۵

دعا جورکننده ی روال عادی

ضمناً بعضی مواقع، خدای متعال معجزه هم نشان می دهد که آن بحث دیگری است. معجزه در موارد استثنایی رخ می دهد و در غیر موارد استثنایی، دعا جورکننده ی روال عادی است. وقتی شما از خدا می خواهید حادثه ای اتفاق بیفتد که به آن نیاز دارید، در کنار دعا، باید نیرویتان را هم به کار ببندید. مثلاً اگر احساس تنبلی به شما دست می دهد و دعا می کنید که خدای متعال این احساس را از شما بگیرد، در کنار دعا، باید اراده و همت نیز به خرج دهید. یعنی در این جا هم، باز وسیله ی مادی و وسیله ی طبیعی دیگری هست که همان همت کردن است. باید همت و اراده کنید. هیچ کس خیال نکند که اگر در خانه بنشینیم و به تلاش و اقدام نپردازیم، حتی اراده هم نکنیم و فقط به دعا مشغول باشیم، خدا حاجاتمان را برآورده می کند؛ نه. چنین چیزی امکان ندارد. پس، دعا در کنار تلاش و با تلاش است. بعضاً خیلی از تلاشها به نتیجه نمی رسد؛ اما همین که دعا کردید، به نتیجه خواهد رسید. ۴۶

ص: ۳۵

خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه ی مبارکه ی «قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۱)

است؛ یعنی پروردگار شما فرموده است که مرا دعا کنید، تا استجاب کنم. ممکن است استجاب به معنای برآورده شدن صددرصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتماً برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدن نیست، یا به زودی برآورده شدن نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخش این است که خواسته ی شما را برآورده می کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی حمزه ی ثمالی که در سحرهای ماه رمضان خوانده می شود به همین معنا اشاره می کند. در قرآن فرموده است: «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (۲)؛ اگرچه خدا عالم است و نیازهای شما را می داند، اما شما از خدا بخواهید و به خدا عرض کنید. این آیه را در دعا ذکر می کند. البته در دعای شریف (۳): «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» دارد؛ اما در قرآن «كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» است. بعد می فرماید: «وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ». (۴)

امام سجّاد علیه السلام عرض می کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آن ها خواستند به آن ها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه ی الهی این است که اگر می گوید بخواهید، اراده فرموده است که آن خواسته را اجابت کند. این

ص: ۳۶

۱- ([۱]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰

۲- ([۲]) سوره ی نساء، آیه ی ۳۲

۳- ([۳]) دعای ابی حمزه ی ثمالی.

۴- ([۴]) بحار الأنوار ج: ۹۵، ص: ۸۲؛ أَلَسَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامِ .

همان وعده ی الهی است که در همین آیه ای که در اوّل خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می کند: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (۱)؛

هر گاه بندگان من درباره ی من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می گویم و دعوت و خواسته ی آن کسی را که از من می خواهد و مرا می خواند، اجابت می کنم. هر کس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِيدٌ» (۲)؛

هر سؤالی از خدا، هر خواسته ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهم است و باید بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند. حالا کسی که ایمان ندارد، طبیعی است که از این موقعیت مثل خیلی از موقعیتهای دیگر استفاده نمی کند. این وعده ی قطعی الهی است؛ یعنی خدای متعال هر خواسته ای را جواب خواهد داد. این یک وعده است و البتّه هر وعده ای هم شرایطی دارد. ۴۷.

«أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۳)

هیچ دعایی بی استجابت نیست. استجابت به معنای این نیست که خواسته ی انسان حتماً برآورده خواهد شد ممکن است برآورده بشود، ممکن است به علل و مصالح و موجباتی برآورده هم نشود اما استجابت الهی هست.

معانی ذکر

خود را در برابر خدا یافتن و به او دل دادن

ذکر یعنی خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن. ۴۸.

ص: ۳۷

۱- ([۱]) سوره ی بقره، آیه ی ۱۸۶.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۸۳ ص: ۵۸؛ الرّضا علیه السلام.

۳- ([۳]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

ذکر یعنی همنشینی با محبوب

حالا- این ذکر و یاد الهی، مراحلی دارد. ما، آدم ها همه در یک حد و در یک مرحله که نیستیم؛ رتبه ی ماها مختلف است. بعضیها از لحاظ روحی در درجات بالا هستند؛ مثل اولیاء و انبیاء و صالحین و اهل دل و اهل معنا. بعضی هم هستند مثل امثال بنده و ماها که به آن سطوح دسترسی ندارند؛ بعضی مان خبر هم نداریم از آنچه که در آن سطوح هست. برای همه ی ما ذکر هست- هم برای آن ها هست، هم برای ما هست- ذکر برای آن ها، همانی است که در روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: «الذِّكْرُ مُجَالَسَةُ الْمَحْبُوبِ» (۱)؛

ذکر، همنشینی با محبوب است. این، برای اولیاست. لذت ذکر برای آن ها لذت همنشینی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در یک روایت دیگر می فرماید؛ «الذِّكْرُ

لَذَّةُ الْمُحِبِّينَ» (۲)؛

ذکر لذت عاشقان و محبان است. ۴۹

ذکر یعنی یاد، در مقابل غفلت و نسیان

ذکر یعنی یاد. یاد در مقابل غفلت است؛ غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت- عالم بعد از عبور از جسمائیت- و محاسبه ی بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت. این یادها تعیین کننده است. ۵۰

قرآن به مسلمانها خطاب می کند که: «أذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (۳)؛

خدا را ذکرِ کثیر کنید. ذکر یعنی یاد. ذکر و یاد در مقابل غفلت و نسیان است. غرق در عوارض و حوادث و پیشامدهای گوناگون شدن و از

ص: ۳۸

۱- ([۱]) غررالحکم ص: ۱۸۹.

۲- ([۲]) غررالحکم ص: ۱۸۹.

۳- ([۳]) سوره ی احزاب، آیه ی ۴۱.

مطلب اصلی غفلت کردن؛ این، گرفتاری بزرگ ما بنی آدم است. می خواهند این نباشد. آن وقت این یاد هم صِرف یاد کردن و متذکر شدن نیست، ذکر کثیر را از ما خواسته اند. ۵۱

ذکر، یعنی به یاد بودن، به یاد آوردن، به هوش بودن و توجه کردن

«ذکر»، یعنی به یاد بودن، به هوش بودن و متوجه بودن. آیه شریفه ی قرآن می فرماید: «لَقَدْ

أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ.» (۱) یعنی قرآن را وسیله ی ذکر و به هوش بودن و متوجه بودن آحاد مسلمانان معرفی فرموده است؛ زیرا بسیاری از مردم، در طول زمان دچار غفلت از حقایق عالم و در رأس همه، غفلت از ذات مقدس پروردگار بوده اند. ۵۲

ذکر به معنای یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است، نه فقط ورد و اوراد

ذکر، فقط ورد و اوراد و امثال این ها نیست. اورادی که وجود دارد، یکی از وسایل ذکر است؛ اما ذکر به معنای یاد خدا و یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است؛ «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.» (۲) اگر در قرآن ملاحظه کنید، در موارد متعددی به «یاد نعمت خدا» اشاره شده است. ۵۳

ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن

برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذکر» را به انسان آموخته است. ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن. ۵۴

ص: ۳۹

۱- ([۱]) سوره ی انبیاء، آیه ی ۱۰.

۲- ([۲]) سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۳.

ذکر یعنی دوری از غفلت

موضوع ذکر و هدایت را به عنوان مسأله ی اصلی و اساسی خودمان مورد توجه قرار دهیم. پس ملت ما، امروز از جمله ی موضوعهایی که احتیاج دارد به درستی به آن توجه کند، موضوع ذکر و دوری از غفلت است. ۵۵

ذکر یعنی بیدارباش

«إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (۱)

این ذکر است، یاد است، تذکر است، هشدار است، بیدارباش برای همه ی بشر است. ۵۶

ذکر، مانع رفتن به سمتِ معصیت

خوب، حالا ذکر چیست؟ حضرت باقر در همین روایت، «ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» را معنا کرده اند: «وَهُوَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ يَهُمُّ بِهَا»؛ وقتی که می رود به سمت معصیت، ذکر خدا او را مانع بشود. ذکر؛ یاد کند خدا را و این معصیت را انجام ندهد؛ انواع معاصی را؛ خلاف واقع گفتن، دروغ گفتن، غیبت کردن، حق را پوشاندن، بی انصافی کردن، اهانت کردن، مال مردم را، مال بیت المال را، مال ضعفا را تصرف کردن یا درباره ی آن ها بی اهمتی به خرج دادن. این ها گناهان گوناگون است. در همه ی این ها، انسان توجه کند به خدا؛ ذکر خدا مانع بشود از اینکه انسان به سمت این گناه برود. «فَيُحُولُ

ذِكْرُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ» (۲)؛ و هو قول الله عزوجل «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا» (۳) بعد حضرت می فرمایند که این، تفسیر آن آیه است که فرمود:

ص: ۴۰

۱- ([۱]) سوره ی یوسف، آیه ی ۱۰۴.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۶۶ ص: ۳۷۹. أَلْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَام

۳- ([۳]) سوره ی اعراف، آیه ی ۱۰۲.

«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ»؛ وقتی شیطان به این ها تنه می زند، گذرنده ی شیطان این ها را مس می کند؛ یعنی هنوز درست به جانس هم نیفتاده، «تَذَكَّرُوا»؛ فوراً این ها متذکر می شوند. «فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»؛ این ذکر موجب می شود که چشم این ها، بصیرت این ها باز بشود. معنای «ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» این است.

در صدر روایت بعدی که مورد توجه من است، تقریباً عباراتش شبیه همین روایتی است که خواندم و همان سه چیز را ذکر می کند. در آن روایت، «وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» را داشت، در اینجا و در روایتی که حضرت ابی عبداللّه علیه السلام می فرماید، آمده است: «وَذِكْرُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ»؛ انسان در همه جا ذکر خدا کند. اما آن نکته ی مورد توجه این است که می فرماید: «أَمَّا إِنِّي لَا أَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ اینکه می گویم در همه حال ذکر خدا را بگوئید، مقصودم این نیست که بگوئید سبحان الله و الحمد لله و لا- إله إلا الله و الله أكبر. این، ذکر لفظی است. «وَإِنْ كَانَتْ هَيْدًا مِنْ ذَاكَ»؛ اگرچه این هم ذکر است، این هم مطلوب است، این هم شریف است و خیلی باارزش است؛ اما مقصود من فقط این نیست، بلکه «وَلَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمْتَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ عَلَى مَعْصِيَةٍ» (۱)

- هَجَمْتَ يَا هَمَمْتَ. نسخه ای که من دیدم، هَجَمْتَ است. احتمال می دهم هَمَمْتَ باشد- وقتی به سمت طاعت خدا می روی، یا به سمت معصیت خدا می روی، یاد خدا باشی. این «یاد خدا بودن» مورد نظر است؛ این ذکر «اللّه». البته این اذکاری که در روایات ما، در این دعاها، در این اوراد گوناگون، تسیحات حضرت زهرا و بقیه ی اذکاری که هست- این ها همه وسائل ذکرند، این ها

ص: ۴۱

۱- ([۱]) الکافی ج: ۲ ص: ۱۴۵؛ أَلْصَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام .

کپسولهای ذکرند- ذکر شده است، انسان باید این ها را با توجه به معانی و حقایقشان بر زبان جاری کند؛ توجه پیدا کند. البتّه
این ها خیلی باارزش است. ۵۷.

ص: ۴۲

فصل دوّم: اهمّيّت دعا و ذکر

اشاره

ص: ۴۳

توفیق دعا، علامت لطف پروردگار

اگر کسی توفیق دعا پیدا کند دعای با توجه و با حال باید بداند مورد لطف پروردگار قرار گرفته است و اجابت در مرحله ی بعد است. ۵۸.

همین که انسان با خدای متعال انس پیدا می کند، با خدا حرف می زند، این لطف الهی است و توفیقی است که خدا به انسان داده است. خود این «یا الله» متضمن اجابت پروردگار است. ۵۹.

دعا، بیمه کننده ی انسان در مقابل جلوه های مادی

اگر می خواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر می خواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می خواهید در مقابل جلوه های مادی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرع بیمه کنید. ۶۰.

دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند

در باب دعا، خلاصه ی عرض ما این است که دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است، و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که

انبیای الهی از اول تا آخر، تربیت و تلاششان متوجه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند. ۶۱

دعا، بهترین مضامین سرشار از معارف الهی

دعا، خواندنِ خداست؛ حالا می تواند به زبان فارسی یا به زبان خودتان باشد؛ هرچه که می خواهید با خدا حرف بزنید؛ این، دعاست. هرچه می خواهید با او در میان بگذارید... البته دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام بهترین مضامین در زیباترین الفاظ و سرشار از معارف الهی است که قدر آن ها را باید دانست و بایستی به آن ها متوسل شد. ۶۲

دعا، دارای تأثیرات معجز آسا بر روی دل انسان

این انس با خدای متعال و ذکر خدای متعال و استغفار و دعا خیلی تأثیرات معجز آسایی بر روی دل انسان دارد؛ دل های مرده را زنده می کند. ۶۳

دعا، معنادهنده ی حیات انسان

می گوید که باید به در خانه ی خدا بروید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ.» (۱) باید دعا کنید. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ.» (۲)

باید دعا کنید تا از خدا جواب بشنوید. حیات انسان، جز در رابطه با خدا، معنا ندارد. ۶۴

دعا، اسلحه ای مایه ی نجات

دعا به انسان توانایی و قدرت می دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده است به سلاح. از نبی مکرم نقل شده است که فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ

ص: ۴۶

۱- [۱] سوره ی فرقان، آیه ی ۷۷.

۲- [۲] سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

أَعْدَائِكُمْ»؛ اسلحه ای را به شما معرفی کنم که مایه ی نجات شماست؛ «تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ». (۱) در مواجهه ی با حوادث، توجّه به خدای متعال، مثل سلاح بُرنده ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه ی کارهای لازم را انجام می داد؛ سپاه را می آراست، سربازان را به صف می کرد، امکانات لازم را به آن ها می داد، توصیه های لازم را به آن ها می کرد، اشراف فرماندهی خودش را اعمال می کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می زد، دست به دعا بلند می کرد، تضرّع می کرد، با خدای متعال حرف می زد و از او می خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می کند. ۶۵

دعا، کلید همه ی خزائن الهی

کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که ایشان - بنا بر نقل - فرموده اند: «ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدِكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَدْنَى فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ»؛ «خدای متعال، به این که به تو اذن داد از او بخواهی، کلید همه ی گنجینه های خود را در دست تو قرار داد.» پس، اذنی که خداوند متعال داد تا هر چه می خواهی از او بخواهی، کلید همه ی خزائن الهی است. اگر انسان این کلید را به شکل درست به کار ببرد - از خدا بخواهد - مسلماً آن را در اختیار انسان می گذارد. «فَمَتَى شِئْتِ اسْتَفْتَحَتْ بِالْدُّعَاءِ أَبْوَابَ خَزَائِنِهِ» (۲) هر وقت بخواهی، به وسیله ی دعا، در خزائن الهی را باز می کنی. ببینید! این، مسأله ی بسیار مهمی است. چرا انسان خود را از این وسیله ی مهم محروم کند؟! ۶۶

ص: ۴۷

۱- ([۱]) الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸، الرسول صلی الله علیه و آله .

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۲۰۵؛ أَلْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَام .

دعا، آشکارکننده ی محتوای ذهن دعاکننده

علاوه بر اینها دعا محتوای ذهن دعا کننده را برای مستمع و مخاطب واضح و آشکار می کند. وقتی شما دعای کسی را گوش می دهید که با خدا حرف می زند می توانید از دعای او، از خواهش او کشف کنید که این چگونه انسانی است، حقیر است یا عظیم است، کوتاه بین است یا بلند نظر و بلند همت است، مؤمن است یا مردد است، دعا چیز عجیبی است. ۶۷

دعا، دارای نقش مؤثر در سازندگی

کسی خیال نکند در زندگی ملتی که در حال سازندگی است، دعا و تضرع نقش زیادی ندارد. به عکس، ملتی که راه دشواری را در پیش روی خود دارد و می خواهد کار بزرگی را انجام دهد، در کنار کار و تلاش و مجاهدت، لازم است که باب گشاده ای برای دعا و توجه به پروردگار و استمداد از خداوند قرار دهد. شما در تاریخ اسلام مشاهده می کنید که معصومین علیهم السلام، از جمله خود نبی اکرم و امیرالمؤمنین ۶، در میدانهای جنگ، در صحنه های پرخطر و در هنگام کارهای بزرگ، دست توسل و دعا باز می کردند. کسی نمی تواند بگوید که پیغمبر و مسلمانان صدر اسلام، تلاش و کار نمی کردند. بالاتر از تلاش آن ها دیگر تلاش وجود ندارد. در آن ده سال که پیغمبر حاکمیت جامعه ی اسلامی آن روز را در اختیار داشت، سالیانی یکسره توأم با کار و تلاش بود. اما در عین حال، با وجود آن کار و تلاش و در کنار آن، دعا و تضرع و انابه و استغفار و طلب و مسئلت از پروردگار عالم هم جای خود را داشت. ۶۸

دعا و فرصت دعا کردن، یک نعمت

لذا دعا، یک نعمت است و فرصت دعا کردن، یک نعمت است. در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام این معنا وارد شده است:

«إِعْلَمَ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ مَلَكُوتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَدْ أَذِنَ لِدُعَائِكَ وَتَكَفَّلَ لِإِجَابَتِكَ»؛ خدای متعال که همه ی قدرت آسمان و زمین در قبضه ی توانایی اوست، به تو اجازه داده که با او دعا کنی و حرف بزنی و از او بخواهی. «وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيكَ»؛ از او مطالبه کنی تا او هم به تو عطا کند. این رابطه ی درخواست کردن و گرفتن از خدا، مایه ی تعالی روح انسان است و همان تقویت کننده ی روح عبودیت است. «وَ

هُوَ رَحِيمٌ كَرِيمٌ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مِنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ» (۱)؛

خدای متعال بین خودش و تو، واسطه ای، فاصله ای و حجابی قرار نداده است. هر وقت با خدا شروع کنید به سخن گفتن و عرض نیاز کردن، خدای متعال صدا و درخواست شما را می شنود. با خدا همیشه می شود هم زبان شد، می شود گفتگو کرد، می شود مأنوس شد و می شود از او درخواست کرد. این برای بشر، فرصت و نعمت خیلی بزرگی است. ۶۹.

هفت مرتبه ضمیر متکلم برای خدا، فقط در آیه ی دعا

در دنبال همین آیات که سه آیه درباره ی روزه است، بلافاصله می فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» ای پیغمبر هنگامی که بندگان من درباره ی من از تو پرسند من نزدیکم، نمی گوید به آنها بگو من نزدیکم، خودش با آنها هم صحبت می شود می گوید: «فَأِنِّي قَرِيبٌ» من نزدیکم «أَجِيبُ

دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» دعوت کننده را اجابت می کنم. دعای خواستار از خودم را برآورده می کنم «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي» به من پاسخ بگویند «وَ لِيُؤْمِنُوا بِي» به من ایمان بیاورند. مرحوم علامه ی بزرگوار، علامه ی طباطبایی رضوان الله تعالی علیه در این آیه ی شریفه متوجه یک نکته ای شده. ایشان

ص: ۴۹

می فرماید که پروردگار عالم در آیه ی «وَ إِذَا سَأَلْتَكُ عِبَادِي عَنِّي» هفت مرتبه ضمیر متکلم وحده به کار برده، «من» «وَ إِذَا سَأَلْتَكُ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي» (۱) در هیچ آیه ی دیگری از آیات قرآن این همه خدای متعال از خود حرف نزده، در یک متن به این کوتاهی هفت مرتبه گفته من. این برای اثبات نزدیکی خدا به بندگانی است که دل به سوی خدا می گشایند و زبان باز می کنند به ستایش الهی. ۷۰

تکرار اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ در شبانه روز

و در هر نمازی هم اقلًا در دو رکعتش می گوئیم: «اِهْدِنَا

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»... شما هفده رکعت نماز واجب می خوانید. از این هفده رکعت باید در ده رکعتش «اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بگوئید. ۷۱

پیش بردن راه، در گرو دعا

«قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ». (۲) بدون دعا و توجه و توسل به پروردگار نمی شود راه را پیش برد و من اعتقاد دارم که یکی از علل موفقیت امام(ره)، همین تضرع و توجه به پروردگار متعال بود. ۷۲

اهمیت ذکر

درخواست ذکر کثیر

قرآن به مسلمانها خطاب می کند که: «أذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (۳)؛

خدا را ذکر کثیر کنید. ذکر یعنی یاد. ذکر و یاد در مقابل غفلت و نسیان

ص: ۵۰

۱- [۱] سوره ی بقره، آیه ی ۱۸۶.

۲- [۲] سوره ی فرقان، آیه ی ۷۷.

۳- [۳] سوره ی احزاب، آیه ی ۴۱.

است. غرق در عوارض و حوادث و پیشامدهای گوناگون شدن و از مطلب اصلی غفلت کردن؛ این، گرفتاری بزرگ ما بنی آدم است. می خواهند این نباشد. آن وقت این یاد هم صرف یاد کردن و متذکر شدن نیست، ذکر کثیر را از ما خواسته اند. ۷۳

راه تقوا، ذکر خداست

راه تقوا هم ذکر خداست. ۷۴

قرآن، وسیله ی ذکر

آیه شریفه ی قرآن می فرماید: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ.» (۱) یعنی قرآن را وسیله ی ذکر و به هوش بودن و متوجه بودن آحاد مسلمانان معرفی فرموده است؛ زیرا بسیاری از مردم، در طول زمان دچار غفلت از حقایق عالم و در رأس همه، غفلت از ذات مقدس پروردگار بوده اند. ۷۵

موضوع ذکر، مسأله ی اصلی و اساسی

و موضوع ذکر و هدایت را به عنوان مسأله ی اصلی و اساسی خودمان مورد توجه قرار دهیم. پس ملت ما، امروز از جمله ی موضوعهایی که احتیاج دارد به درستی به آن توجه کند، موضوع ذکر و دوری از غفلت است. ۷۶

ذکر، عرفان واقعی

عرفان واقعی یعنی این؛ یعنی آن ذکر و یاد الهی را در انسان به وجود بیاورد و بصیرت لازم را برای حضور در مقابل خدا ایجاد کند. ۷۷

ذکر نامحدود

همه ی این فرائض و احکام الهی حدی دارند؛ اندازه ای دارند، که وقتی به آن حد و مرز رسیدند، تمام می شود؛ تکلیف تمام می شود؛ «إِلَّا

ص: ۵۱

الذَّكْرُ؛ مگر ذکر. «فَلَيْسَ لَهُ حِدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ»؛ ذکر حد ندارد؛ اندازه ای ندارد، که وقتی این اندازه ذکر و یاد حاصل شد، بگوئیم دیگر بس است؛ دیگر لازم نیست. بعد خود حضرت توضیح می دهد و می فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْفَرَائِضَ فَمَنْ أَدَّاهُنَّ فَهُوَ حَيْدُهُنَّ»؛ هر کس فرائض را ادا کرد، آن ها را به حد و مرز خود رساند. «وَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حِدُّهُ»؛ مثلاً ماه رمضان که تمام شد، شما این فریضه را به مرز خودش رساندید؛ تمام شد و دیگر چیزی بر شما واجب نیست. «وَ الْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حِدُّهُ»؛ هر کس حج را به جا آورد- به اعمال پایان حج که رسید- آن را به مرز رساند. این در صورتی است که در هر دو جا «فَهُوَ حَيْدُهُ» بخوانیم. البته می شود «فَهُوَ حَيْدُهُ» هم با یک تعبیر دیگری خواند؛ اما «إِلَّا الذَّكْرُ»؛ فقط ذکر مثل بقیه ی فرائض نیست. دیگر بقیه ی فرائض را ذکر نفرمودند؛ زکات را وقتی دادید، دیگر واجب نیست، به همان اندازه ای که مقرر شده است. خمس را همین جور، صله ی رحم را همین جور. بقیه ی فرائض و واجباتی که هست، همه از همین قبیل است، مگر ذکر؛ «إِلَّا الذَّكْرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ حِدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ» (۱)؛

خدا به ذکرِ قلیل راضی نشده است؛ حدی برای آن قرار نداده است که بشود به آن حد رسید. «ثُمَّ تَلَا»؛ بعد، حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا». (۲)

اهمیت ذکر این است. ۷۸.

ذاکر بودن در همه ی حالات، از مهم ترین تکالیف مؤمنین

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ثَلَاثٌ مِنْ أَشَدِّ مَا عَمَلَ الْعِبَادُ»؛ سه چیز هست که جزو تکالیف بسیار مهم و دشوار مؤمنین است؛ کارهای سخت... سوّم، «وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»؛ در همه حال ذاکر خدای متعال باشد. ۷۹.

ص: ۵۲

۱- [۱] الکافی ج: ۲ ص: ۴۹۸؛ أَلصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

۲- [۲] سوره ی احزاب، آیه ی ۴۱.

با صحیفه ی سجّادیه مانوس شوید. کتاب بسیار عظیمی است. اینکه گفته اند زبور آل محمّد، واقعاً همین طور است؛ پُر از نغمه های معنوی است، دعا و درس است. ۸۰

یکی از بهترین ذخایر معنوی ما

به نظر من صحیفه ی سجّادیه ی مبارکه یکی از بهترین ذخایر معنوی ماست، اگر بتوانیم از این استفاده کنیم. ۸۱

امر به دعا و نهی از ترک آن

امر

من توصیه می کنم که ارتباطات بچه ها با خدا، ارتباطات با توجّه و باحالی باشد؛ بخصوص نمازها را با حال بخوانند. دعا که می خوانند، با حال و با توجّه بخوانند و بدانند با چه وجودی حرف می زنند و چه می خواهند و بدانند این خواست، پاسخ دارد. در قرآن، به ما گفته شده است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۱)؛

مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. یکجا دارد: «وَسَلُّوا لِلَّهِ مِنْ فَضْلِهِ» (۲)؛

از فضل خدا طلب کنید و بخوانید. این ها وعده های الهی است و وعده های الهی، صادقترین وعده هاست. ۸۲

ذکر «الله» را در فضای جامعه زیاد کنید. ۸۳

ماه رمضان، وقت این گونه دعا کردن است. منافاتی هم ندارد. همان

ص: ۵۳

۱- ([۱]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

۲- ([۲]) سوره ی نساء، آیه ی ۳۲.

دعایی که در آن، حاجت خود را می خواهید، آن دعا را با توجه، با تضرع و با حضور قلب بخوانید و دلتان را به خدا نزدیک کنید. من و شما به این احتیاج داریم. برادر و خواهر من! از دعا غفلت نکنید. ۸۴

لزوم

ملتی که راه دشواری را در پیش روی خود دارد و می خواهد کار بزرگی را انجام دهد، در کنار کار و تلاش و مجاهدت، لازم است که باب گشاده ای برای دعا و توجه به پروردگار و استمداد از خداوند قرار دهد. ۸۵

طلبه باید با دعا، با ذکر و با مناجات انس پیدا کند. ۸۶

جامعه ی اسلامی باید جامعه ی دعا و تضرع و انابه ی الی الله باشد. ۸۷

غنیمت دانستن دعا

ذکر الهی را خیلی باید مغتنم بشمرید. همین نماز جمعه ی شما مصداق ذکر الهی است. «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» (۱)

در اینجا آنچه بر دل شما، بر زبان شما، بر حرکات شما باید غالب باشد، یاد خداست. دل به یاد خدا، زبان متذکر به نام مقدس پروردگار، حرکات دست و پا و جسم هم حرکاتی در جهت یاد پروردگار و اطاعت اوامر الهی. این چیزی که مورد نیاز یکایک ماست، همین است. ۸۸

وظیفه

یکی از وظایف ما در ماه رمضان، دعا کردن است. ۸۹

ص: ۵۴

سلب توفیق دعا، نگران کننده تر از سلب توفیق اجابت

در این خصوص عبارتی را از بزرگی نقل کرده اند. نمی دانم روایت از معصوم علیه السلام، است یا عبارتی از غیر معصوم. هرچه هست، عبارت حکمت آمیزی است. می گوید: «أَنَا مِنْ أَنْ أُسَلَبَ الدُّعَاءَ أَخَوْفٌ مِنْ أَنْ أُسَلَبَ الإِجَابَةَ»؛ «از اینکه دعا از من گرفته شود بیشتر می ترسم تا اینکه اجابت از من گرفته شود.» ۹۰

گرفته شدن حال دعا از انسان، علامتی بد

گاهی حال دعا از انسان گرفته می شود. این، علامت بدی است. اگر دیدیم در وقت دعا، در وقت تضرع و در وقت توجه و تقرب، هیچ نشاط و حوصله ی دعا نداریم، علامت خوبی نیست. البته درستش هم می شود کرد. انسان می تواند با توجه، با التماس و با خواستن، حال دعا را به طور جدی از خدا بگیرد. ۹۱

بی پشتوانگی، بی آمد بی نیاز دانستن خود از دعا

مسئولان قضائی کشور، خودشان را بی نیاز از دعا و نافله و ذکر و توجه و توسل و گریه و انابه به پروردگار ندانند؛ نگویند حالا ما که مشغول خدمت به مردم هستیم؛ دعا را کسی بخواند که خیلی کار ندارد! نه، اصل کار این است. اگر این نباشد، آنجا بی پشتوانه ایم. ۹۲

مقایسه ی دعا و ذکر با سایر فضائل

دعا، یکی از مهم ترین کارهای بنده ی مؤمن

در روایت وارد شده است که «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ» (۱)؛

مغز عبادت، یا به

ص: ۵۵

۱- [۱] وسائل الشیعه ج: ۷ ص: ۲۷؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

تعبیر رایج ماهها، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبت و ارادت است؛ همه ی این ها دعاست. دعا یکی از مهم ترین کارهای یک بنده ی مؤمن و یک انسان طالب صلاح و نجات و نجات است. ۹۳

دعا، مغز عبادت

«الْدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ» (۱)؛

مغز هر عبادتی، دعاست. عبادت برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست. ۹۴

دعا، مهم ترین علاج

باید ما از امیرالمؤمنین این را درس بگیریم؛ یاد خدا و توجه به ذکر و مناجات الهی، مهم ترین علاجی است که امیرالمؤمنین برای این کار دارد. ۹۵

دعا، تنها راه رسیدن به خواسته های عظیم

در دعای سحر روز جمعه - که مستحب است - دعایی کوتاه، اما بسیار خوب است. اگر توفیق پیدا کردید، حتماً این دعا را بخوانید. اول درخواستهایی از خدا می شود و بعد این عبارت می آید: «إِلَهِي

طُمُوحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَ مَعَاكِفُ الْهَمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ» (۲)؛

«خدایا! آرزوهای سرکش و بزرگ و خواسته های عظیم، محکوم به نومیدی

ص: ۵۶

۱- ([۱]) وسائل الشیعه ج: ۷ ص: ۲۷؛ أَلْرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله .

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۸۶ ص: ۳۰۶؛ أَلْصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام .

هستند؛ مگر وقتی که با تو مطرح شوند.» کاروان طلبهای ما، از راه رفتن، محکوم به باز ماندنند؛ مگر وقتی که در خانه تو

بیایند. ۹۶

ذکر، بزرگتر و مهم تر از نهی از فحشا و منکر

اما ارتباط بین صبر و صلاة. البته صلاة را به مفهوم عام صلاة بگیرید؛ یعنی توجه، ذکر، خشوع؛ و الا صورت نماز در حالی که خالی از ذکر باشد، مورد نظر نیست. لذا در آن آیه ی شریفه هم که راجع به صلاة فرموده، بعد می فرماید: «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ». «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». (۱) این، یک خاصیت صلاة است؛ اما بزرگتر از نهی از فحشا و منکر، نفس ذکر خداست که در صلاة وجود دارد. این صلاة یعنی آن ذکر، توجه، خشوع، ارتباط قلبی با خدا، در استحکام صبر تأثیر دارد. ۹۷

مقام دعاکنندگان، بیانگر اهمیت دعا

پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر با آن مقام و با آن شأن و عظمت، از عبادت خود غافل نمی شد؛ نیمه ی شب می گریست و دعا و استغفار می کرد. اُمُّ سَلَمَةَ یک شب دید پیامبر نیست؛ رفت دید مشغول دعا کردن است و اشک می ریزد و استغفار می کند و عرض می کند: «اللَّهُمَّ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ». (۲) ۹۸

کسی خیال نکند در زندگی ملتی که در حال سازندگی است، دعا و تضرع نقش زیادی ندارد. به عکس، ملتی که راه دشواری را در پیش روی خود دارد و می خواهد کار بزرگی را انجام دهد، در کنار کار و تلاش و مجاهدت، لازم است که باب گشاده ای برای دعا و توجه به پروردگار و

ص: ۵۷

۱- ([۱]) سوره ی عنکبوت، آیه ی ۴۵.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۱۶ ص: ۲۱۷؛ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام .

استمداد از خداوند قرار دهد. شما در تاریخ اسلام مشاهده می کنید که معصومین علیهم السلام، از جمله خود نبی اکرم و امیرالمؤمنین ۶، در میدانهای جنگ، در صحنه های پرخطر و در هنگام کارهای بزرگ، دست توسل و دعا باز می کردند. کسی نمی تواند بگوید که پیغمبر و مسلمانان صدر اسلام، تلاش و کار نمی کردند. بالاتر از تلاش آن ها دیگر تلاش وجود ندارد. در آن ده سال که پیغمبر حاکمیت جامعه ی اسلامی آن روز را در اختیار داشت، سالهایی یکسره توأم با کار و تلاش بود. اما درعین حال، با وجود آن کار و تلاش و در کنار آن، دعا و تضرع و انابه و استغفار و طلب و مسئلت از پروردگار عالم هم جای خود را داشت. ۹۹

انبیاء علیهم السلام

در قرآن کریم، بارها در باب دعا و دعایی که بندگان صالح خدا کرده اند، سخن گفته شده است. همه این ها برای آن است که به ما درس داده شود. انبیای الهی در مواقع سختی دعا می کردند و از خدای متعال کمک می خواستند: «فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِر» (۱)

که از قول حضرت نوح علیه السلام نقل شده است. یا از قول حضرت موسی علیه السلام نقل شده است: «فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَاءِ قَوْمٍ مُّجْرِمُونَ». (۲)

موسی به خدا شکایت کرد و به او پناه برد. ۱۰۰

در باب دعا، خلاصه ی عرض ما این است که دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند و برای تقویت روح عبودیت در انسان است، و این روح عبودیت و احساس بندگی در مقابل خداوند، همان چیزی است که انبیای الهی از اول تا آخر، تربیت و تلاششان متوجه این نقطه بوده است که روح عبودیت را در انسان زنده کنند. ۱۰۱

ص: ۵۸

۱- ([۱]) سوره ی قمر، آیه ی ۱۰.

۲- ([۲]) سوره ی دخان، آیه ی ۲۲.

وقتی اصحاب و حواریون پیامبران، در جنگها و حوادث گوناگون، دچار مصیبتی می شدند، روی دعا به جانب پروردگار می نمودند و عرض می کردند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ اِسْرَافَنَا فِيْ اَمْرِنَا»^(۱)؛ خدایا! گناهان و زیاده روی ها و بی توجهی هایی را که در کار خودمان کردیم، ببامرز. ۱۰۲

امام خمینی(ره)

خدای متعال یقیناً از بندگانی که در راه او حرکت می کنند و با اخلاص گام برمی دارند، حمایت خواهد کرد؛ من در این موضوع هیچ تردیدی ندارم. البته تضرع و ابتهال به پروردگار را هم نباید فراموش کنیم؛ «قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ»^(۲)

بدون دعا و توجه و توسل به پروردگار نمی شود راه را پیش برد و من اعتقاد دارم که یکی از علل موفقیت امام(ره)، همین تضرع و توجه به پروردگار متعال بود. ۱۰۳

ص: ۵۹

۱- [۱] سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۴۷.

۲- [۲] سوره ی فرقان، آیه ی ۷۷.

فصل سوّم: شرائط دعا، شروط اجابت

اشاره

ص: ۶۱

می فرماید: « وَ لَيْسَ مِنْ صَفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ ». امام سجّاد علیه السلام عرض می کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آن ها خواستند به آن ها ندهی. یعنی معنای کرم الهی رحمت الهی و قدرت محیطه ی الهی این است که اگر می گوید بخواهید، اراده فرموده است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده ی الهی است که در همین آیه ای که در اوّل خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می کند: «وَ

إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (۱)؛

هرگاه بندگان من درباره ی من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می گویم و دعوت و خواسته ی آن کسی را که از من می خواهد و مرا می خواند، اجابت می کنم. هر کس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ

ص: ۶۳

هر سؤالی از خدا، هر خواسته ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهم است و باید بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند. ۱۰۴

اجازه ی پروردگار

در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام این معنا وارد شده است: «إِعْلَمَنَّ أَنَّ الَّذِي يَبْدِيهِ خَزَائِنُ مَلَكُوتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَدْ أَذِنَ لِدُعَائِكَ وَ تَكْفَّلَ لِإِجَابَتِكَ»؛ خدای متعال که همه ی قدرت آسمان و زمین در قبضه ی توانایی اوست، به تو اجازه داده که با او دعا کنی و حرف بزنی و از او بخواهی. «وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَ لِيُعْطِيكَ» (۲)؛

از او مطالبه کنی تا او هم به تو عطا کند. ۱۰۵

کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که ایشان - بنا بر نقل - فرموده اند: «ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدِكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَذِنَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ»؛ «خدای متعال، به این که به تو اذن داد از او بخواهی، کلید همه ی گنجینه های خود را در دست تو قرار داد.» پس، اذنی که خداوند متعال داد تا هر چه می خواهی از او بخواهی، کلید همه ی خزائن الهی است. اگر انسان این کلید را به شکل درست به کار ببرد - از خدا بخواهد - مسلماً آن را در اختیار انسان می گذارد. «فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالْدُّعَاءِ أَبْوَابَ خَزَائِنِهِ» (۳).

هر وقت بخواهی، به وسیله ی دعا، در خزائن الهی را باز می کنی. ببینید! این، مسأله ی بسیار مهمی است. چرا انسان خود را از این وسیله ی مهم محروم کند؟! ۱۰۶

ص: ۶۴

۱- [۱] بحار الأنوار ج: ۸۳ ص: ۵۸؛ الرضا علیه السلام.

۲- [۲] بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۲۰۵؛ الباقر علیه السلام.

۳- [۳] همان.

لطف و توفیقِ الهی

همین که انسان با خدای متعال انس پیدا می کند، با خدا حرف می زند، این لطف الهی است و توفیقی است که خدا به انسان داده است. خود این «یا الله» متضمن اجابت پروردگار است. ۱۰۷

اگر کسی توفیق دعا پیدا کند دعای با توجه و با حال باید بداند مورد لطف پروردگار قرار گرفته است و اجابت در مرحله ی بعد است. ۱۰۸

از ناحیه ی دعاکننده

امید

دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. خواستن، یعنی امیدواری. تا امید نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مُشعل می کند و منور نگه می دارد. ۱۰۹

التماس و درخواستِ حالِ دعا

اگر دیدیم در وقت دعا، در وقت تضرع و در وقت توجه و تقرب، هیچ نشاط و حوصله ی دعا نداریم، علامت خوبی نیست. البته درستش هم می شود کرد. انسان می تواند با توجه، با التماس و با خواستن، حال دعا را به طور جدی از خدا بگیرد. ۱۱۰

شکر

اولاً، وقتی شکر کردید، این شکر موجب ذکر می شود؛ متوجه خدا می شوید؛ خود شکر انسان را ذاکر می کند. ۱۱۱

قطعیّتِ اجابت

دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر

آنجا که توجه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب

اگر خدا در دعا را باز کند، در اجابت را نمی بندد

امکان ندارد خدا به بندگان خود دستور بدهد دعا کنند، اما بنا بر اجابت آن نداشته باشد. ۱۱۳

فرمود: «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» (۱)؛ از خدای متعال بخواهید و نیازهای خودتان را از او بطلبید. در دعای ابی حمزه ی ثمالی از قول امام سجّاد علیه السلام این طور عرض می شود: «وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطَايَا عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ» (۲)؛

تو به بندگان خودت دستور بدهی که از تو بخواهند، اما بنا داشته باشی که خواسته ی آن ها را عملی نکنی؛ این امکان ندارد. وقتی خدای متعال به من و شما امر می کند که از او بخواهیم و طلب کنیم، معنایش این است که خدای متعال تصمیم دارد که آنچه را می خواهیم، به ما بدهد لذا در روایت است که: «مَا

كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ... عَلَى عَبْدٍ بَابَ الدُّعَاءِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْإِجَابَةِ» (۳)

و الله اكرم من ذلك؛ خدای متعال کریم تر از آن است که باب دعا را باز کند، اما باب اجابت را ببندد. ۱۱۴

اگر دل توانست با یاد خدا خود را معطر و مزین کند، بدون تردید اجابت الهی برای او میسر خواهد شد؛ «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ». (۴)

هیچ دعایی بی استجابت نیست. استجابت به معنای این نیست که خواسته ی انسان حتماً برآورده خواهد شد ممکن است برآورده بشود، ممکن است به علل و

ص: ۶۶

۱- ([۱]) سوره ی نساء، آیه ی ۳۲.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۹۵ ص: ۸۲؛ السّجّاد علیه السلام.

۳- ([۳]) نهج البلاغه؛ قصار ۴۳۵.

۴- ([۴]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

مصالح و موجباتی برآورده هم نشود اما استجاب الهی هست. استجاب الهی، پاسخ و توجه و التفات خداست؛ و لو آن خواسته ای که من و شما داریم که ای بسا خیال می کنیم این خواسته به نفع ماست، اما به زیان ماست تحقق هم پیدا نکند؛ اما «یا الله» شما بی گمان لیبکی به دنبال خود دارد. ۱۱۵

کراهت انتظار سرعت غیر معمول، برای دریافت حاجت

در أبواب کتب روایی دارد: «كَرَاهَةُ الْعَجَلَةِ فِي الدَّعَاءِ وَ تَعْجِيلِ الْإِنصِرَافِ مِنْهُ وَ اسْتِعْجَالِ الْإِجَابَةِ» (۱)

یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و در زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگوئید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد؛ نه. «الْأُمُورُ مَرهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا». (۲)

در روایت دارد: بنی اسرائیل بعد از آنکه خدای متعال وعده داد آنان را نجات خواهد داد، چهل سال دعا کردند و بالاخره شد. کار بزرگی هم انجام شد. غرق فرعون و پیروزی موسی بر فرعون، امری نیست که چهل سال تلاش، برای آن زیاد باشد. عجله نکنید! با توجه، خدا را بخوانید و هر چه می خواهید از خدا بخواهید که در بعضی از دعاها، این معنا را دارد. در دعایی این گونه وارد است که «إِلَهِي طُمُوحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَ مَعَاكِفُ الْهَمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ» (۳)

یعنی آرزوهای زیاد در هر دری و نزد هر کسی که مطرح گردد، مردود می شود، مگر در پیشگاه تو. در پیشگاه تو، خواسته های زیاد هم برآورده می شود. ۱۱۶

بی قید و شرط بودن اجابت

البته اجابت الهی از طرف پروردگار، هیچ قید و شرطی ندارد؛ این ما

ص: ۶۷

۱- [۱] وسائل الشیعه؛ کتاب الصلوة؛ أبواب الدعاء؛ باب ۷.

۲- [۲] بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۱۶۶؛ الرسول صلی الله علیه و آله .

۳- [۳] بحار الأنوار ج: ۸۶ ص: ۳۰۶؛ الصّادق علیه السلام .

هستیم که با اعمال خودمان مانع اجابت می شویم؛ ما هستیم که موجب می شویم دعای ما مورد اعتنا قرار نگیرد، که خود همین، یکی از معارفی است که می توان از دعا استفاده کرد و یکی از خصوصیات دعا، همین است. ۱۱۷

یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه ی الهی این است که اگر می گوید بخواهید، اراده فرموده است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده ی الهی است که در همین آیه ای که در اوّل خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می کند: «وَ

إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (۱)؛

هر گاه بندگان من درباره ی من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می گویم و دعوت و خواسته ی آن کسی را که از من می خواهد و مرا می خواند، اجابت می کنم. هر کس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ خَاصٌّ وَ جَوَابٌ عَتِيدٌ» (۲)؛ هر سؤالی از خدا، هر خواسته ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهم است و باید بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند. ۱۱۸

وجود شرائط و آداب برای دعا، برای بالا بردن امکان اجابت

دعا، وسیله ای در کنار وسایل دیگر است... در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام، نقل شده است که فرمود: «إِدْفَعُوا

أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالْدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ» (۳)

پیش از آن که بلا- بر شما وارد شود، با دعا، بلا- را دفع کنید. اینها واقعیت است. این، البته بدان معنا نیست که هر چه شما خواستید و هر طور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه

ص: ۶۸

۱- ([۱]) سوره ی بقره، آیه ی ۱۸۶.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۸۳ ص: ۵۸؛ أَلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَام .

۳- ([۳]) بحار الأنوار ج: ۹۰ ص: ۲۸۹؛ امیرالمؤمنین علیه السلام .

شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه ی اسباب عادی و مثل همه ی خواستنها. اگر شما از دوستان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفاتی دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجه کند و با همه ی دل، از خدا بخواهد. ۱۱۹

اگر دعا به معنای حقیقی کلمه انجام بگیرد، اجابت قطعی و بدون شرط است

شرط مهمّ اجابت دعا این است که دعا به معنای حقیقی کلمه و با شرایط خود انجام بگیرد. ۱۲۰

اگر دعا، درست به کار برده شود، اجابت قطعی و بدون شرط است

کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که ایشان - بنا بر نقل - فرموده اند: «ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدِكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَدْنَى فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ»؛ «خدای متعال، به این که به تو اذن داد از او بخواهی، کلید همه ی گنجینه های خود را در دست تو قرار داد.» پس، اذنی که خداوند متعال داد تا هر چه می خواهی از او بخواهی، کلید همه ی خزائن الهی است. اگر انسان این کلید را به شکل درست به کار ببرد - از خدا بخواهد - مسلماً آن را در اختیار انسان می گذارد. «فَمَتَى شِئْتِ اسْتَفْتَحْتِ بِالْذُّعَاءِ أَبْوَابَ خَزَائِنِهِ» (۱) هر وقت بخواهی، به وسیله ی دعا، در خزائن الهی را باز می کنی. ببینید! این، مسأله ی بسیار مهمی است. چرا انسان خود را از این وسیله ی مهمّ محروم کند؟! ۱۲۱

موانع اجابت

تصادم با یک قانون الهی دیگر

لازم نیست دعا همیشه قوانین طبیعی را به هم بزند و برخلاف قوانین

ص: ۶۹

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۲۰۵؛ أَلْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

طبیعی عمل کند؛ نه. دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می شود و خواسته ی شما برآورده می گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می آورد، کنار هم می گذارد و مقصود شما برآورده می شود. البته آنجایی که دعای شما با یک قانون الهی دیگری تصادم پیدا کند، مستجاب نمی شود. وعده ی الهی حق است؛ اما آن وعده هم درست است. آدم هایی که بی کار باشند و در راه اهداف خودشان تلاش نکنند، تضمینی نیست که به هدف و مقصد برسند. حالا شما دعا کن، معلوم است که این دعا خیلی اقبال استجاب ندارد. البته یک وقت هم دیدید مستجاب شد؛ اما تضمینی نیست. در جایی برخلاف یک قانون طبیعی مسلم، شما دعا کنید؛ معلوم نیست تضمینی داشته باشد. اگرچه در مواردی بلاشک دعا قوانین را هم خرق می کند؛ اما این طور نیست که وقتی می گوئیم دعا مستجاب می شود، یعنی دعای شما اگر با قوانین دیگر الهی منافات داشته باشد و عملی همراهش نباشد و یا حتی خود دعا از روی توجه هم نباشد، باز مستجاب می شود؛ نه. در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب می شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجاب این دعا واقعاً بیشتر است. آن وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجاب در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان می طلبد. ۱۲۲

هنگامی که قلب انسان رقیق می گردد و توجهی پیدا می شود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخواهید، غالب این است که مقصود برآورده می شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که

آن مصالح را ما نمی دانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمی ریزد. آن جا که سر راه خواسته ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آن جا که توجه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر. ۱۲۳

خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه ی مبارکه ی «و قال ربکم ادعونی أستجب لکم» است؛ یعنی پروردگار شما فرموده است که مرا دعا کنید، تا استجابت کنم. ممکن است استجابت به معنای برآورده شدن صددرصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتماً برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدنی نیست، یا به زودی برآورده شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخش این است که خواسته ی شما را برآورده می کند. ۱۲۴

درخواستهای غیر ممکن

مطلب دیگر این است که گاهی هرچه انسان دعا می کند، مستجاب نمی شود. علت چیست؟ روایات دینی، این مشکل را برای ما حل کرده اند. مثلاً در روایات آمده است که اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی شود. بالاخره دعا هم شرایطی دارد. بزرگان دین فرموده اند: «کارهای نشدنی را از خدای متعال نخواهید.» در روایتی آمده است که روزی یکی از اصحاب نبی اکرم صلی الله علیه و آله در حضور پیغمبر دعا کرد و گفت: «اللَّهُمَّ

لَمَا تُحَوِّجُنِي إِلَىٰ أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ»؛ «خدایا، مرا محتاج هیچ آفریده ای نکن.» «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ لَأَقُولَنَّ هَكَذَا.» «پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: این طور نگو.» «فَلَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَى النَّاسِ.» مگر می شود که

یک انسان، محتاج دیگران نباشد؟ «نگو که خدایا مرا محتاج هیچ کس نکن. این، خلاف طبیعت بشری، خلاف سنت الهی و خلاف طبع نهاده‌ی پروردگار در وجود انسان است». چرا می‌گویی «خدایا، مرا محتاج هیچ کس نکن»؟ این دعا، مستجاب نمی‌شود. آن فرد، عرض کرد: «یا رسول الله! پس چگونه دعا کنم؟» فرمود: «قُلِ اللَّهُمَّ لِمَا تُحَوِّجِنِي إِلَى شَرِّ رِزْقِ خَلْقِكَ» (۱). «بگو: خدایا! مرا محتاج اشرار از بندگان خود مکن. مرا نیازمند مردمان شریر مکن. مرا محتاج انسانهای لثیم مکن. این درست است. این می‌شود. این را از خدا بخواه.» پس، اگر چیزی را از خدای متعال طلب کردیم که نشدنی و به خلاف سنتهای معمولی عالم است، برآورده نمی‌شود. ۱۲۵

گناه

گناه نمی‌گذارد که انسان، حتی خود را به لبه‌ی دریای عظیم مغفرت الهی برساند و از آن استفاده کند. گناه نمی‌گذارد که ما حال دعا و توجه پیدا کنیم. ۱۲۶

یعنی خدایا! آن گناهایی که دعای مرا حبس خواهد کرد، آن‌ها را بیامرز. گناهان، مانع از اجابت دعا می‌شود. ۱۲۷

گناهایی وجود دارد که نعمت الهی را بر انسان نازل می‌کند. گناهایی وجود دارد که نعمتها را از انسان می‌گیرد. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ» (۲). گناهایی هم وجود دارد که دعا را حبس می‌کند.

پناه بر خدا! ممکن است انسان مرتکب گناهی شود که هرچه دعا کند،

ص: ۷۲

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۹۰ ص: ۳۲۵؛ امیرالمؤمنین علیه السلام .

۲- ([۲]) البلد الأمين ص: ۱۸۸؛ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام .

آن دعا بی اثر و بی فایده گردد. بی اثر شدنِ دعا چگونه فهمیده می شود؟ به این گونه که حال دعا از انسان گرفته می شود. ۱۲۸.

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحِبُّسُ الدُّعَاءَ». یعنی خدایا! آن گناہانی که دعای مرا حبس خواهد کرد، آن ها را ببامرز. گناہان، مانع از اجابت دعا می شود. ۱۲۹.

یعنی معنایش این است که ما افراد بشر، گاهی خطاها و گناہانی می کنیم که این گناہان مانع از این می شود که دعای ما مورد اجابت قرار بگیرد و قبول بشود. ۱۳۰.

قلب غافل

یکی از شرایط استجاب دعا این است که آن را با توجه مطرح کنیم. گاهی لقلقه ی زبان، جملاتی چون «خدایا ما را ببامرز»، «خدایا به ما سعه ی رزق بده» و «خدایا قرض ما را ادا کن» است. ده سال انسان این گونه دعا می کند، اصلاً مستجاب نمی شود. این فایده ای ندارد. یکی از شرایط دعا این است که فرمود: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ» (۱)

خداوند متعال، از صاحب دلِ غافل - دلی که متوجه نیست چه خواسته ای را مطرح می کند و با که دارد حرف می زند - دعایی را قبول نمی کند. معلوم است که دعای دارای این ویژگیها، مستجاب نمی شود. باید تضرع کنید و جدی بخواهید. باید از خدای متعال با الحاح بخواهید. باز بخواهید و باز بخواهید. در این صورت البتہ خدای متعال دعاها را مستجاب خواهد کرد. ۱۳۱.

شروط حقیقی بودن دعا و قطعی بودن اجابت در پی آن

اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی شود

در روایات آمده است که اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا

ص: ۷۳

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۱۷۵؛ الرسول صلی الله علیه و آله .

مستجاب نمی شود. بالاخره دعا هم شرایطی دارد. ۱۳۲

مؤثر بودن زمان و مکان و خصوصیات

البته اقتضائات زمان و مکان و خصوصیات و نظایر آن هم، در خواستن از خدا مؤثر است. ۱۳۳

شروط مرتبط با اعتقادات و حالات دعا کننده نسبت به خداوند

معرفت پروردگار و باور به قدرت او

یکی دیگر از شرایط دعای مستجاب این است که انسان دعا را با معرفت انجام دهد؛ یعنی بداند که این دعا و این درخواست از کسی است که قدرت دارد همه ی آنچه را که انسان می خواهد، برای او انجام دهد؛ یعنی به اثر دعا باور داشته باشد. به امام صادق علیه السلام عرض شد که: «نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا»؛ دعا می کنیم، اما اثر اجابت را نمی بینیم؛ فرمود: «لَأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ»^(۱)؛ بی معرفت دعا می کنید. در روایتی درباره ی معرفت در دعا نقل شده است که: «يَعْلَمُونَ أَنِّي أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَا سَأَلُونِي»؛ به قدرت اجابت پروردگار باور داشته باشند. ۱۳۴

انس

وعده های الهی، صادقترین وعده هاست و حتماً چنانچه از خدا بخواهید، خدا به شما پاسخ خواهد داد. اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخها همانی است که در همان لحظه به شما داده می شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا

ص: ۷۴

۱- ([۱]) مستدرک الوسائل ج: ۵ ص: ۱۹۱؛ أَلْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

خواسته است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می دهند. آن چنان نورانی‌تی در دل شما به وجود می آید که می بینید اصلاً پاسختان را همان ساعت گرفته اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می کند، گاهی احساس می کند که دیگر غیر از آن، هیچ چیز نمی خواهد. ۱۳۵

خشوع

مطلب اصلی دعا چیست؟ خشوع در مقابل پروردگار. اصل دعا، این است. اینکه می بینید از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «أَلِدُّعَاءُ مُخِّ الْعِبَادَةِ» (۱)؛ مغز عبادت دعاست» به خاطر آن است که در دعا حالتی وجود دارد که عبارت است از وابستگی مطلق به پروردگار و خشوع در مقابل او. اصل عبادت هم این است. لذاست که در ادامه ی آیه ی شریفه ی «وَ

قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» می فرماید: «إِنَّ

الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ». (۲)

اصل دعا این است که انسان در مقابل خدای متعال، خود را از انانیت دروغین بشری بیندازد. اصل دعا، خاکساری پیش پروردگار است. عزیزان من! هر جا که شما نگاه کردید- چه در محیط خودتان، چه در کشور خودتان و چه در سرتاسر دنیا- و بدی و فساد را از ناحیه ی کسی، مشخصاً دیدید، اگر دقت کنید مشاهده خواهید کرد که اساس و منشأ آن بدی و فساد، انانیت، استکبار، استعلا و غرور انسانی است. دعا باید این را بشکند. ۱۳۶

تضرع

دیدگاه سوّم برای دعا این است که انسان با دعا و تضرع و عرض

ص: ۷۵

۱- ([۱]) وسائل الشیعه ج: ۷ ص: ۲۷؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

۲- ([۲]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

حاجت، خود را به خدای متعال نزدیک کند. نفس دعا کردن، تقرّب إلى الله است. خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرّع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد و اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علو مقام و مرتبه است. بشر با تضرّع در پیش خدای متعال است که عروج می کند و اوج می گیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند. ۱۳۷

همان دعایی که در آن، حاجت خود را می خواهید، آن دعا را با توجه، با تضرّع و با حضور قلب بخوانید و دلتان را به خدا نزدیک کنید. ۱۳۸

شروط مرتبط با اعتقادات دعا کننده نسبت به دعا

امید به اجابت

تا امید نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مُشعل می کند و منور نگه می دارد. ۱۳۹

اصرار بر درخواست، دست برداشتن از دعا

در روایات دارد، وقتی برای حاجاتی دعا می کنید، دعا و خواسته ی خود را زیاد ندانید. یعنی هرچه مایل هستید و می خواهید، از خدا طلب کنید. نگوئید «این زیاد است. کمتر بخواهم تا بشود.» ما از استکثار دعا منع شده ایم. یعنی دعا و مطلوب را، در مقابل پروردگار، زیاد نشمارید. از خدا، خواسته های بزرگ بخواهید و خدای متعال برآورده می کند. در امید به دعا را به روی خودتان نبندید و این راه و وسیله ای را که خدای

متعال بین خود و بندگانش قرار داده است، بر روی خودتان مسدود نکنید. البتّه باز در أبواب کتب روایی دارد: «كَرَاهَةَ الْعَجَلَةِ فِي الدُّعَاءِ وَ تَعْجِيلِ الْإِنصِرَافِ مِنْهُ وَ اسْتِعْجَالِ الْإِجَابَةِ» (۱)؛

یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و در زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگوئید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد؛ نه. «الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا». (۲)

در روایت دارد: بنی اسرائیل بعد از آنکه خدای متعال وعده داد آنان را نجات خواهد داد، چهل سال دعا کردند و بالاخره شد. کار بزرگی هم انجام شد. غرق فرعون و پیروزی موسی بر فرعون، امری نیست که چهل سال تلاش، برای آن زیاد باشد. عجله نکنید! با توجه، خدا را بخوانید و هر چه می خواهید از خدا بخواهید که در بعضی از دعاها، این معنا را دارد. در دعایی این گونه وارد است که «إِلَهِي طُمُوحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَ مَعَاكِفُ الْهَمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ» (۳)

یعنی آرزوهای زیاد در هر دری و نزد هر کسی که مطرح گردد، مردود می شود، مگر در پیشگاه تو. در پیشگاه تو، خواسته های زیاد هم برآورده می شود. ۱۴۰

بزرگ نشمردن حاجات

یک مطلب دیگر در باب دعا این است که برای برآمدن حاجات، هیچ حاجتی را آن قدر بزرگ نشماریم که بگوئیم: «این حاجت را دیگر نمی شود از خدا خواست، چون خیلی بزرگ است». نه. اگر حاجت، به خلاف طبیعت و سنن آفرینش نیست، اگر محال نیست، هر چه هم بزرگ باشد، مسأله ای نیست و از خدا بخواهید. ۱۴۱

ص: ۷۷

۱- ([۱]) وسائل الشیعه؛ کتاب الصّلاه؛ أبواب الدّعاء؛ باب ۷.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۱۶۶؛ الرّسول صلی الله علیه و آله .

۳- ([۳]) بحار الأنوار ج: ۸۶ ص: ۳۰۶؛ الصّادق علیه السلام

ابا نداشتن از طرح خواسته های کوچک

ضمناً، از کوچک بودن خواسته هم ابا نداشته باشید. خواسته های کوچکِ کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حَتَّى بِنِدِ كَفَشِ خُودِ رَا - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه السلام که می فرماید: «وَ لَا تُحَقِّرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ» (۱)؛

«حاجتهای کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید». ۱۴۲

تدبّر در معنای دعاها

دعا را باید شناخت. دعا در عین اینکه دل انسان را با خدا متصل و جان آدمی را سرشار از صفا و معنویت می کند، فکر و ذهن او را هم هدایت می نماید. این دعاها درس است. اگر در معانی این دعاها تدبّر کنیم، بزرگترین هدیه های معنوی الهی را در این ها خواهیم یافت. ۱۴۳

فهم معانی

خیلی اهمیت دارد که در قرائت دعاها، قطع و وصل جملات، صحیح و بجا باشد؛ تا آن کس که معنای دعا را می فهمد، حالش خراب نشود! مثلاً خوانده می شود: «بأبی انتم و أمی طبتم، و طابت الأرض الّذی فیها دفنتم»؛ در صورتی که باید گفته شود: «بأبی أنتم و أمی طبتم و طابت الأرض الّتی فیها دفنتم». (۲)

این دعاها عبارات زیبایی است که اگر در قطع و وصل آن دقت نشود، واقعاً به زیبایی آن لطمه می خورد. ۱۴۴

اگر کسی معنای دعا، مثلاً دعای ابی حمزه ی ثمالی، یا دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه را بفهمد و توجه کند که هر دو خیلی طولانی

ص: ۷۸

۱- ([۱]) مستدرک الوسائل ج: ۵ ص: ۱۷۲؛ الباقیر علیه السلام .

۲- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۹۸ ص: ۲۰۰.

هستند و چون گاهی انسان معنا را هم می داند، اما توجّه نمی کند، ذهنش جاهای دیگر می رود امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفتگویی که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده ی برگزیده و شایسته و با معرفت و خدا، این قدر پُر جاذبه و نافذ و حقیقی است یعنی بیان کننده ی آن خواسته های فطری انسان است که امکان ندارد کسی هیچ وقت از آن خسته شود. ۱۴۵

البته باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الآن ترجمه های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعا های گوناگون ترجمه شده است. با توجّه به ترجمه ها، دقت کنند و بخوانند. البته تا آنجایی که ما دیده ایم، هیچ ترجمه ای نتوانسته زیبایی های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجّه به این ترجمه ها دعاها را بخوانند. کسانی که می خوانند و با آن ها عده ای هم صدا می شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البته مرتبه ی پائین ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی فهمد، همین قدر احساس کند که با یک زبان شیفته ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می زند. ۱۴۶

توجّه

آنجا که توجّه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر. ۱۴۷

یکی از شرایط استجاب دعا این است که آن را با توجّه مطرح کنیم. گاهی لقلقه ی زبان، جملاتی چون «خدایا ما را بیا مرز»، «خدایا به ما سعه ی رزق بده» و «خدایا قرض ما را ادا کن» است. ده سال انسان این گونه دعا می کند، اصلاً مستجاب نمی شود. این فایده ای ندارد. یکی از شرایط دعا این است که فرمود: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ دُعَاءَ مِنْ قَلْبٍ

«خداوند متعال، از صاحب دلِ غافل - دلی که متوجه نیست چه خواسته ای را مطرح می کند و با که دارد حرف می زند - دعایی را قبول نمی کند». معلوم است که دعایِ دارای این ویژگیها، مستجاب نمی شود. باید تضرع کنید و جدی بخوانید. باید از خدای متعال با الحاح بخوانید. باز بخوانید و باز بخوانید. در این صورت البتّه خدای متعال دعاها را مستجاب خواهد کرد. ۱۴۸.

لذا من توصیه می کنم که ارتباطات بچه ها با خدا، ارتباطات با توجه و باحالی باشد؛ بخصوص نمازها را با حال بخوانند. دعا که می خوانند، با حال و با توجه بخوانند و بدانند با چه وجودی حرف می زنند و چه می خواهند و بدانند این خواست، پاسخ دارد. در قرآن، به ما گفته شده است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲)؛

مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. ۱۴۹.

دعا، وسیله ای در کنار وسایل دیگر است... این، البتّه بدان معنا نیست که هر چه شما خواستید و هر طور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه. شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه ی اسباب عادی و مثل همه ی خواستنها. اگر شما از دوستان هم چیزی بخوانید، آداب و تشریفاتی دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجه کند و با همه ی دل، از خدا بخواند. هنگامی که قلب انسان رقیق می گردد و توجهی پیدا می شود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخوانید، غالب این است که مقصود برآورده می شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که آن مصالح را ما نمی دانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی

ص: ۸۰

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۱۷۵؛ الرسول صلی الله علیه و آله .

۲- ([۲]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمی ریزد. آن جا که سر راه خواسته ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آن جا که توجه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر. ۱۵۰

حضور قلب

یکی دیگر از شرایط استجاب دعا، حضور قلب و خشوع است. همان طور که عرض کردیم، معنای دعا این است که شما با خدا حرف بزنید؛ خدا را در مقابل خود احساس کنید و حاضر و ناظر بدانید. اینکه انسان همین طور طبق عادت چیزی را بر زبان بیاورد و مطالبه ای را ذکر کند- خدایا ما را بیامرز، خدایا پدر و مادر ما را بیامرز- بدون اینکه در دل خود حقیقتاً حالت طلبی را احساس کند، این دعا نیست؛ لقلقه ی لسان است. «لَمَّا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ» (۱)؛ دل غافل و بی توجه و سر به هوا اگر دعا کند، خدای متعال دعایش را قبول نمی کند. دل‌های آلوده و غرق در تمنیات و شهوات نفسانی- که اصلاً غافلند- چگونه دعا خواهند کرد؟ چه توقعی است که اگر انسان این طور دعا کرد، مستجاب شود؟ ۱۵۱

همان دعایی که در آن، حاجت خود را می خواهید، آن دعا را با توجه، با تضرع و با حضور قلب بخوانید و دلتان را به خدا نزدیک کنید. ۱۵۲

مطالبه ی حقیقی

مهم ترین خاصیت دعا- که من قبلاً هم درباره ی آن قدری صحبت کرده ام- همین ارتباط با خدا و احساس عبودیت در مقابل خداوند، بزرگترین اثر و خاصیت خداست؛ از خدا خواستن، که آن وقت خدای متعال هم اجابت خواهد کرد. ۱۵۳

در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتاً مطالبه

ص: ۸۱

۱- ([۱]) وسائل الشیعه ج: ۷ ص: ۵۴؛ امیرالمؤمنین علیه السلام .

کردن لازم است. این دعا مستجاب می شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجاب این دعا واقعاً بیشتر است. آن وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجاب در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان می طلبد. ۱۵۴

عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط، طلب کنید؛ خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد. ۱۵۵

بهترین دعا آن است که از سر معرفتی عاشقانه به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد، و این را فقط در مکتب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین او - که اوعیه ی علم پیامبر صلی الله علیه و آله و وراثت حکمت و معرفت اویند - می توان جست. ۱۵۶

شروط مرتبط با قلب و دل دعا کننده

با همه ی دل

ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده ترین آداب، این است

که انسان به خدای متعال توجه کند و با همه ی دل، از خدا بخواهد. ۱۵۷

حرف زدن از دل

شاید در ماه شعبان، بتوانیم با ذخیره ای که از این ماه گرفته ایم، آن مناجات پرسوز و گداز و پرمضمون را با نفس حقیقی بخوانیم نه فقط الفاظ آن را مرور کنیم و حقیقتاً از دل، با زبان آن مناجات با خدا حرف بزنیم. ۱۵۸

ص: ۸۲

دل پاک و زبان صادق

در روایت دیگر دارد که خدای متعال به حضرت موسی خطاب فرمود: «يَا مُوسَى ادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ» (۱) با دل پاک و زبان راستگو با خدای متعال حرف بزنید و دعا کنید؛ دعا قطعاً مستجاب خواهد شد. ۱۵۹

معطر و مزین کردن دل

اگر دل توانست با یاد خدا خود را معطر و مزین کند، بدون تردید اجابت الهی برای او میسر خواهد شد؛ «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲) ۱۶۰

رقت قلب

هنگامی که قلب انسان رقیق می گردد و توجهی پیدا می شود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخواهید، غالب این است که مقصود برآورده می شود. ۱۶۱

سوز دل

اگر انسان معنای دعا را نمی فهمد، همین قدر احساس کند که با یک زبان شیفته ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می زند. ۱۶۲

طراوت دل

اولین شرط دعا این است که با دل باطراوت و بی آرایش درخواست شود؛ مثل دل جوانها؛ لذا دعای جوانان اقبال و احتمال اجابت را بیش از همه دارد. گاهی بعضی ها به بنده می گویند برای جوانهای ما دعا کن. البته ما همیشه برای همه ی جوانها دعا می کنیم؛ اما در واقع این جوانها

ص: ۸۳

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۹۰ ص: ۳۴۱؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

۲- ([۲]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

هستند که اگر قدر دل بی آلا-یش و باطراوت خود را بدانند، دعای آن ها از هر دعایی می تواند به استجابت نزدیک تر باشد. ۱۶۳

توبه و اجتناب از گناه

توبه

یکی دیگر از شرایط دعا، اجتناب از گناه و توبه است. این شب ها هم شب های توبه است. همه دچار گناه و تخلف هستیم. تخلف ها کوچک و بزرگ دارد. از خدای متعال باید عذرخواهی و استغفار و طلب بخشش و توبه کنیم و به سوی خدا برگردیم. عزم ما باید این باشد که از ما گناه سر نزنند. گاهی انسان عزم می کند و تصمیم می گیرد که گناه نکند؛ بعد دچار غفلت و اشتباه می شود و لغزش پیدا می کند؛ باز همین گناه سراغ انسان می آید؛ بار دیگر باید توبه و استغفار کند؛ منتها استغفار باید جدی و حقیقی باشد. گناه نکردن باید یک قصد واقعی و جدی باشد. ۱۶۴

بعضی ها دعا و عبادت و توبه را می گذارند برای دوران پیری؛ این اشتباه بزرگی است. اگر گفته شود توبه کنید، می گویند حالا وقت داریم. اولاً معلوم نیست وقت داشته باشیم؛ مرگ انسان را مطلع نمی کند؛ برای همه ی سنین هم است. اگر فرض کردیم حقیقتاً وقت داریم - یعنی بناست به سنین پیری برسیم - چنانچه کسی خیال کند که می شود دوران جوانی را با غفلت و غرق شدن در شهوات گذراند، بعد با خیال راحت و با آسانی به سراغ توبه رفت، اشتباه بزرگی مرتکب شده است. حالت دعا و انابه چیزی نیست که انسان هر وقت اراده کرد، برای او پیش بیاید. گاهی می خواهیم، نمی شود؛ دنبال حال و توجه هستیم، دست نمی دهد؛ «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ» (۱).

انسانی که زمینه ی توجه به خدا و رجوع إلى الله را در خودش

ص: ۸۴

۱- ([۱]) سوره ی حج، آیه ی ۱۰.

به وجود نیاورده باشد، این طور نیست که هروقت اراده کرد، بتواند در خانه ی خدا برود. شما می بینید بعضی دل‌های پاک- غالباً جوانها- خیلی راحت می توانند ارتباط برقرار کنند؛ اما بعضی هرچه تلاش می کنند، این ارتباط برقرار نمی شود. کسانی که فرصتی دارند و می توانند دل خودشان را نرم نگه دارند، قدر بدانند و رابطه ی خود را با خدا حفظ کنند؛ تا هروقت خواستند در خانه ی خدا بروند، بتوانند. ۱۶۵

ترک گناهان

یکی دیگر از شرایط دعا، اجتناب از گناه و توبه است. ۱۶۶

خروج از مظالم

درباره ی دعا و استجاب دعا در روایت دارد که: «وَلِيُخْرِجَ مِنَ مَظَالِمِ النَّاسِ» (۱)؛ انسان باید از مظلومی مردم خارج شود تا دعایش قبول شود. در روایت دیگر دارد که خدای متعال به حضرت موسی خطاب فرمود: «يَا مُوسَى ادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ». (۲)

با دل پاک و زبان راستگو با خدای متعال حرف بزنید و دعا کنید؛ دعا قطعاً مستجاب خواهد شد. ۱۶۷

عمل

البته نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند. اما در کنار عمل، در کنار اقدام، در کنار به کار انداختن همت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای انسان برآورده می سازد. لذا ملاحظه می کنید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ، در میدان جنگ، بعد از آنکه همه ی کارها

ص: ۸۵

۱- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۹۰ ص: ۳۲۱؛ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام .

۲- ([۳]) بحار الأنوار ج: ۹۰ ص: ۳۴۱؛ أَلرَّسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

را انجام داده است، دعا هم می کند. بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم. ۱۶۸

کسی نمی تواند بگوید که پیغمبر و مسلمانان صدر اسلام، تلاش و کار نمی کردند. بالاتر از تلاش آن ها دیگر تلاش وجود ندارد. در آن ده سال که پیغمبر حاکمیت جامعه ی اسلامی آن روز را در اختیار داشت، سالهایی یکسره توأم با کار و تلاش بود. اما در عین حال، با وجود آن کار و تلاش و در کنار آن، دعا و تضرع و انابه و استغفار و طلب و مسئلت از پروردگار عالم هم جای خود را داشت. ۱۶۹

در اینجا، چند سؤال مطرح می شود: یکی اینکه، اگر دعا، چنین نقش معجزآسایی دارد، پس این وسایل دنیوی و این ابزارها و علم و صنعت و نظایر آن چیست؟ جواب این است که دعا رقیب ابزارهای مادی نیست. این طور نیست که وقتی انسان می خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود و یا با دعا برود! همچنین این طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله ای به دست آورد، یا پول خرج کند و یا اگر پول نداشت به دعا متوسل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما از خدا بخواهید تا او این وسایل را جور بیاورد. آن وقت علل مادی، هر کدام در جای خودشان قرار می گیرند. دعای مستجاب این گونه است. ۱۷۰

بنابراین، دعا موجب نشود کسی تنبلی کند. دعا موجب نشود که کسی از دانش و علم و ابزار مادی و علّت و معلول طبیعی، دست بشوید؛ نه. دعا رقیب آن ها نیست، بلکه در طول آن هاست. دعا، جورآورنده ی آن هاست. ۱۷۱

معجزه در موارد استثنایی رخ می دهد و در غیر موارد استثنایی، دعا جورکننده ی روال عادی است. وقتی شما از خدا می خواهید حادثه ای اتفاق بیفتد که به آن نیاز دارید، در کنار دعا، باید نیرویتان را هم به کار

بیندید. مثلاً اگر احساس تنبلی به شما دست می دهد و دعا می کنید که خدای متعال این احساس را از شما بگیرد، در کنار دعا، باید اراده و همت نیز به خرج دهید. یعنی در اینجا هم، باز وسیله ی مادی و وسیله ی طبیعی دیگری هست که همان همت کردن است. باید همت و اراده کنید. هیچ کس خیال نکند که اگر در خانه بنشینیم و به تلاش و اقدام نپردازیم، حتی اراده هم نکنیم و فقط به دعا مشغول باشیم، خدا حاجاتمان را برآورده می کند؛ نه. چنین چیزی امکان ندارد. پس، دعا در کنار تلاش و با تلاش است. بعضاً خیلی از تلاشها به نتیجه نمی رسد؛ اما همین که دعا کردید، به نتیجه خواهد رسید. ۱۷۲

چند نفر خدمت رسول اکرم آمدند و از شخصی تعریف کردند و گفتند: یا رسول الله! ما با این مرد هم سفر بودیم و او مرد بسیار خوب و پاک و با خدایی بود، دائماً عبادت می کرد، در هر منزلی که فرود می آمدیم، از لحظه ی فرود تا وقتی که مجدداً سوار می شدیم، او مشغول نماز و ذکر و قرآن و این ها می شد. وقتی که این تعریفها را کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله با تعجب از آن ها سؤال کردند: پس چه کسی کارهایش را می کرد؟ کسی که وقتی از مرکب پیاده می شود، دائم مشغول نماز و قرآن است، چه کسی غذای او را می پخت؟ چه کسی وسایل او را فرود می آورد و سوار می کرد؟ چه کسی کارهایش را انجام می داد؟ این ها در جواب گفتند: یا رسول الله! ما با کمال میل، همه ی کارهای او را انجام می دادیم. پیامبر فرمود: «كُلُّكُمْ

خَيْرٌ مِنْهُ»، (۱)

همه ی شما از او بهترید. اینکه او کار خودش را انجام نمی داد و به دوش شما می انداخت و خود مشغول عبادت می شد، موجب نمی شود که

ص:

۱- [۱] بحار الأنوار ج: ۷۳ ص: ۲۷۴ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

البته غالباً این طور است. ضمناً بعضی مواقع، خدای متعال معجزه هم نشان می دهد که آن بحث دیگری است. معجزه در موارد استثنایی رخ می دهد و در غیر موارد استثنایی، دعا جور کننده ی روال عادی است. وقتی شما از خدا می خواهید حادثه ای اتفاق بیفتد که به آن نیاز دارید، در کنار دعا، باید نیرویتان را هم به کار ببندید. مثلاً اگر احساس تنبلی به شما دست می دهد و دعا می کنید که خدای متعال این احساس را از شما بگیرد، در کنار دعا، باید اراده و همت نیز به خرج دهید. یعنی در این جا هم، باز وسیله ی مادی و وسیله ی طبیعی دیگری هست که همان همت کردن است. باید همت و اراده کنید. هیچ کس خیال نکند که اگر در خانه بنشینیم و به تلاش و اقدام نپردازیم، حتی اراده هم نکنیم و فقط به دعا مشغول باشیم، خدا حاجاتمان را برآورده می کند؛ نه. چنین چیزی امکان ندارد. پس، دعا در کنار تلاش و با تلاش است. بعضاً خیلی از تلاشها به نتیجه نمی رسد؛ اما همین که دعا کردید، به نتیجه خواهد رسید. این، یک نکته. ۱۷۴

زمان ها و موقعیت های برتر

رجب

از این ایام استفاده بردن و معنویت را تقویت کردن و با خدا ارتباط برقرار کردن و ذکر و دعا و توسل را اهمیت دادن از وظایف است. ۱۷۵

شعبان

شاید در ماه شعبان، بتوانیم با ذخیره ای که از این ماه گرفته ایم، آن مناجات پرسوز و گداز و پرمضمون را با نفس حقیقی بخوانیم نه فقط الفاظ آن را مرور کنیم و حقیقتاً از دل، با زبان آن مناجات با خدا حرف بزنیم. ۱۷۶

رمضان

این ماه، ماه روزه است؛ ماه نزول قرآن و انس با قرآن است؛ ماه عبادت و دعا و مناجات است که دعا مغز و روح عبادت است. ۱۷۷

امسال اتفاقاً بهار طبیعت، با بهار دعا و قرآن، هم زمان شده است. چند روز دیگر، ماه مبارک رمضان شروع خواهد شد که بهار نوسازی و خودسازی انسان و بهار انس با خداست. ۱۷۸

ماه رمضان را مغتنم بشمارید. این روزها را با روزه داری، و این شبها را با ذکر و دعا به سر ببرید. فصل دعا هم، همین ماه مبارک است. اگرچه همیشه انسان باید با رشته ی دعا به خدا متصل باشد، اما آیه ی «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (۱)

در سوره ی بقره، در خلال همین آیات مبارکه ی مربوط به روزه و ماه رمضان است. در وسط آیات روزه و ماه رمضان، این آیه ی «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» آمده، که همه ی انسانها و همه ی بندگان را به دعا و توجه سوق می دهد و دعوت می کند. ۱۷۹

عید فطر

در نماز عید فطر دعا، تضرع، گریه و توجه به خدا هست. ۱۸۰

ایام معلومات

ایام حج همراه با شوق و حنین دلهای شیفته است که... ایام معلومات را در سایه ی ذکر و نیایش بگذرانند. ۱۸۱

پیروزی

دعا چیز عجیبی است. لذا در طول تاریخ صدر و اول اسلام همه جا دعا هست. پیغمبر در جنگ بدر هم دعا کرد، در جنگ احد هم دعا

ص: ۸۹

کرد؛ یعنی دعا پیروزی و شکست نمی شناسد. دعا یعنی ارتباط و اتکال انسان با خدا، آن وقتی هم که انسان در اوج قدرت و پیروزی است باز هم محتاج دعا است؛ باید با خدا حرف بزند، باید از خدا بخواهد. قرآن به پیغمبر ما دستور داد که «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» وقتی یاری خدا رسید و پیروزی نصیب شد «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» و دیدی که مردم دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می شوند، تازه «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ» (۱) تازه اول انابه ی تو است، اول عرض نیاز تو به درگاه قادر متعال است. ملت ما از وقتی پیروزی را به دست آورد آستانه ی دعا را رها نکرد. ببینید امروز در جامعه ی ما چقدر دعا و توجه به خدا زیاد است؛ راز پیروزی ما هم همینهاست. ۱۸۲

نماز

نماز را با توجه، با خضوع، با ذکر و با دعا بجا بیاورند. ۱۸۳

اضطراب و سختی

ببینید! انسان در آن حال که فرضاً فرزند یا عزیزی از عزیزانش دچار بیماری است و در خانه ی خدا رفته و حال دعا پیدا کرده است، چگونه از خدا طلب می کند؟ ۱۸۴

انبیای الهی در مواقع سختی دعا می کردند و از خدای متعال کمک می خواستند: «فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِر» (۲)

که از قول حضرت نوح علیه السلام نقل شده است. یا از قول حضرت موسی علیه السلام نقل شده است: «فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَاءِ قَوْمٍ مُّجْرِمُونَ». (۳)

موسی به خدا شکایت کرد و به او پناه برد. ۱۸۵

ص: ۹۰

۱- [۱] سوره ی نصر، آیات ۱-۳.

۲- [۱] سوره ی قمر، آیه ی ۱۰.

۳- [۲] سوره ی دخان، آیه ی ۲۲.

فصل چهارم: فواید و دستاوردهای دعا

اشاره

ص: ۹۱

توجه پیدا کردن به عجز و حقارت و تهی دستی خودمان

از کوچک بودن خواسته هم ابا نداشته باشید. خواسته های کوچکِ کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتی بند کفش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه السلام که می فرماید: «لَا تُحَقِّرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ» (۱)؛

«حاجتهای کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید». خوب؛ انسان به بند کفش احتیاج دارد؛ به در مغازه می رود و می خرد. این هم دعا لازم دارد؟! بله! تا احساس کردید که به بند کفش و یا هر چیز دیگر به این کوچکی نیاز دارید، دل را متوجه خدا کنید و بگوئید: «پروردگارا! این را هم به من برسان.» رساندنش به چه ترتیب است؟ به این ترتیب است که پول در جیب بگذارم، سرِ کوچه بروم، از مغازه بخرم و بعد هم آن را مورد استفاده قرار دهم. به هر حال، باید از

ص: ۹۳

۱- ([۱]) مستدرک الوسائل ج: ۵ ص: ۱۷۲؛ أَلْبَانِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام .

خدا بخواهید. اگرچه به در مغازه رفتید، پول دادید و بند کفش خریدید؛ اما باز هم آن را خدا به شما داد. از غیر طریق خدا که چیزی به دست انسان نمی رسد. هرچه به ما می رسد خدا به ما می دهد.

چیزی را که خدا می دهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ یکی از علل اینکه گفته اند حاجات کوچک را هم از خدا بخواهید، این است که به حوائج و عجز و حقارت و تهی دستی خودمان توجه پیدا کنیم تا ببینیم که چقدر تهی هستیم. اگر خدای متعال کمک نکند، امکان ندهد، نیرو ندهد، فکر ندهد، ابتکار ندهد و وسایل را جور نیاورد، همان بند کفش هم به دست ما نخواهد رسید. اگر شما به قصد خریدن بند کفش از خانه بیرون آمدید، در راه، جیتان را زدند یا پولتان گم شد و یا مغازه ی مورد نظر، بسته بود و یا در بین راه، حادثه ی مهمی پیش آمد که مجبور شدید برگردید، بند کفش گیرتان نیامده است. بنابراین، هر چیز را از خدا بخواهید؛ حتی بند کفش را، حتی کوچک ترین اشیا را و حتی قوت روزانه ی خود را. بگذارید این من دروغین عظمت یافته در سینه ی ما- که می گوئیم «من» و خیال می کنیم مجمع نیروها ما هستیم- بشکند. این «من» انسانها را بیچاره می کند. این هم مطلبی در باب دعا که انسان خواسته های خود را از طریق دعا به دست آورد. ۱۸۶

سرکوبی خودبینی و خودخواهی

اگر این خودبینی و خودخواهی در مقابل خداوند متعال باشد- یعنی انسان خود را در مقابل پروردگار قرار بدهد- نتیجه ی آن در انسان، طغیان است: طاغوت. طاغوت هم فقط پادشاهان نیستند؛ هر کدام از ما انسانها ممکن است در درون خودمان- خدای نکرده- یک طاغوت و یک بت تربیت کنیم و پرورش بدهیم. در مقابل خدا سرکشی کردن و

خودبینی داشتن، نتیجه اش عبارت از رشد طغیان در انسان است. اگر این خودبینی در مقابل انسانهای دیگر باشد، نتیجه اش می شود نادیده گرفتن حقوق دیگران؛ تجاوز و دست درازی به حقوق این و آن. اگر این خودبینی در مقابل طبیعت واقع بشود، نتیجه اش می شود تزییع محیط طبیعی؛ یعنی آنچه که امروز به حق درباره ی مسئله ی محیط زیست در دنیا اهتمام هست. نادیده گرفتن محیط طبیعی زیست انسان هم، نتیجه ی طغیان، خودبینی و خودخواهی در مقابل طبیعت است.

دعا ضد همه ی این هاست. دعا که می کنیم، در واقع این حالت خشوع را در خود به وجود می آوریم و خودخواهی را در خود سرکوب می کنیم، و در نتیجه، جهان هستی و محیط زندگی انسانها از طغیان و تجاوز به حقوق و طبیعت محفوظ می ماند. لذا فرمود: «الْذُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^(۱)؛

مغز هر عبادتی، دعاست. عبادات برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست. ۱۸۷

مطلبِ اصلیِ دعا چیست؟ خشوع در مقابل پروردگار. اصلِ دعا، این است. این که می بینید از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «الْذُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^(۲)؛

«مغز عبادت دعاست» به خاطر آن است که در دعا حالتی وجود دارد که عبارت است از وابستگیِ مطلق به پروردگار و خشوع در مقابل او. اصل عبادت هم این است. لذاست که در ادامه ی آیه ی شریفه ی

ص: ۹۵

۱- ([۱]) وسائل الشیعه ج: ۷ ص: ۲۷؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

۲- ([۲]) وسائل الشیعه ج: ۷ ص: ۲۷؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (۱)

اصل دعا این است که انسان در مقابل خدای متعال، خود را از انانیت دروغین بشری بیندازد. اصل دعا، خاکساری پیش پروردگار است. ۱۸۸

شکستن نفسانیتها

خاصیت دعا این است که نفسانیتها را می شکند. لذاست که گفته اند: حتی چیزهای کوچک را هم از خدا بخواه تا بفهمی که حقیری. بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می اندازد، و آسایش وی را می گیرد: «وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ». (۲)

این است که دعا برای تضرع پیش خداست؛ برای عرض حاجت پیش خداست؛ برای تواضع و برای بیرون آمدن از پوسته ی دروغین استکبار و استعلاست. خدای متعال، گاهی برای من و شما مشکلاتی به وجود می آورد، تا وادار به تضرع و توجه و خشوعمان کند. همان طور که در آیات کریمه ی قرآن می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (۳)

این تضرع، نه برای خاطر خدا، که به خاطر خود ماست. خدا احتیاجی به تضرع من و شما ندارد:

تیشه زان بر هر رگ و بندم زنند

تا که با مهر تو پیوندم زنند

ص: ۹۶

۱- [۱] سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

۲- [۲] سوره ی حج، آیه ی ۷۳.

۳- [۳] سوره ی أنعام، آیات ۴۲-۴۳.

این حالت تضرع است که دل را از عشق خدا پر می کند؛ انسان را با خدا آشنا می کند؛ انسان را از خودبینی و خودنگری فسادانگیز تهی می کند و او را از نور مقدس پروردگار و لطف الهی، سرشار می سازد. قدر این را بدانید که از همه چیز بالاتر است. ۱۸۹.

مهار نفس

همه ی انسانها مبتلا به این پیل مست در درون وجود خودشان هستند که باید این را مهار کنند. این مهار با ذکر خداست؛ با یاد خداست؛ با پناه بردن به خداست؛ با احساس نیاز به پروردگار است؛ با احساس حقارت خود در مقابل عظمت الهی است؛ با احساس زشتی های خود در مقابل جمال مطلق حق متعال است. این ها همه اش ناشی از ذکر است. انسانی که با تقواست، یعنی مراقب خودش هست و متذکر هست، منشأ شر و ظلم و فساد و طغیان و بدی به این و آن نمی شود. آن ذکر الهی مرتب دارد او را نهی می کند؛ مرتب دارد او را باز می دارد. ۱۹۰.

کسب معارف

واقعاً این دعاها پُر از معارف است؛ که اگر این ها را از حالت دعا بیرون بیاورند، معارف اسلامی متین و اصیل و قوی بی را تشکیل می دهند که نظیرشان در روایات ما کم است. ۱۹۱.

و اما، دوّمین چیزی که در دعا وجود دارد، معارف است. و این مخصوص دعاهایی است که از معصوم به ما رسیده است. امام سجّاد علیه السلام، «صحیفه ی سجّادیه» را به صورت دعا تنظیم فرموده و اصلاً دعا خوانده است؛ اما این کتاب، پُر از معارف الهی و اسلامی است. توحید خالص در صحیفه ی سجّادیه است. نبوت و عشق به مقام تقدّس نبیّ اسلام صلی الله علیه و آله در صحیفه ی سجّادیه است. مثل بقیه ی دعاها ی مأثور، معارف

آفرینش در این کتاب است. همین «دعای ابی حمزه ی ثمالی» که مخصوص سحرهاست - سعی کنید آن را بخوانید و در معنایش توجه و تدبیر داشته باشید - و همین «دعای کمیل» که شبهای جمعه خوانده می شود، از جمله دعاهایی است که سرشار از معارف اسلامی است و در آن ها حقایقی به زبان دعا بیان شده است. نه اینکه آن بزرگوار - امام سجّاد علیه السلام - نمی خواسته دعا کند و دعا را پوشش قرار داده است؛ نه. دعا می کرده، مناجات می کرده و با خدا حرف می زده است. منتها انسانی که قلبش با خدا و با معارف الهی آشناست، حرف زدنش هم این گونه است. حکمت از او سرریز می شود و دعای او هم عین حکمت است.

دعاهایی که ما می خوانیم، پر از حکمت است. در دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام که به ما می رسد، نکاتی عاید از معارف وجود دارد که حقیقتاً مورد احتیاج انسان است. آن بزرگواران با آوردن این نکات در دعاها به ما یاد می دهند که از خدا چه خواهیم. ۱۹۲

این دعاها درس است. اگر در معانی این دعاها تدبیر کنیم، بزرگترین هدیه های معنوی الهی را در این ها خواهیم یافت. ۱۹۳

نکته ی آخر در باب دعا، دعاهای مأثور است. دعاهایی که از ائمه رسیده است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته هایی در این دعاها گنجانده شده است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی کند و انسان از زبان ائمه علیهم السلام آن ها را از خدا طلب می کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته ها برای انسان مطرح می شود؛ که اگر انسان این ها را از خدا بخواهد و بگیرد، می تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه های خشوع و تضرع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده است که دل را خاشع و نرم می کند. با عبارات

فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آن ها استفاده کند.

البته باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الآن ترجمه های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعاها ی گوناگون ترجمه شده است. با توجه به ترجمه ها، دقت کنند و بخوانند. البته تا آنجایی که ما دیده ایم، هیچ ترجمه ای نتوانسته زیبایی های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالآخره مضمون دعا معلوم است. با توجه به این ترجمه ها دعاها را بخوانند. کسانی که می خوانند و با آن ها عده ای هم صدا می شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البته مرتبه ی پائین ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی فهمد، همین قدر احساس کند که با یک زبان شیفته ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می زند. ۱۹۴

اجابت الهی از طرف پروردگار، هیچ قید و شرطی ندارد؛ این ما هستیم که با اعمال خودمان مانع اجابت می شویم؛ ما هستیم که موجب می شویم دعای ما مورد اعتنا قرار نگیرد، که خود همین، یکی از معارفی است که می توان از دعا استفاده کرد و یکی از خصوصیات دعا، همین است. ۱۹۵

در دعاها و اذکار دیشب (۱) این جمله بود: «اللَّهُمَّ

العن قَتْلَهُ امیرالمؤمنین» (۲)؛ خدایا! قاتلان امیرالمؤمنین را لعنت کن، از رحمت خودت دور کن. در مسجد کوفه، یک نفر که بیشتر بر فرق مبارک حضرت شمشیر نزد؛ اما می گوید قاتلان! ببینید، این هم یکی از همان درسهایی است که انسان از دعا می گیرد. لازم نیست که انسان، خودش

ص: ۹۹

۱- ([۱]) شب نوزدهم ماه مبارک رمضان.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۹۷ ص: ۲۷۳؛ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

این ها فقط دعا نیست؛ درس است؛ این کلمات امام سجّاد- و همه ی ادعیه ای که از ائمه علیهم السلام مأثور است و بدست ما رسیده است- پر است از معارف. ۱۹۷

در دعا فقط این نیست که انسان دل را به خدا نزدیک می کند؛ این هست، فراگیری هم هست. در دعا هم تعلیم است، هم تزکیه هست. این دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام هم ذهن را روشن می کند، هم حقایق و معارفی را که در زندگی به آن ها نیاز داریم، به ما می آموزد و هم دل را متوجه به خدا می کند. ذکر الهی را خیلی باید مغتنم بشمرید. ۱۹۸

جهت دیگری که در دعا هست، این است که در دعاهایی که از ائمه علیهم السلام به ما رسیده است، درسهای بزرگی از معارف اسلام نهفته است. این صحیفه ی سجّادیه را اگر مطالعه کنید و جنبه ی دعایی کلمات را ندیده بگیرید، هر دعای آن یک درس عالی از معارف اسلامی و قرآنی است. اگر کسی خطبه ی امیرالمؤمنین علیه السلام، در توحید را که خطبه ی اوّل نهج البلاغه است، جلو خودش بگذارد، یا دعای اوّل صحیفه ی سجّادیه را که در تحمید است - حمد الهی است - جلو خودش بگذارد، می بیند این دو مثل همد و فرقی با هم ندارند. خطبه اند و درسند. امیرالمؤمنین علیه السلام، در مقابل جمعی از مردم ایستاده و معارف الهی را بیان کرده و امام سجّاد علیه السلام، دعا کرده و به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده است. یا دعای هشتم صحیفه - که من بعضی از فقراتش را یادداشت کرده ام - یک درس اخلاقی است. کأنه خطبه ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و لغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید. ۱۹۹

پس، نقطه ی دوّم این است که در این دعاها، معارف زیادی نهفته است. مثلاً در فقرات اوّل دعای کمیل، همه می خوانیم:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ

لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ». گناهانی وجود دارد که پرده‌ها را می‌برد. گناهانی وجود دارد که نعمت الهی را بر انسان نازل می‌کند. گناهانی وجود دارد که نعمتها را از انسان می‌گیرد. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ».(۱) گناهانی هم وجود دارد که دعا را حبس می‌کند. ۲۰۰

ماندگار و مؤثر کردن معارف در دل انسان

دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند؛ معارف را در دل انسان ماندگار و مؤثر می‌کند؛ ایمان را قوی می‌کند. ۲۰۱

اجابت، رفع حاجات، دفع بلا، جلب روزی

دعا وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها و هرآنچه که انسان می‌خواهد و آرزو می‌کند. ۲۰۲

مقصود عمومی از دعا؛ یعنی خواستن و گرفتن از خداوند متعال. ما انسانها نیازهای زیادی داریم و وجودمان سرتاپا نیاز است. اگر در وجود خودتان دقت کنید، می‌بینید از تنفس کردن و غذا خوردن گرفته تا راه رفتن و گوش کردن و دیدن، همه و همه حاکی از نیاز ما انسان‌هاست. یعنی خدای متعال، مجموعه‌ای از امکانات و نیروها را در اختیار من و شما قرار داده است که با آن‌ها می‌توانیم زندگی کنیم و همه نیز تحت اراده‌ی پروردگار است. هرکدام از این نیروها و امکانات کمبود پیدا کند، انسان دچار مشکل اساسی در زندگی خود می‌شود. مثلاً یک رگ یا یک رشته عصب از کار بیفتد، یک عضله مشکل پیدا کند، تا برسد به مسائل بیرون از وجود انسان یا مسائل روحی یا مسائل اجتماعی. بشر،

ص: ۱۰۱

۱- ([۱]) البلدالأمين ص: ۱۸۸؛ امیرالمؤمنین علیه السلام.

سرتاپا نیاز است. رفع این مشکلات و تأمین این نیازها را از چه کسی باید بخواهیم؟ از خدای متعال که او حاجات ما را می داند. «و»

سَلُّوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (۱)

خدا می داند شما چه می خواهید، چه لازم دارید و چه چیز از او می طلبید و سؤال می کنید. پس، از خدا بخواهید. در جای دیگر، می فرماید: «و»

قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲) پروردگار شما فرموده است: «دعا کنید مرا» یعنی «بخوانید مرا؛ من به شما جواب می دهم». البته این جواب دادن، به معنای برآمدن حاجت نیست. می گوید: «جواب می دهم و لئیک می گویم»؛ استجب لکم. اما این استجاب الهی، در بسیاری از موارد با دادن حاجت و آن چیز مورد درخواست شما همراه است. پس، این مطلب اول که انسان نیازهایی دارد، و رفع این نیازها را، باید از خدا بخواهد. باید در خانه ی خدا رفت، تا از تضرع پیش دیگران، بی نیاز شد.

چون روز جمعه و روز توجّه و روز معرفت به کلمات نبی اکرم و ائمه علیهم السلام است، چند حدیث کوتاه و مختصر بخوانم. در حدیثی آمده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ» (۳)

بهترین عبادتها، دعاست. حدیث دیگر، حدیث نبوی است. آن حضرت، به اصحاب خود فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ؟» (۴) «آیا می خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمن حفظ می کند و نجات می دهد و هم روزی تان را فراوان می کند؟» این، همان خواستن از خدا برای

ص: ۱۰۲

۱- ([۱]) سوره ی نساء، آیه ی ۳۲.

۲- ([۲]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

۳- ([۳]) الکافی ج: ۲ ص: ۴۶۶؛ أَلْبَانِي عَلَيْهِ السَّلَام .

۴- ([۴]) الکافی، ج: ۲، ص ۴۶۸، الرسول صلی الله علیه و آله .

برآورده شدن حاجات است. «قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ» «عرض کردند: بلی؛ بفرمائید.» فرمود: «قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ.» «خدا را دعا کنید؛ خدا را بخوانید.» «بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ.» «شب و روز.» «فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ»^(۱)

«سلاح مؤمن، دعاست.» یعنی دنبال حاجات رفتن، با سلاح دعا. با دشمن، با حادثه و با بلیه در افتادن، با سلاح دعا. ۲۰۳

انسان خواسته های خود را از طریق دعا به دست آورد. ۲۰۴

خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه ی مبارکه ی «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۲)

است؛ یعنی پروردگار شما فرموده است که مرا دعا کنید، تا استجابت کنم. ممکن است استجابت به معنای برآورده شدنِ صددرصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتماً برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدنی نیست، یا به زودی برآورده شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخش این است که خواسته ی شما را برآورده می کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی حمزه ی ثمالی که در سحرهای ماه رمضان خوانده می شود به همین معنا اشاره می کند. در قرآن فرموده است: «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^(۳)؛ اگرچه خدا عالم است و نیازهای شما را می داند، اما شما از خدا بخواهید و به خدا عرض کنید. این آیه را در دعا ذکر می کند. البته در دعای شریف^(۴): «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» دارد؛ اما

ص: ۱۰۳

۱- [۱] الکافی ج: ۲ ص: ۴۶۸؛ الرسول صلی الله علیه و آله .

۲- [۲] سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

۳- [۳] سوره ی نساء، آیه ی ۳۲.

۴- [۴] دعای ابی حمزه ی ثمالی.

در قرآن «كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» است. بعد می فرماید: «وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ». (۱) امام سجّاد علیه السلام عرض می کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آن ها خواستند به آن ها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه ی الهی این است که اگر می گوید بخواهید، اراده فرموده است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده ی الهی است که در همین آیه ای که در اوّل خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می کند: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (۲)؛

هر گاه بندگان من درباره ی من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می گویم و دعوت و خواسته ی آن کسی را که از من می خواهد و مرا می خواند، اجابت می کنم. هر کس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ» (۳)؛

هر سؤالی از خدا، هر خواسته ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهم است و باید بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند. حالا کسی که ایمان ندارد، طبیعی است که از این موقعیت مثل خیلی از موقعیتهای دیگر استفاده نمی کند. این وعده ی قطعی الهی است؛ یعنی خدای متعال هر خواسته ای را جواب خواهد داد. این یک وعده است و البته هر وعده ای هم شرایطی دارد. ۲۰۵

دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می شود و خواسته ی شما برآورده می گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می آورد، کنار هم می گذارد و مقصود شما برآورده می شود.... اگر عمل و تلاش در راه

ص: ۱۰۴

-
- ۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۹۵ ص: ۸۲؛ السّجّاد علیه السلام .
 - ۲- ([۲]) سوره ی بقره، آیه ی ۱۸۶.
 - ۳- ([۳]) بحار الأنوار ج: ۸۳ ص: ۵۸؛ الرّضا علیه السلام .

اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجابت این دعا واقعاً بیشتر است. آن وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجابت در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان می طلبد. ۲۰۶

دستآورد دیگر دعا، برآمدن حاجات است. یکی از دستاوردهای دعا این است که حاجاتی که انسان دارد، از خدای متعال می خواهد و خدا آن حاجات را برآورده می کند. البته همه ی خواص دعا این نیست؛ این هم یکی در کنار بقیه ی دستاوردهای دعاست. فرمود: «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» (۱)؛

از خدای متعال بخواهید و نیازهای خودتان را از او بطلبید. در دعای ابوحمزه ی ثمالی از قول امام سجّاد علیه السلام این طور عرض می شود: «وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطَايَا عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ» (۲)؛

تو به بندگان خودت دستور بدهی که از تو بخواهند، اما بنا داشته باشی که خواسته ی آن ها را عملی نکنی؛ این امکان ندارد. وقتی خدای متعال به من و شما امر می کند که از او بخواهیم و طلب کنیم، معنایش این است که خدای متعال تصمیم دارد که آنچه را می خواهیم، به ما بدهد. لذا در روایت است که: «ما كان الله ليفتح... على عبد باب الدعاء و يغلق عنه باب الإجابة» و الله اكرم من ذلك (۳)؛

خدای متعال کریم تر از آن است که باب دعا را باز کند، اما باب اجابت را ببندد. ۲۰۷

ص: ۱۰۵

۱- [۱] سوره ی نساء، آیه ی ۳۲.

۲- [۲] البلد الامین ص: ۲۰۵.

۳- [۳] نهج البلاغه؛ قصار ۴۳۵.

در قرآن فرمود: «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» (۱)

از خدا بخواهید. «لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ» (۲)

بگوئید، سؤال کنید، بخواهید و مگر می شود که بخواهید و ندهد؟! البته اقتضائات زمان و مکان و خصوصیات و نظایر آن هم، در خواستن از خدا مؤثر است. ۲۰۸

اگر دل توانست با یاد خدا خود را معطر و مزین کند، بدون تردید اجابت الهی برای او میسر خواهد شد؛ «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۳)

هیچ دعایی بی استجابت نیست. استجابت به معنای این نیست که خواسته ی انسان حتماً برآورده خواهد شد ممکن است برآورده بشود، ممکن است به علل و مصالح و موجباتی برآورده هم نشود اما استجابت الهی هست. استجابت الهی، پاسخ و توجه و التفات خداست؛ و لو آن خواسته ای که من و شما داریم که ای بسا خیال می کنیم این خواسته به نفع ماست، اما به زیان ماست تحقق هم پیدا نکند؛ اما «يَا اللَّهُ» شما بی گمان لیبکی به دنبال خود دارد. ۲۰۹

وقتی ما به درگاه حق متعال دعا می کنیم، در حقیقت وسیله ای برای رسیدن به حوائج خودمان می جوئیم و راهی به سوی این حوائج می پیمائیم و از آن استفاده می کنیم. این، یک گونه دعا کردن است: دعا برای گرفتن مقصود. این طور نیست که کسی گمان کند همه ی مقاصد، به وسیله ی ابزارها یا وسایل مادی برای انسانها قابل دسترسی است. بلکه چیزهایی را انسان با دعا باید به دست آورد. البته نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند. اما در کنار عمل، در کنار اقدام، در کنار به کار انداختن همت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای

ص: ۱۰۶

۱- ([۱]) سوره ی نساء، آیه ی ۳۲.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۹۵، ص: ۸۲؛ أَلَسَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَامَ .

۳- ([۳]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

انسان برآورده می سازد. لذا ملاحظه می کنید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ، در میدان جنگ، بعد از آن که همه ی کارها را انجام داده است، دعا هم می کند. بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم. ۲۱۰

دعا، وسیله ای در کنار وسایل دیگر است. به قول بزرگان از محققین و متفکرین ما، همچنان که در عالم وجود، خدای متعال دهها وسیله و سبب و علت قرار داده است، دعا هم یکی از سببهاست. در بسیاری از دعاها، حاجت و مقصود خواستن مطرح می شود. مثلاً فرض بفرمائید در همین دعای سحر ماه مبارک رمضان که دعای بسیار عالی المضمونی هم هست، بعد از آن که خدای متعال را به اسما و صفات سوگند می دهد، می گوید: دعا کن به آنچه که می خواهی و مقاصد خودت را از خدا بخواه. بعد از این همه قسم دادن خدای متعال، دعا مستجاب می شود. لذا در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام ، نقل شده است که فرمود: «إِدْفَعُوا

أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالْدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ» (۱)؛

پیش از آن که بلا- بر شما وارد شود، با دعا، بلا- را دفع کنید. اینها واقعیت است. این، البته بدان معنا نیست که هرچه شما خواستید و هر طور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه. شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه ی اسباب عادی و مثل همه ی خواستنها. اگر شما از دوستان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفاتش دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجه کند و با همه ی دل، از خدا بخواهد. هنگامی که قلب انسان رقیق می گردد و توجهی پیدا می شود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخواهید، غالب

ص: ۱۰۷

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۹۰ ص: ۲۸۹؛ امیرالمؤمنین علیه السلام .

این است که مقصود برآورده می شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که آن مصالح را ما نمی دانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمی ریزد. آن جا که سر راه خواسته ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آن جا که توجه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر. ۲۱۱

و اما بعضی دعاها، سه چیز علاوه بر این دو چیز دارند که این سه چیز، خیلی مهم است. یکی از این سه چیز، عبارت است از آن مقصود عمومی از دعا؛ یعنی خواستن و گرفتن از خداوند متعال. ما انسانها نیازهای زیادی داریم و وجودمان سر تا پا نیاز است. اگر در وجود خودتان دقت کنید، می بینید از تنفس کردن و غذا خوردن گرفته تا راه رفتن و گوش کردن و دیدن، همه و همه حاکی از نیاز ما انسانهاست. یعنی خدای متعال، مجموعه ای از امکانات و نیروها را در اختیار من و شما قرار داده است که با آنها می توانیم زندگی کنیم و همه نیز تحت اراده ی پروردگار است. هر کدام از این نیروها و امکانات کمبود پیدا کند، انسان دچار مشکل اساسی در زندگی خود می شود. مثلاً یک رگ یا یک رشته عصب از کار بیفتد، یک عضله مشکل پیدا کند، تا برسد به مسائل بیرون از وجود انسان یا مسائل روحی یا مسائل اجتماعی. ۲۱۲

بشر، سر تا پا نیاز است. رفع این مشکلات و تأمین این نیازها را از چه کسی باید بخواهیم؟ از خدای متعال که او حاجات ما را می داند. «و

سَلُّوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (۱)

خدا می داند شما چه می خواهید، چه لازم دارید و چه چیز از او می طلبید و سؤال می کنید.

ص: ۱۰۸

پس، از خدا بخواهید. در جای دیگر، می فرماید: «و»

قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۱۱) پروردگار شما فرموده است: «دعا کنید مرا» یعنی «بخوانید مرا؛ من به شما جواب می دهم.» البته این جواب دادن، به معنای برآمدن حاجت نیست. می گوید: «جواب می دهم و لبیک می گویم»؛ استجابت لکم. اما این استجابت الهی، در بسیاری از موارد با دادن حاجت و آن چیز مورد درخواست شما همراه است. پس، این مطلب اول که انسان نیازهایی دارد، و رفع این نیازها را، باید از خدا بخواهد. باید در خانه ی خدا رفت، تا از تضرع پیش دیگران، بی نیاز شد. ۲۱۳

مسأله ی بسیار مهمی است. خداوند متعال، وسیله ای به انسان داده است که انسان می تواند حوائج خود را - مگر در موارد استثنایی که به آن اشاره می کنم - با آن برآورده کند. آن وسیله چیست؟ خواستن از خدای متعال است. ۲۱۴

دفع بلاء

یک روایت از حضرت سجّاد علیه السلام است که می فرماید: «الَّذِي يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ» (۲) هم بلایی که به سوی شما آمده است با دعا دفع می شود و هم بلایی که نیامده است. یعنی اگر دعا نکنید، آن بلا متوجه شما خواهد شد. ۲۱۵

جلب رزق و نجات از دست دشمن

حدیث دیگر، حدیث نبوی است. آن حضرت، به اصحاب خود فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سَبَلٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُيَدِّرُ أَرْزَاقَكُمْ؟» «آیا

ص: ۱۰۹

۱- ([۱]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

۲- ([۲]) الکافی ج: ۲ ص: ۴۶۹؛ السّجّاد علیه السلام.

می خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمن حفظ می کند و نجات می دهد و هم روزی تان را فراوان می کند؟» این، همان خواستن از خدا برای برآورده شدن حاجات است. «قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ» عرض کردند: بلی؛ بفرمائید. فرمود: «قَالَ تَدْعُونَ رَبِّكُمْ» «خدا را دعا کنید؛ خدا را بخوانید.» «بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» (۱)

«شب و روز» ۲۱۶

دستاوردهای دیگر دعا

دفع انگیزه های ماده گرایانه

ذکر، فوائد عجیبی دارد که حالا- من آنچه را که در اینجا یادداشت کرده ام، عرض می کنم: «دفع انگیزه های ماده گرایانه و هوس رانیهای گمراه کننده» ۲۱۷

ذکر، مثل مدافعی است که در مقابل هجوم این هوسها، ما را و دل ما را محافظت می کند. دل خیلی آسیب پذیر است. ما دلمان، روحمان خیلی آسیب پذیر است. در مقابل چیزهایی تحت تأثیر قرار می گیریم؛ دل مجذوب به جاذبه های گوناگونی می شود. اگر بخواهیم دل- که جای خداست، جایگاه خداست. رفیع ترین مرتبه در وجود انسان، دل انسان است؛ یعنی همان باطن و حقیقت وجودی انسان- سالم و پاکیزه بماند، مدافعی لازم است؛ این مدافع ذکر است. ذکر نمی گذارد که دل دستخوش تهاجم بی امان هوسهای گوناگون شود و از دست برود. ذکر دل را نگه می دارد که در فساد و در جاذبه های گمراه کننده غرق نشود. در همین رابطه من روایتی را دیدم که خیلی پرمعناست؛ می فرماید: «الَّذَاكِرُ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْفَارِّينَ» (۲) در میدان جنگ، یک رزمنده را می بینید که دفاع می کند

ص: ۱۱۰

۱- ([۱]) الكافي ج: ۲ ص: ۴۶۸؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

۲- ([۲]) وسائل الشيعة ج: ۷ ص: ۱۶۵؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

ایستادگی می کند و از همه ی امکاناتش برای ضربه زدن به دشمن و جلوی تهاجم دشمن را گرفتن، استفاده می کند؛ اما رزمنده ی دیگر هم ممکن است باشد که بگریزد؛ طاقت تحمل از دست بدهد و از مقابل دشمن بگریزد. می فرماید: ذاکر در میان جمعِ غافل مثل همان سرباز رزمنده ی ایستادگی کننده است در میان کسانی که دارند فرار می کنند. ببینید این تشبیه و نظیر به همین لحاظ است؛ چون او دارد در مقابل تهاجم بیگانه دفاع و ایستادگی می کند، ذکر شما هم دارد ایستادگی می کند. ۲۱۸.

برداشتن موانع درونی

موانع درونی را باید با تضرع به درگاه پروردگار، با دعا، با توجه، با تربیت و تهذیب نفس، با تقویت اخلاق، با عبادت و با توسل، از پیش پا بردارید. ۲۱۹.

زدودنِ غفلت

دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می گوئیم، او را نزدیک خود احساس می کنیم، مخاطب خود می دانیم و با او حرف می زنیم، این دستاوردها از جمله ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را - که مادر همه ی انحراف ها و کجی ها و فسادهای انسان، غفلت از خداست - می زداید. دعا غفلت را از دل انسان می زداید؛ انسان را به یاد خدا می اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می شوند، این است که یاد خدا از دل آن ها می رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت بار است. ۲۲۰.

روشن شدن راه، معنا پیدا کردنِ حیات

دفع سرگستگی و درماندگی

دعا، وسیله ی مؤمن و ملجأ مضطر و رابطه ی انسان ضعیف و جاهل

ص: ۱۱۱

با منبع فیاض علم و قدرت است، و بشر بی رابطه ی روحی با خدا و بدون عرض نیاز به غنی بالذات، در عرصه ی زندگی سرگشته و درمانده و هدر رفته است؛ «قُلْ

مَا يَعْجُبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (۱) ۲۲۱

روشن شدن راه و نجات از سردرگمی و حیرت

دعا برای انسان راه را روشن می کند، انسان را از سردرگمی و حیرت نجات می دهد، علاوه بر اینها دعا محتوای ذهن دعا کننده را برای مستمع و مخاطب واضح و آشکار می کند. وقتی شما دعای کسی را گوش می دهید که با خدا حرف می زند می توانید از دعای او، از خواهش او کشف کنید که این چگونه انسانی است، حقیر است یا عظیم است، کوتاه بین است یا بلند نظر و بلند همت است، مؤمن است یا مردد است، دعا چیز عجیبی است. لذا در طول تاریخ صدر و اول اسلام همه جا دعا هست. پیغمبر در جنگ بدر هم دعا کرد، در جنگ احد هم دعا کرد؛ یعنی دعا پیروزی و شکست نمی شناسد. دعا یعنی ارتباط و اتکال انسان با خدا، آن وقتی هم که انسان در اوج قدرت و پیروزی است باز هم محتاج دعا است؛ باید با خدا حرف بزند، باید از خدا بخواهد. قرآن به پیغمبر ما دستور داد که «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» وقتی یاری خدا رسید و پیروزی نصیب شد «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» و دیدی که مردم دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می شوند، تازه «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ» (۲) تازه اول انابه ی تو است، اول عرض نیاز تو به درگاه قادر متعال است. ملت ما از وقتی پیروزی را به دست آورد آستانه ی دعا را رها نکرد. ببینید امروز در جامعه ی ما چقدر دعا و توجه به خدا زیاد است؛ راز پیروزی ما هم همینهاست. ۲۲۲

ص: ۱۱۲

۱- ([۱]) سوره ی فرقان، آیه ی ۷۷.

۲- ([۲]) سوره ی نصر، آیات ۱-۳.

بنابراین ذکر موجب می شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مؤمن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم. ۲۲۳

جان گرفتن دوباره ی قلب و روح

به مجرد اینکه کسی از خدا غفلت کند، قلب، زندگی خود را از دست می دهد و روح، میرا می شود. اگر دوباره ذکر و توجه به سراغش بیاید، جان می گیرد، و الا خواهد مرد. اگر رویکرد مجددش به خدا و معنویات، به طول انجامد، تبدیل به جماد خواهد شد. این را اسلام و آیات قرآن به ما می گوید: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ.» (۱)

و یا: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوب.» (۲) این ها در اسلام است. یعنی همان اسلامی که می گوید «به سراغ کشف منابع طبیعی و ساختن این دنیا بروید؛ ابزار مادی را به دست بگیرید؛ ذهن را مجهز به علم کنید؛ دنیا را طبیعت را ماده را و منابع را بشناسید و کشف کنید و پرورش دهید، چون از آن شماست»؛ یادآور می شود که «این همه را برای خدا بکنید؛ به یاد خدا باشید؛ ذکر خدا را از دل بیرون نکنید و همه ی این حرکات را به صورت عبادت انجام دهید.» ۲۲۴

ص: ۱۱۳

۱- ([۱]) سوره ی حدید، آیه ی ۱۶.

۲- ([۲]) سوره ی رعد، آیه ی ۲۸.

می گوید که باید به در خانه ی خدا بروید: «قُلْ مَا يَعْجُزُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (۱) باید دعا کنید. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۲)

باید دعا کنید تا از خدا جواب بشنوید. حیات انسان، جز در رابطه با خدا، معنا ندارد. ۲۲۵

تقویت روح عبودیت و عشق به خدا

ارتباط با خدا، تقویت روح عبودیت

مهم ترین خاصیت دعا- که من قبلاً هم درباره ی آن قدری صحبت کرده ام- همین ارتباط با خدا و احساس عبودیت در مقابل خداوند، بزرگترین اثر و خاصیت خداست؛ از خدا خواستن، که آن وقت خدای متعال هم اجابت خواهد کرد. ۲۲۶

این رابطه ی درخواست کردن و گرفتن از خدا، مایه ی تعالی روح انسان است و همان تقویت کننده ی روح عبودیت است. «وَهُوَ رَحِيمٌ كَرِيمٌ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مِنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ»؛ (۳) خدای متعال بین خودش و تو، واسطه ای، فاصله ای و حجابی قرار نداده است. هر وقت با خدا شروع کنید به سخن گفتن و عرض نیاز کردن، خدای متعال صدا و درخواست شما را می شنود. با خدا همیشه می شود هم زبان شد، می شود گفتگو کرد، می شود مأنوس شد و می شود از او درخواست کرد. این برای بشر، فرصت و نعمت خیلی بزرگی است. ۲۲۷

آشنایی با خدا و پر شدن دل از عشق او

این حالت تضرع است که دل را از عشق خدا پر می کند؛ انسان را

ص: ۱۱۴

۱- ([۱]) سوره ی فرقان، آیه ی ۷۷.

۲- ([۲]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

۳- ([۳]) بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۲۰۵؛ أَلْبَاقِرُّ عَلَيْهِ السَّلَام .

با خدا آشنا می کند؛ انسان را از خودبینی و خودنگری فسادانگیز تهی می کند و او را از نورِ مقدّس پروردگار و لطفِ الهی، سرشار می سازد. قدرِ این را بدانید که از همه چیز بالاتر است. ۲۲۸

روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا. ۲۲۹

نزدیک شدن انسان به خدا و زنده نگهداشتن یاد خدا در دل

دعا انسان را به خدا نزدیک می کند. ۲۳۰

دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می گوئیم، او را نزدیک خود احساس می کنیم، مخاطب خود می دانیم و با او حرف می زنیم، این دستاوردها از جمله ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را- که مادر همه ی انحراف ها و کجی ها و فسادهای انسان، غفلت از خداست- می زداید. دعا غفلت را از دل انسان می زداید؛ انسان را به یاد خدا می اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می شوند، این است که یاد خدا از دل آن ها می رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت بار است. در قرآن چند آیه در این باره ذکر شده و بحث مفصّلی دارد. ۲۳۱

تقویت و استقرار ایمان در دل

یکی از وظایف ما در ماه رمضان، دعا کردن است. دعا انسان را به خدا نزدیک می کند؛ معارف را در دل انسان ماندگار و مؤثر می کند؛ ایمان را قوی می کند. ۲۳۲

دستآورد دوم دعا، تقویت و استقرار ایمان در دل است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل پایدار و مستقر می کند. ایمان قابل زوال در مواجهه ی با حوادث عالم و سختی ها، خوشی ها، تنعم ها و حالات گوناگون انسان، در خطر از بین رفتن است. می شناسید کسانی را که

ص: ۱۱۵

ایمان داشتند؛ اما در مواجهه ی با مال دنیا، با قدرت دنیا، با لذات جسمی و شهوات قلبی، ایمان از دست آن ها رفت. این، ایمان متزلزل و غیر مستقر است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل انسان مستقر و ثابت می کند و خطر زوال ایمان با دعا و استمرار توجّه به خدای متعال از بین می رود. ۲۳۳

عشق به خدا

دستاورد پنجم دعا، ایجاد محبّت به خدای متعال است. دعا عشق به خدای متعال را در دل زنده می کند. مظهر همه ی زیبایی ها و خوبی ها ذات اقدس پروردگار است. دعا و انس و تکلم با خدای متعال، این محبّت را در دل به وجود می آورد. ۲۳۴

زنده و نورانی شدن دل انسان

احیاء و زنده کردنِ قلوب

این انس با خدای متعال و ذکر خدای متعال و استغفار و دعا خیلی تأثیرات معجزآسایی بر روی دل انسان دارد؛ دل های مرده را زنده می کند. ۲۳۵

نورانیت، صفا و معنویت

در قرآن، به ما گفته شده است: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (۱)؛

مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. یکجا دارد: «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» (۲)؛

از فضل خدا طلب کنید و بخواهید. این ها وعده های الهی است و وعده های الهی، صادقترین وعده هاست و حتماً چنانچه از خدا بخواهید، خدا به

ص: ۱۱۶

۱- ([۱]) سوره ی غافر، آیه ی ۶۰.

۲- ([۲]) سوره ی نساء، آیه ی ۳۲.

شما پاسخ خواهد داد. اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخها همانی است که در همان لحظه به شما داده می شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا خواسته است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می دهند. آن چنان نورانی در دل شما به وجود می آید که می بینید اصلاً پاسختان را همان ساعت گرفته اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می کند، گاهی احساس می کند که دیگر غیر از آن، هیچ چیز نمی خواهد. ۲۳۶

دعا در عین اینکه دل انسان را با خدا متصل و جان آدمی را سرشار از صفا و معنویت می کند، فکر و ذهن او را هم هدایت می نماید. ۲۳۷

اگر کسی خیال کند که می توان دل و روح را بدون این ها صاف کرد، سخت در اشتباه است. از راه گریه ی نیمه شب، از راه خواندن قرآن با تدبّر و با دقت، از راه خواندن ادعیه ی صحیفه ی سجّادیه، دل انسان صاف می شود؛ و الاً این طوری نیست که بگوئیم آقا برو دلت را صاف کن؛ هر کاری هم کردی، کردی. ۲۳۸

تأثیرات آن علاوه بر تأثیرات فردی و ملی، تأثیرات بین المللی خواهد بود. ما دیگر کدام واجب را داریم که این طور باشد. این عمل و فریضه، هم دل و روح و باطن خود انسان حج گزار را تصفیه می کند، نورانی می کند و به خدا نزدیک می کند؛ با استغفار و با تضرّع و مناجات الهی آشنا و معنوی می کند. ۲۳۹

نورانی نگاه داشتن دل انسان

انسان ناامید که چیزی طلب نمی کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مُشعل می کند و منور نگه می دارد. ۲۴۰

ص: ۱۱۷

تطهیر روح

بهترین اعمال در این شب، دعاست. درباره ی دعا هم امروز مطالبی را به شما برادران و خواهران عرض می کنم. احیاء هم برای دعا و توسل و ذکر است. نماز هم - که در شب های قدر یکی از مستحبات است - در واقع مظهر دعا و ذکر است. در روایت وارد شده است که «الْذُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ» (۱)؛

مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماها، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبت و ارادت است؛ همه ی این ها دعاست. دعا یکی از مهم ترین کارهای یک بنده ی مؤمن و یک انسان طالب صیلاح و نجات و نجات است. دعا در تطهیر روح چنین نقشی دارد. ۲۴۱

تزکیه

به قول آن عارف معروف که می گوید: «آب که از برکات الهی است، همه ی پلیدیها و ناپاکیها را از بین می برد؛ هر جسمی که با آب تماس می گیرد، پاک می شود؛ ولی خود آب تحت تأثیر تماس با ناپاکیها و ناپاکیها، به تصفیه احتیاج پیدا می کند و خدای متعال در یک گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل می کند؛ به آسمان می برد، از بالا مجدداً به صورت قطرات باران به زمین برمی گرداند، پلیدیها را از آن جدا می کند، آن را تصفیه می کند و باز به صورت ماء طهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار می دهد.»

ص: ۱۱۸

گوینده ی این سخن حکمت آمیز می گوید: «این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکیها را از انسانها می زداید؛ اما خود این ماء طهور بتدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا می کند و تزکیه و تصفیه ی آن، جز با یک عروج معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت علویات که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد ممکن نمی شود.» با ذکر، با توجه، با توسل، با مناجات، با نافله، با تضرع در مقابل خداوند، با تفکر در آیات آفاقی و انفسی، این ماء طهور باز همان طهارت خود را به دست می آورد. ۲۴۲

تهذیب نفس، پیراستن روح و پالایش ذهن از وسوسه ها

نماز با توجه، انس با قرآن، دعا و توسل، تضرع، روزه ی ماه رمضان و عبادات نیمه شب، مخصوصاً برای جوانان، که تأثیرپذیریشان زیاد است، می تواند مهذب نفس باشد. ۲۴۳

روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، و پالایش کردن ذهن از وسوسه ها. ۲۴۴

در دعا هم تعلیم است، هم تزکیه هست. ۲۴۵

رشد فضایل اخلاقی در انسان

دستاورد چهارم دعا، خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است. انسان با توجه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می کند؛ این خاصیت قهری و طبیعی انس با پروردگار است؛ بنابراین دعا می شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلاً دعا رذایل اخلاقی را از انسان می زداید؛ حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی صبری را از انسان دور می کند. ۲۴۶

و امام سجّاد علیه السلام، دعا کرده و به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده است. یا دعای هشتم صحیفه که من بعضی از فقراتش را یادداشت کرده ام یک درس اخلاقی است. کأنّ خطبه ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و لغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید. ۲۴۷

امام سجّاد علیه السلام، این دعا را با این زبان بیان کرده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرِصِ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ». حرص، افزایش حرص، شدتِ خشم، غلبه ی حسد، ضعف صبر، کمی قناعت، «شَكَاسَةَ الْخُلُقِ» بد اخلاقی، «إِلْحِيَاحِ الشَّهْوَةِ» شهوترانی زیاد، «مَلَكَةَ الْحَمِيَّةِ» تعصبهای ناحق و جانبداربهای به ناحق، «اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ، وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ» گناه خود را کوچک دانستن و طاعت خود را بزرگ شمردن، «سوء الولاية لمن تحت ايدينا» اداره ی بد مجموعه ای که در اختیار ما و زیر دست ماست، «أَنْ نَعُضِدَ ظَالِمًا، أَوْ نَحْذَلَ مَلْهُوفًا» (۱)

به ظالمی کمک کردن و بیچاره ای را یاری نرساندن. همه ی این مطالب را امام سجّاد علیه السلام، در یک دعا، با این زبان بیان می کند، که خدایا، من به تو پناه می برم از این چیزها. اینها درسهای اخلاقی است. دعاها ی صحیفه ی سجّادیه، دعای ابی حمزه ی ثمالی، دعای افتتاح، یا بقیه ی دعاها ی ماه رمضان - شب و روز جمعه و بقیه ی اوقات - و تمام این دعاها یی که از ائمه علیهم السلام به ما رسیده است، پر است از معارف اسلامی درباره ی توحید، درباره ی نبوت، درباره ی حقوق، درباره ی وضع جامعه، درباره ی اخلاق، درباره ی حکومت و درباره ی همه ی مسائلی که انسان احتیاج دارد از اسلام بدانند. در این دعاها، برای ما مطالبی هست که به زبان دعا، معارف بیان شده است و ائمه ی ما علیهم السلام،

ص: ۱۲۰

در دوران حاکمیت طواغیت، توانسته اند این معارف را از این راه به مردم برسانند. این هم یک دیدگاه دیگر در باب دعاست. ۲۴۸

دمیدن روح اخلاص در انسان

سوّمین دستاورد، دمیدن روح اخلاص در انسان است. با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص می دهد. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادن. همه ی کارها را می شود برای خدا انجام داد. بندگان خوب خدا همه ی کارهای معمولی روزمره ی زندگی را هم با نیت تقرب به خدا انجام می دهند و می توانند. بعضی هم هستند که حتی قربی ترین و عبادی ترین کارها- مثل نماز- را نمی توانند برای خدا انجام دهند. بی اخلاصی، درد بزرگی برای انسان است. دعا روح اخلاص را در انسان می دمد.

دفع آفت فسادپذیری انسان، دفع گناهان

دفع آفت فسادپذیری انسان

برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذکر» را به انسان آموخته است. ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن.

و نماز با ترکیب هماهنگ دل و زبان و حرکت، نابترین و کامل ترین نمونه و وسیله ی ذکر است. ۲۴۹

دفع گناه

خوب، حالا- ذکر چیست؟ روایتی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام است. و روایت دیگری هم هست، که آن روایت دوّم بیشتر مورد توجه من بود؛ اما هر دو روایت را می خوانم. روایت اوّل از حضرت ابی جعفر علیه السلام است؛ حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ثَلَاثٌ مِنْ أَشَدِّ مَا عَمِلَ الْعِبَادُ؛ سه چیز

ص: ۱۲۱

هست که جزو تکالیف بسیار مهم و دشوار مؤمنین است؛ کارهای سخت...سوم، «و ذِکْرُ اللَّهِ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ»؛ در همه حال ذاکر خدای متعال باشد. ذکر این است.

آن وقت حضرت باقر در همین روایت، «ذِکْرُ اللَّهِ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ» را معنا کرده اند: «وَهُوَ أَنْ يَذْکُرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ يَهُمُّ بِهَا»؛ وقتی که می رود به سمت معصیت، ذکر خدا او را مانع بشود. ذکر؛ یاد کند خدا را و این معصیت را انجام ندهد؛ انواع معاصی را؛ خلاف واقع گفتن، دروغ گفتن، غیبت کردن، حق را پوشاندن، بی انصافی کردن، اهانت کردن، مال مردم را، مال بیت المال را، مال ضعفا را تصرف کردن یا درباره ی آن ها بی اهمتی به خرج دادن. این ها گناهان گوناگون است. در همه ی این ها، انسان توجّه کند به خدا؛ ذکر خدا مانع بشود از اینکه انسان به سمت این گناه برود.

«فَيَحُولُ ذِکْرُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَدَكَّرُوا» (۱)

بعد حضرت می فرمایند که این، تفسیر آن آیه است که فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ»؛ وقتی شیطان به این ها تنه می زند، گذرنده ی شیطان این ها را مس می کند؛ یعنی هنوز درست به جانش هم نیفتاده، «تَدَكَّرُوا»؛ فوراً این ها متذکر می شوند. «فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (۲)؛

این ذکر موجب می شود که چشم این ها، بصیرت این ها باز بشود. معنای «ذِکْرُ اللَّهِ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ» این است.

در صدر روایت بعدی که مورد توجّه من است، تقریباً عباراتش شبیه همین روایتی است که خواندم و همان سه چیز را ذکر می کند. در آن

ص: ۱۲۲

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۶۶ ص: ۳۷۹؛ أَلْبَاقِرُّ عَلَيْهِ السَّلَام .

۲- ([۲]) سوره ی أعراف، آیه ی ۲۰۱.

روایت، «و ذکر الله على كل حال» را داشت، در اینجا و در روایتی که حضرت ابی عبدالله علیه السلام می فرماید، آمده است: «و ذكُرُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ»؛ انسان در همه جا ذکر خدا کند. اما آن نکته ی مورد توجه این است که می فرماید: «أَمَّا إِنِّي لَا أَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ اینی که می گویم در همه حال ذکر خدا را بگوئید، مقصودم این نیست که بگوئید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر. این، ذکر لفظی است. «وَ إِنْ كَانَ هَيْدًا مِنْ ذَاكَ»؛ اگر چه این هم ذکر است، این هم مطلوب است، این هم شریف است و خیلی باارزش است؛ اما مقصود من فقط این نیست، بلکه «وَ لَكِنْ ذِكْرُ اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمْتَ عَلَى طَاعَةٍ أَوْ عَلَى مَعْصِيَةٍ» (۱)

- هَجَمْتُ يَا هَمَمْتُ. نسخه ای که من دیدم، هَجَمْتُ است. احتمال می دهم هَمَمْتُ باشد- وقتی به سمت طاعت خدا می روی، یا به سمت معصیت خدا می روی، یاد خدا باشی. این «یاد خدا بودن» مورد نظر است؛ این ذکر الله. البته این اذکاری که در روایات ما، در این دعاها، در این اوراد گوناگون، تسیحات حضرت زهرا و بقیه ی اذکاری که هست- این ها همه وسائل ذکرند، این ها کپسولهای ذکرند- ذکر شده است، انسان باید این ها را با توجه به معانی و حقایقشان بر زبان جاری کند؛ توجه پیدا کند. البته این ها خیلی باارزش است. ۲۵۰

دفع غفلت

دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می گوئیم، او را نزدیک خود احساس می کنیم، مخاطب خود می دانیم و با او حرف می زنیم، این دستاوردها از جمله ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را- که مادر همه ی انحراف ها و کجی ها و فسادهای انسان، غفلت از

ص: ۱۲۳

۱- ([۱]) الكافي ج: ۲ ص: ۱۴۵؛ الصّادق علیه السلام .

خداست - می زداید. دعا غفلت را از دل انسان می زداید؛ انسان را به یاد خدا می اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می شوند، این است که یاد خدا از دل آن ها می رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت بار است. ۲۵۱

تعالی و فلاح

علو مقام و مرتبه، عروج

خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالا-ترین جنبه هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد و اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علو مقام و مرتبه است. بشر با تضرع در پیش خدای متعال است که عروج می کند و اوج می گیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند. ۲۵۲

فلاح

ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب فلاح و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه ی ثبات قدم است. ۲۵۳

کسب قدرت قلبی، استواری و ثبات قدم در مقابل دشمن

کسب قدرت قلبی و روحی

دعا علامت ضعف نیست، علامت قوت است. انسان با دعا کسب قدرت می کند، نیروی قلبی و روحی خودش را - که پشتوانه ی نیروی جسمی است - افزایش می دهد. ۲۵۴

ص: ۱۲۴

جمهوری اسلامی، آن نظامی که باید با قلدرهای جهان مقابله کند؛ آن ملتی که باید با کوههای فساد دریفتد؛ آن جامعه و نظامی که در مقابل هیچ قلدری سر خم نمی کند و برای نجات انسانیت تلاش می نماید، چنین جامعه و نظامی، در درون و در دل افراد خود باید درهایی به سوی دعا و تضرع باز کرده باشد. بدون این، نمی شود. اگر می خواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر می خواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می خواهید در مقابل جلوه های مادی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرع بیمه کنید. این، دعاست. این، وظیفه ی قلبی همه ی انسانهاست. راهی است که انسان از درون خود، با خدای متعال باز می کند. و لذا شما می بینید امیرالمؤمنین علیه السلام، آن انسان شجاع، آن جنگجو، آن مرد بزرگ، آن حاکم قدرتمند و نیرومند؛ آن کسی که فکر و ذهن و عقل و حکمت و درس و معارف او برای فرزانه ترین فلاسفه و حکمای عالم درس است و باید زانو بزنند و یاد بگیرند؛ آن انسان نیرومندی که اگر همه ی دنیا در مقابلش باشد، پشت نمی کند، از همه ی مردم زمان خود عابدتر و پیش خدای متعال گریه کننده تر و متضرعتر است. ۲۵۵

دعا به انسان توانایی و قدرت می دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده است به سلاح. از نبی مکرم نقل شده است که فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ»؛ اسلحه ای را به شما معرفی کنم که مایه ی نجات شماست؛ «تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ». (۱)

در مواجهه ی با حوادث، توجه به

ص: ۱۲۵

خدای متعال، مثل سلاح بُرنده ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه ی کارهای لازم را انجام می داد؛ سپاه را می آراست، سربازان را به صف می کرد، امکانات لازم را به آن ها می داد، توصیه های لازم را به آن ها می کرد، اشراف فرماندهی خودش را اعمال می کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می زد، دست به دعا بلند می کرد، تضرّع می کرد، با خدای متعال حرف می زد و از او می خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می کند. ۲۵۶

واهمه نداشتن از قدرتها

دلی که از خوف و محبت خدا و توجه به پروردگار پر شد، دیگر از هیچ قدرتی واهمه نخواهد داشت. فایده ی دعا این است. ۲۵۷

استواری در مقابل دشمن

اگر می خواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر می خواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می خواهید در مقابل جلوه های مادی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرّع بیمه کنید. این، دعاست. این، وظیفه ی قلبی همه ی انسانهاست. راهی است که انسان از درون خود، با خدای متعال باز می کند. و لذا شما می بینید امیرالمؤمنین علیه السلام، آن انسان شجاع، آن جنگجو، آن مرد بزرگ، آن حاکم قدرتمند و نیرومند؛ آن کسی که فکر و ذهن و عقل و حکمت و درس و معارف او برای فرزانه ترین فلاسفه و حکمای عالم درس است و باید زانو بزنند و یاد بگیرند؛ آن انسان نیرومندی که اگر همه ی دنیا در مقابلش باشد، پشت نمی کند، از همه ی مردم زمان خود عابدتر و پیش خدای متعال گریه کننده تر و متضرّعتر است. ۲۵۸

ص: ۱۲۶

ذکر خدا پشتوانه ی ثبات قدم است. بنابراین ذکر موجب می شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مؤمن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم. ۲۵۹

امید و نشاط

دستآورد ششم دعا، دمیدن روح امید در انسان است. دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالشهای زندگی را می دهد. هرکس در دوران زندگی خود با حوادثی مواجه می شود و چالش هایی پیدا می کند. دعا به انسان توانایی و قدرت می دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده است به سلاح. از نبی مکرم نقل شده است که فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ»؛ اسلحه ای را به شما معرفی کنم که مایه ی نجات شماست؛ «تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ». (۱)

در مواجهه ی با حوادث، توجه به خدای متعال، مثل سلاح بُرنده ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه ی کارهای لازم را انجام می داد؛ سپاه را می آراست، سربازان را به صف می کرد، امکانات لازم را به آن ها می داد، توصیه های لازم را به آن ها می کرد، اشراف فرماندهی خودش را

ص: ۱۲۷

۱- ([۱]) الکافی ج: ۲ ص: ۴۶۸؛ الرسول صلی الله علیه و آله .

اعمال می کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می زد، دست به دعا بلند می کرد، تضرع می کرد، با خدای متعال حرف می زد و از او می خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می کند. ۲۶۰

انسان ناامید که چیزی طلب نمی کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مشعل می کند و منور نگه می دارد. به برکت دعا، جامعه بانشاط و اهل حرکت می شود. ۲۶۱

ص: ۱۲۸

فصل پنجم: در دعا از خدا چه بخواهیم؟ نمونه هایی از کتابها و دعاهای برجسته

اشاره

ص: ۱۲۹

دعاها را رها نکنید، همه چیز را با دعا بخواهید. ۲۶۲

پیشوایان دین به ما یاد می دهند چه خواهیم - چیزهای اصلی

دعاهایی که ما می خوانیم، پر از حکمت است. در دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام که به ما می رسد، نکاتی عاید از معارف وجود دارد که حقیقتاً مورد احتیاج انسان است. آن بزرگواران با آوردن این نکات در دعاها به ما یاد می دهند که از خدا چه خواهیم. ۲۶۳

معصومین علیهم السلام، یاد می دهند که چه باید از خدا بخواهیم. چیزهایی که باید از خدا خواست، همانهاست که آن بزرگواران در ادعیه مطرح می کنند. بعضی در دنیا، به سراغ زیادهای زندگی می روند. می گویند: فلان معامله برای من جور شود. فلان سفر درست شود. فلان شغل گیرم بیاید. و... چرا انسان چیزهای اصلی را از خدا نخواهد؟! پیشوایان دین به ما یاد می دهند: «این گونه دعا کنید و این چیزها را از خدا بخواهید.» البته نوع دعاهایی که آنان به ما یاد می دهند، یک فصل طولانی را به خود اختصاص می دهد. ۲۶۴

در دعا همّت بلند داشته باشید؛ درخواست‌های بزرگ بکنید؛ سعادت دنیا و آخرت را بخواهید و نگوئید این‌ها بزرگ است، این‌ها زیاد است؛ نه، برای خدای متعال این‌ها چیزی نیست. عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط، طلب کنید؛ خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد. ۲۶۵

حتی چیزهای کوچک

ضمناً، از کوچک بودن خواسته هم ابا نداشته باشید. خواسته‌های کوچکِ کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتی بند کفش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: «لَا تُحَقِّرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ» (۱)؛

«حاجت‌های کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید». خوب؛ انسان به بند کفش احتیاج دارد؛ به در مغازه می‌رود و می‌خرد. این هم دعا لازم دارد؟! بله! تا احساس کردید که به بند کفش و یا هر چیز دیگر به این کوچکی نیاز دارید، دل را متوجه خدا کنید و بگوئید: «پروردگارا! این را هم به من برسان». رساندنش به چه ترتیب است؟ به این ترتیب است که پول در جیب بگذارم، سرِ کوچه بروم، از مغازه بخرم و بعد هم آن را مورد استفاده قرار دهم. به هر حال، باید از خدا بخواهید. اگرچه به در مغازه رفتید، پول دادید و بند کفش خریدید؛ اما باز هم آن را خدا به شما داد. از غیر طریق خدا که چیزی به دست انسان نمی‌رسد. هرچه به ما می‌رسد خدا به ما می‌دهد.

ص: ۱۳۲

۱- ([۱]) مستدرک الوسائل ج: ۵ ص: ۱۷۲؛ أَلْبَاقِرُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

چیزی را که خدا می دهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ یکی از علل اینکه گفته اند حاجات کوچک را هم از خدا بخواهید، این است که به حوائج و عجز و حقارت و تهی دستی خودمان توجه پیدا کنیم تا ببینیم که چقدر تهی هستیم. اگر خدای متعال کمک نکند، امکان ندهد، نیرو ندهد، فکر ندهد، ابتکار ندهد و وسایل را جور نیاورد، همان بند کفش هم به دست ما نخواهد رسید. اگر شما به قصد خریدن بند کفش از خانه بیرون آمدید، در راه، جیبتان را زدند یا پولتان گم شد و یا مغازه ی مورد نظر، بسته بود و یا در بین راه، حادثه ی مهمی پیش آمد که مجبور شدید برگردید، بند کفش گیرتان نیامده است. بنابراین، هر چیز را از خدا بخواهید؛ حتی بند کفش را، حتی کوچک ترین اشیا را و حتی قوت روزانه ی خود را. بگذارید این من دروغینِ عظمت یافته در سینه ی ما- که می گوئیم «من» و خیال می کنیم مجمع نیروها ما هستیم- بشکند. این «من» انسانها را بیچاره می کند. این هم مطلبی در باب دعا که انسان خواسته های خود را از طریق دعا به دست آورد. ۲۶۶

گفته اند: حتی چیزهای کوچک را هم از خدا بخواه تا بفهمی که حقیری. بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می اندازد، و آسایش وی را می گیرد: «إِنْ يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ.» (۱) ۲۶۷

حاجات همه ی انسانهایی که روی کره ی خاک هستند

حال نگاه کنید به حاجات خودتان، حاجات مسلمانان، حاجات کشورتان، حاجات برادران مؤمنان؛ به مریضها، به مریض دارها، به

ص: ۱۳۳

جانبازان، به غم دیده ها، به دل‌های غمگین، به چشم‌های نگران، به نیازهای فراوانِ انسانهایی که حول و حوش شما، زیر سقف شما و در کشور شما هستند، در دنیای اسلام هستند، روی کره ی خاک هستند. همه ی این حاجات را در این شبهای قدر، یکی یکی از خدای متعال بخواهید. ۲۶۸

شما در هر روز از ماه رمضان- بنا بر مأثور- بعد از هر نماز می گوئید: «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ». از خدا می خواهید همه ی فقرا را غنی کند. فقط فقرای ایران را نمی گوئید. «اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ» یعنی همه ی فقرای اسلام غنی شوند. این ها، خیلی مهم است. در ادامه ی این دعا می گوئید: «اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ.» (۱)

انسان حاجتی به این کلانی از خدا می خواهد! ۲۶۹

برای همه ی مسلمین

بعضی چیزها را برای همه ی مسلمین بخواهید. در همین دعا، عبارتِ «اللَّهُمَّ

أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ» (۲)، از آن مسلمانان است. ۲۷۰

اول دیگران، بعد خود ما

امام حسن مجتبی علیه السلام می گوید: شب جمعه ای مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حَتَّى انْفَجَرَ عَمُودُ الصُّبْحِ» تا وقتی که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن علیه السلام، می گوید شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا

أُمَّاه!»؛ «مادرم!» «لِمَ لَأ تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكِ؟»؛ «یک دعا برای

ص: ۱۳۴

۱- [۱] مستدرک الوسائل ج: ۷ ص: ۴۴۷؛ أَلرَسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

۲- [۲] همان.

خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران؟!» در جواب فرمود: «يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ» (۱)؛ «اول دیگران بعد خود ما!» این، آن روحیه ی والاست. ۲۷۱

کتاب نمونه

صحیفه ی سجّادیه

با صحیفه ی سجّادیه مأنوس شوید. کتاب بسیار عظیمی است. اینکه گفته اند زبور آل محمّد، واقعاً همین طور است؛ پُر از نغمه های معنوی است، دعا و درس است. ۲۷۲

به نظر من صحیفه ی سجّادیه ی مبارکه یکی از بهترین ذخایر معنوی ماست، اگر بتوانیم از این استفاده کنیم. ۲۷۳

نمونه هایی از بهترین دعاها

دعاهایی که از ائمه رسیده است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته هایی در این دعاها گنجانده شده است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی کند و انسان از زبان ائمه علیهم السلام آن ها را از خدا طلب می کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته ها برای انسان مطرح می شود؛ که اگر انسان این ها را از خدا بخواهد و بگیرد، می تواند برای او سرمایه باشد. ۲۷۴

دعای هشتم صحیفه ی سجّادیه

و امام سجّاد علیه السلام ، دعا کرده و به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده است. یا دعای هشتم صحیفه که من بعضی از فقراتش را یادداشت

ص: ۱۳۵

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۸۶ ص: ۳۱۳؛ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

کرده ام یک درس اخلاقی است. کأنه خطبه ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و لغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید. ۲۷۵

دعاهای مأثور از جمله دعای ابی حمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه

نکته ی آخر در باب دعا، دعاهای مأثور است. دعاهایی که از ائمه رسیده است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته هایی در این دعاها گنجانده شده است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی کند و انسان از زبان ائمه علیهم السلام آن ها را از خدا طلب می کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته ها برای انسان مطرح می شود؛ که اگر انسان این ها را از خدا بخواهد و بگیرد، می تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه های خشوع و تضرع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده است که دل را خاشع و نرم می کند. با عبارات فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آن ها استفاده کند.

البته باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الآن ترجمه های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعاهای گوناگون ترجمه شده است. با توجه به ترجمه ها، دقت کنند و بخوانند. البته تا آنجایی که ما دیده ایم، هیچ ترجمه ای نتوانسته زیبایی های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجه به این ترجمه ها دعاها را بخوانند. کسانی که می خوانند و با آن ها عده ای هم صدا می شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البته مرتبه ی پائین ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی فهمد، همین قدر احساس کند که با یک زبان شیفته ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می زند. ۲۷۶

اگر کسی معنای دعا، مثلاً دعای ابی حمزه ی ثمالی، یا دعای امام حسین علیه السلام

در روز عرفه را بفهمد و توجه کند که هر دو خیلی طولانی هستند و چون گاهی انسان معنا را هم می داند، اما توجه نمی کند، ذهنش جاهای دیگر می رود امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفتگویی که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده ی برگزیده و شایسته و بامعرفت و خدا، این قدر پُر جاذبه و نافذ و حقیقی است یعنی بیان کننده ی آن خواسته های فطری انسان است که امکان ندارد کسی هیچ وقت از آن خسته شود. ۲۷۷

دعای شریف ابی حمزه ی ثمالی، این دعای طولانی، حالت مناجاتی عجیب دارد. و اما لابه لای این مناجاتها، نیازهای واقعی انسان نهفته است. نیازهای واقعی آنهایی است که این بزرگوار از خدای متعال می خواهد. ۲۷۸

دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام بهترین مضامین در زیباترین الفاظ و سرشار از معارف الهی است که قدر آن ها را باید دانست و بایستی به آن ها متوسل شد. ۲۷۹

بهترین دعا آن است که از سر معرفتی عاشقانه به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد، و این را فقط در مکتب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین او- که اوعیه ی علم پیامبر صلی الله علیه و آله و وراثت حکمت و معرفت اویند- می توان جست. ۲۸۰

این دعاها را در اختیار ما گذاشته اند. کیفیت حرف زدن و مناجات کردن با خدا را به ما یاد داده اند. معین کرده اند که چه حرفهایی را می شود با خدا زد. بعضی از این جملات ادعیه ی مأثوره از ائمه علیهم السلام هست که اگر این ها نبود، آدم نمی توانست خودش تشخیص بدهد که می شود با خدا با این زبان حرف زد و این طور از خدا خواست و التماس کرد. ۲۸۱

در خواسته های نمونه

هدایت به صراط مستقیم

و در هر نمازی هم اقلًا در دو رکعتش می گوئیم: «إِهْدِنَا

الصِّرَاطَ

ص: ۱۳۷

المُسْتَقِيمِ... شما هفده رکعت نماز واجب می خوانید. از این هفده رکعت باید در ده رکعتش «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بگوئید. ۲۸۲

معمولاً انسان یک بار دعا می کند. اینکه دائم صراط مستقیم را از خدا می خواهیم، همان استجابت «إِسْتَقِيمَ كَمَا أُمِرْتُ» (۱) است. ۲۸۳

درخواست مغفرت

وقتی اصحاب و حواریون پیامبران، در جنگها و حوادث گوناگون، دچار مصیبتی می شدند، روی دعا به جانب پروردگار می نمودند و عرض می کردند: «رَبَّنَا

اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا» (۲)؛ خدایا! گناهان و زیاده روی ها و بی توجهی هایی را که در کار خودمان کردیم، بیامرز. ۲۸۴

نمونه ای از درخواستهای ذکر شده در دعای ابی حمزه

زندگی گوارا

من از دعای شریف ابی حمزه ی ثمالی چند فقره برایتان عرض می کنم. این دعای طولانی، حالت مناجاتی عجیب دارد که در بخش سوم عرض خواهم کرد. و اما لایحه لای این مناجاتها، نیازهای واقعی انسان نهفته است. نیازهای واقعی آنهاست که این بزرگوار از خدای متعال می خواهد. مثلاً در فرازی از دعا، خطاب به قادر متعال، عرض می کند: «أَرْغَمِدْ عَيْشِي» (۳)؛ «زندگی مرا زندگی گوارایی قرار بده». گوارا بودن زندگی، نه با پول، نه با قدرت و نه با داشتن زر و زور است. زیرا یک فرد، در عین برخورداری از همه ی این امکانات، ممکن است زندگی برایش گوارا نباشد. نگرانی ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست. مشکل خانوادگی ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست.

ص: ۱۳۸

۱- ([۱]) سوره ی شوری، آیه ی ۱۵.

۲- ([۲]) سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۴۷.

۳- ([۳]) بحار الأنوار ج: ۹۵، ص: ۹۱؛ أَلَسَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَامَ.

اولادش مشکلی پیدا می کنند - العیاذُ بالله، نستجیر بالله، یکی از فرزندان وی، اخلاق بدی دارد - دیگر زندگی برایش گوارا نیست. خیرِ بدی به انسان می رسد؛ زندگی بر او تلخ و ناگوار می شود. این انسان، هم پول دارد، هم قدرت دارد، هم امکانات دارد؛ همه چیز دارد؛ اما زندگیِ گوارا ندارد. ممکن است انسان فقیری که زندگیِ خیلی ساده ای دارد و در اتاقی محقر، با عیال و فرزندش در عین تنگدستی گذرانِ زندگی می کند، زندگی اش گواراتر از آن فردِ همه چیزدارِ ثروتمند و قدرتمند باشد. ۲۸۵

بروز و ظهور جوانمردی

بینید حضرت سجاد علیه السلام، چگونه نقطه ی اصلی را مورد توجه قرار می دهد. می گوید: «أَرغَدَ عِشِي وَ أَظْهَرَ مُرْوَتِي» (۱)؛

«زندگی ام را گوارا و جوانمردی ام را آشکار کن.» ظاهراً معنای عبارت دوم این است که «میدانی به وجود آید، تا من در آن، صفت جوانمردی را به منصفه ی بروز درآورم.» نه این که «مردم بینند من جوانمردم؛» نه. برای این که، اگر بخواهیم جوانمردی بروز پیدا کند، باید جوانمردی کنیم. صرف این که جوانمردی در درون انسان وجود داشته باشد، کافی نیست. انسان باید جوانمردی را به مرحله ی عمل برساند و نسبت به کسانی جوانمردی کند. این می شود «أَظْهَرَ مُرْوَتِي». ۲۸۶

اصلاح همه ی کارها

در ادامه می فرماید: «وَ أَصْلِحْ جَمِيعَ أحوَالِي»؛ «همه ی کارهای من و احوال مرا اصلاح کن. حالِ دعای مرا اصلاح کن. حالِ زندگی معمولی من و خانواده ام را اصلاح کن. حالِ شغلی را که دارم، اصلاح کن. همه ی خصوصیات مرا اصلاح کن.» اصلاح هر امری، به حسب خودش، یک

ص: ۱۳۹

۱- ([۱]) بحار الأنوار ج: ۹۵ ص: ۹۱؛ أَلَسَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَام .

دعای کامل و جامع است. «وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمرُهُ وَحَسَنَتْ عَمَلُهُ وَاتَمَمَتْ عَلَيْهِ نِعْمَتَيْكَ وَرَضِيَتْ عَنْهُ وَ أَحْيَيْتُهُ حَيوَةً طَيِّبَةً» (۱) می گوید: «مرا از کسانی قرار بده که عمری طولانی توأم با عمل نیکو و همراه با نعمت کامل الهی و همراه با رضای پروردگار و حیات طیبه دارند.» آیا چیزی از این بهتر، وجود دارد؟! معصومین علیهم السلام، یاد می دهند که چه باید از خدا بخواهیم. چیزهایی که باید از خدا خواست، همانهاست که آن بزرگواران در ادعیه مطرح می کنند. بعضی در دنیا، به سراغ زیادهای زندگی می روند. می گویند: فلان معامله برای من جور شود. فلان سفر درست شود. فلان شغل گیرم بیاید. و... چرا انسان چیزهای اصلی را از خدا نخواهد؟! پیشوایان دین به ما یاد می دهند: «این گونه دعا کنید و این چیزها را از خدا بخواهید.» البته نوع دعاهایی که آنان به ما یاد می دهند، یک فصل طولانی را به خود اختصاص می دهد. ۲۸۷

دفع نقطه های ضربه پذیر معنوی

نکته ی دیگر این که، آنان در خلال دعاهای مذکور، نقطه های ضربه پذیر معنوی را به یاد ما می آورند و هشدار می دهند که «ممکن است از این نقاط ضربه بخورید و آسیب ببینید.» در همین دعای شریف ابوحمزه، در عبارتی می فرماید: «اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا» (۲)؛ «خداوندا! کاری کن که کارهای انجام شده از طرف من، ریا و سمعه نباشد. برای این که این و آن ببینند، نباشد. برای این که دهن به دهن بگردد، و مردم به هم بگویند خبر دارید فلان کس چه کار خوبی کرد و چه عبادات خوبی انجام داد، نباشد. از روی ناز و غرور،

ص: ۱۴۰

۱- ([۱]) همان.

۲- ([۲]) همان.

نباشد» آخر بعضی مواقع انسان کارهایی را از روی ناز و غرور انجام می دهد و به خود می بالد و می گوید: «آری! ما بودیم که این کار را انجام دادیم.» اینها نباشد. اینها، آن نقاطِ ضربه پذیر است. انسان خیلی کارهای خوب انجام می دهد؛ اما با اندکی ریا و سمعه، آن کارها را «هباءِ منشورا» می کند. دود می کند و به هوا می فرستد. معصومین علیهم السلام به ما توجه می دهند و می فرمایند: «مواظب باشید این طور نشود!» «و اجعلنی لک من الخاشعین» تا آخر. ۲۸۸

نمونه ای از درخواستهای ذکر شده در دعای ماه رمضان

اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ

شما در هر روز از ماه رمضان - بنابر مأثور - بعد از هر نماز می گوئید: «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ الشُّرُورَ، اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ.» از خدا می خواهید همه ی فقرا را غنی کند. فقط فقرای ایران را نمی گوئید. «اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ» (۱)

یعنی همه ی فقرای اسلام غنی شوند. اینها، خیلی مهم است. خواسته و حاجت بزرگی است، وقتی می گوئید «خدایا، همه ی فقرا را غنی کن.» خوب؛ از خدا می خواهیم. چرا نشود خواست؟! اگر موانع بر سر راه غنی شدن برطرف گردد، چرا نشود؟! پدیده ی فقر که یک امر ذاتی در جامعه نیست. فقر در جوامع بشری، یک امر تحمیلی است. فقر را قدرتهای ستمگر و زورگو و زیاده طلب عالم، بر افراد و بر ملتها تحمیل می کنند. اگر این قدرتها از میان بروند، چرا دعای «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ» مستجاب نشود؟! ممکن است چنین حاجتی برآورده شود. ۲۸۹

اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ

در ادامه ی این دعا می گوئید: «اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ

ص: ۱۴۱

۱- ([۱]) مستدرک الوسائل ج: ۷ ص: ۴۴۷؛ الرسول صلی الله علیه و آله .

انسان حاجتی به این کلانی از خدا می خواهد! در دعای سحر روز جمعه - که مستحب است - دعایی کوتاه، اما بسیار خوب است. اگر توفیق پیدا کردید، حتماً این دعا را بخوانید. اول درخواستهایی از خدا می شود و بعد این عبارت می آید: «إِلَهِي طُمُوحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ وَ مَعَاكِفُ الْهَمِّ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ» (۲)

«خدایا! آرزوهای سرکش و بزرگ و خواسته های عظیم، محکوم به نومیدی هستند؛ مگر وقتی که با تو مطرح شوند.» کاروان طلبهای ما، از راه رفتن، محکوم به باز ماندن؛ مگر وقتی که در خانه تو بیایند. ۲۹۰

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

خداوند از حاجت بزرگ انسان که هراسی ندارد! از خدا، هر چه بزرگتر بخواهید. مبدا یک وقت انسان با خود بگوید: «خوب؛ من این چیزی را که می خواهم، اگر برای خودم بخواهم، قابل شدن است. اما طلب عافیت برای همه ی انسانها، خیلی بزرگ است. چطور این را از خدا بخواهم؟!» نه؛ بخواهید. برای بشریت بخواهید. برای همه ی انسانها بخواهید. بعضی چیزها را برای همه ی مسلمین بخواهید. در همین دعا، عبارت «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ» (۳)،

از آن مسلمانان است. مخصوص دعایی است که مخصوص اهل اسلام است. البته، آن هم عللی دارد که چرا؟ شاید در غیر اهل اسلام، امکانش نیست و شاید بدون حاکمیت اسلام، ممکن نیست که خدای متعال همه ی مفاسد را برطرف کند. اصلاً نمی شود. شرطش، اسلام است. ۲۹۱

ص: ۱۴۲

۱- ([۱]) همان.

۲- ([۲]) بحار الأنوار ج: ۸۶ ص: ۳۰۶؛ الْأَصَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَام .

۳- ([۳]) مستدرک الوسائل ج: ۷ ص: ۴۴۷؛ أَلرَّسُولُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله .

ارجاعات

۷۷/۱-/۴ ۴۷	۷۱/۱۲/۷ ۲۵	۶۹/۱/۱۰ ۱
۸۰/۶/۱۵ ۴۸	۷۱/۱۲/۷ ۲۶	۸۴/۲/۱۹ ۲
۸۶/۶/۳۱ ۴۹	۷۳/۱۱/۲۸ ۲۷	۶۴/۷/۱۵ ۳
۸۲/۲/۲۲ ۵۰	۷۱/۱۲/۷ ۲۸	۸۸/۵/۱۸ ۴
۸۵/۶/۳۱ ۵۱	۷۱/۱۲/۷ ۲۹	۸۴/۷/۲۹ ۵
۷۳/۱/۱ ۵۲	۷۳/۱۱/۲۸ ۳۰	۸۴/۷/۲۹ ۶
۸۰/۹/۲۱ ۵۳	۷۳/۱۱/۲۸ ۳۱	۷۱/۱۲/۷ ۷
۸۰/۶/۱۵ ۵۴	۷۵/۱۱/۱۲ ۳۲	۸۵/۷/۲۱ ۸
۷۳/۱/۱ ۵۵	۷۱/۱۲/۷ ۳۳	۸۴/۷/۲۹ ۹
۷۸/۴/۱۰ ۵۶	۸۴/۷/۲۹ ۳۴	۷۱/۱۲/۷ ۱۰
۸۶/۶/۳۱ ۵۷	۸۵/۷/۲۱ ۳۵	۸۵/۷/۲۱ ۱۱
۷۱/۱۲/۷ ۵۸	۸۴/۱۲/۱۹ ۳۶	۶۹/۱/۱۸ ۱۲
۸۷/۷/۱۰ ۵۹	۷۱/۴/۲۲ ۳۷	۸۷/۴/۲۶ ۱۳
۷۱/۱۲/۷ ۶۰	۸۰/۶/۱۵ ۳۸	۸۵/۷/۲۱ ۱۴
۸۴/۷/۲۹ ۶۱	۸۸/۳/۲۹ ۳۹	۶۹/۱/۱۰ ۱۵
۸۵/۷/۲۱ ۶۲	۷۹/۴/۱۹ ۴۰	۷۶/۱۱/۱۴ ۱۶
۸۷/۶/۳۰ ۶۳	۷۶/۱۱/۱۴ ۴۱	۶۹/۱/۱۰ ۱۷
۷۵/۲/۲۶ ۶۴	۷۳/۱۱/۱۴ ۴۲	۷۳/۱۱/۲۸ ۱۸
۸۴/۷/۲۹ ۶۵	۷۷/۱-/۴ ۴۳	۷۳/۱۱/۲۸ ۱۹
۷۳/۱۱/۲۸ ۶۶	۷۷/۱-/۴ ۴۴	۸۴/۷/۲۹ ۲۰
۶۴/۷/۱۵ ۶۷	۷۳/۱۱/۲۸ ۴۵	۷۳/۱۱/۲۸ ۲۱
۷۳/۲/۲۸ ۶۸	۷۳/۱۱/۲۸ ۴۶	۸۵/۷/۲۱ ۲۲
		۸۵/۷/۲۱ ۲۳
		۷۳/۱۱/۲۸ ۲۴

۷۱/۱۲/۷ .۱۳۷	۶۸/۳/۱۹ .۱-۳	۸۵/۷/۲۱ .۶۹
۷۱/۱۲/۷ .۱۳۸	۷۷/۱- /۴ .۱-۴	۶۴/۷/۱۵ .۷-
۶۹/۱/۱۰ .۱۳۹	۸۵/۷/۲۱ .۱-۵	۶۹/۸/۱۳ .۷۱
۷۱/۱۲/۷ .۱۴۰	۷۳/۱/۲۸ .۱-۶	۶۸/۳/۱۹ .۷۲
۷۳/۱/۲۸ .۱۴۱	۸۷/۷/۱۰ .۱-۷	۸۵/۶/۳۱ .۷۳
۷۳/۱/۲۸ .۱۴۲	۷۱/۱۲/۷ .۱-۸	۷۰/۵/۲۳ .۷۴
۷۷/۷/۲۹ .۱۴۳	۶۹/۱/۱۰ .۱-۹	۷۳/۱/۱ .۷۵
۷- /۱۳/۱۳ .۱۴۴	۷۳/۱/۲۸ .۱۱-	۷۳/۱/۱ .۷۶
۷۶/۱/۱۴ .۱۴۵	۸۵/۳/۲۹ .۱۱۱	۷- /۱۲/۱۳ .۷۷
۸۴/۷/۲۹ .۱۴۶	۷۱/۱۲/۷ .۱۱۲	۸۶/۶/۳۱ .۷۸
۷۱/۱۲/۷ .۱۴۷	۸۴/۷/۲۹ .۱۱۳	۸۶/۶/۳۱ .۷۹
۷۳/۱/۲۸ .۱۴۸	۸۴/۷/۲۹ .۱۱۴	۷۶/۹/۱۳ .۸۰
۷۶/۱/۱۴ .۱۴۹	۷۹/۴/۱۹ .۱۱۵	۸۷/۳/۲۱ .۸۱
۷۱/۱۲/۷ .۱۵۰	۷۱/۱۲/۷ .۱۱۶	۷۶/۱/۱۴ .۸۲
۸۴/۷/۲۹ .۱۵۱	۸۵/۷/۲۱ .۱۱۷	۷۲/۱/۱۷ .۸۳
۷۱/۱۲/۷ .۱۵۲	۷۷/۱- /۴ .۱۱۸	۷۱/۱۲/۷ .۸۴
۸۵/۷/۲۱ .۱۵۳	۷۱/۱۲/۷ .۱۱۹	۷۳/۲/۲۸ .۸۵
۷۷/۱- /۴ .۱۵۴	۸۴/۷/۲۹ .۱۲۰	۷- /۱۲/۱ .۸۶
۸۴/۷/۲۹ .۱۵۵	۷۳/۱/۲۸ .۱۲۱	۷۱/۱۲/۷ .۸۷
۸۸/۵/۱۸ .۱۵۶	۷۷/۱- /۴ .۱۲۲	۸۸/۳/۲۹ .۸۸
۷۱/۱۲/۷ .۱۵۷	۷۱/۱۲/۷ .۱۲۳	۷۷/۱- /۴ .۸۹
۷۱/۱- /۲۳ .۱۵۸	۷۷/۱- /۴ .۱۲۴	۷۳/۱/۱۴ .۹۰
۸۴/۷/۲۹ .۱۵۹	۷۳/۱/۲۸ .۱۲۵	۷۳/۱/۲۸ .۹۱
۷۹/۴/۱۹ .۱۶۰	۶۹/۱/۱۸ .۱۲۶	۷- /۵/۲۳ .۹۲
۷۱/۱۲/۷ .۱۶۱	۶۹/۱/۱۸ .۱۲۷	۸۴/۷/۲۹ .۹۳
۸۴/۷/۲۹ .۱۶۲	۷۳/۱/۲۸ .۱۲۸	۸۵/۷/۲۱ .۹۴
۸۴/۷/۲۹ .۱۶۳	۶۹/۱/۱۸ .۱۲۹	۸۷/۶/۳۰ .۹۵
۸۴/۷/۲۹ .۱۶۴	۸۵/۷/۲۱ .۱۳۰	۷۳/۱/۱۲۸ .۹۶
۸۴/۷/۲۹ .۱۶۵	۷۳/۱/۲۸ .۱۳۱	۸۷/۶/۱۹ .۹۷
۸۴/۷/۲۹ .۱۶۶	۷۳/۱/۲۸ .۱۳۲	۷- /۷/۵ .۹۸
۸۴/۷/۲۹ .۱۶۷	۷۳/۱/۱۴ .۱۳۳	۷۳/۲/۲۸ .۹۹
۷۱/۱۲/۷ .۱۶۸	۸۴/۷/۲۹ .۱۳۴	۷۷/۱- /۴ .۱۰۰
۷۳/۲/۲۸ .۱۶۹	۷۶/۱/۱۴ .۱۳۵	۸۴/۷/۲۹ .۱-۱
۷۳/۱/۲۸ .۱۷۰	۷۳/۱/۲۸ .۱۳۶	۷۵/۱- /۲۸ .۱-۲

۸۴/۷/۲۹ .۲۳۳	۷۳/۱/۲۸ .۲-۳	۷۳/۱/۲۸ .۱۷۱
۸۴/۷/۲۹ .۲۳۴	۷۳/۱/۲۸ .۲-۴	۷۳/۱/۲۸ .۱۷۲
۸۷/۶/۳۰ .۲۳۵	۷۷/۱- /۴ .۲-۵	۶۸/۷/۲۸ .۱۷۳
۷۶/۱/۱۴ .۲۳۶	۷۷/۱- /۴ .۲-۶	۷۳/۱/۲۸ .۱۷۴
۷۷/۷/۲۹ .۲۳۷	۸۴/۷/۲۹ .۲-۷	۷۱/۱/۱۹ .۱۷۵
۷۵/۱/۱۲ .۲۳۸	۷۳/۱/۱۴ .۲-۸	۷۱/۱- /۲۳ .۱۷۶
۸۵/۹/۱ .۲۳۹	۷۹/۴/۱۹ .۲-۹	۷- /۱/۱۶ .۱۷۷
۶۹/۱/۱۰ .۲۴۰	۷۱/۱۲/۷ .۲۱۰	۶۹/۱/۱ .۱۷۸
۸۴/۷/۲۹ .۲۴۱	۷۱/۱۲/۷ .۲۱۱	۶۹/۱/۱۰ .۱۷۹
۷۶/۱- /۳ .۲۴۲	۷۳/۱/۲۸ .۲۱۲	۶۹/۲/۶ .۱۸۰
۷۱/۱/۱۵ .۲۴۳	۷۳/۱/۲۸ .۲۱۳	۶۹/۴/۷ .۱۸۱
۸۴/۲/۱۹ .۲۴۴	۷۳/۱/۲۸ .۲۱۴	۶۴/۷/۱۵ .۱۸۲
۸۸/۳/۲۹ .۲۴۵	۷۳/۱/۲۸ .۲۱۵	۶۹/۱/۱۹ .۱۸۳
۸۴/۷/۲۹ .۲۴۶	۷۳/۱/۲۸ .۲۱۶	۷۵/۱- /۲۸ .۱۸۴
۷۱/۱۲/۷ .۲۴۷	۸۶/۶/۳۱ .۲۱۷	۷۷/۱- /۴ .۱۸۵
۷۱/۱۲/۷ .۲۴۸	۸۶/۶/۳۱ .۲۱۸	۷۳/۱/۲۸ .۱۸۶
۸- /۶/۱۵ .۲۴۹	۷۱/۱/۱۵ .۲۱۹	۸۵/۷/۲۱ .۱۸۷
۸۶/۶/۳۱ .۲۵۰	۸۴/۷/۲۹ .۲۲۰	۷۳/۱/۲۸ .۱۸۸
۸۴/۷/۲۹ .۲۵۱	۸۸/۵/۱۸ .۲۲۱	۷۳/۱/۲۸ .۱۸۹
۷۱/۱۲/۷ .۲۵۲	۶۴/۷/۱۵ .۲۲۲	۸۷/۸/۲۹ .۱۹۰
۸۶/۶/۳۱ .۲۵۳	۸۶/۶/۳۱ .۲۲۳	۷- /۱/۲/۷ .۱۹۱
۶۴/۷/۱۵ .۲۵۴	۷۵/۲/۲۶ .۲۲۴	۷۳/۱/۲۸ .۱۹۲
۷۱/۱۲/۷ .۲۵۵	۷۵/۲/۲۶ .۲۲۵	۷۷/۷/۲۹ .۱۹۳
۸۴/۷/۲۹ .۲۵۶	۸۵/۷/۲۱ .۲۲۶	۸۴/۷/۲۹ .۱۹۴
۷۳/۲/۲۸ .۲۵۷	۸۵/۷/۲۱ .۲۲۷	۸۵/۷/۲۱ .۱۹۵
۷۱/۱۲/۷ .۲۵۸	۷۳/۱/۲۸ .۲۲۸	۸۵/۷/۲۱ .۱۹۶
۸۶/۶/۳۱ .۲۵۹	۸۴/۲/۱۹ .۲۲۹	۸۷/۴/۲۶ .۱۹۷
۸۴/۷/۲۹ .۲۶۰	۷۷/۱- /۴ .۲۳۰	۸۸/۳/۲۹ .۱۹۸
۶۹/۱/۱۰ .۲۶۱	۸۴/۷/۲۹ .۲۳۱	۷۱/۱۲/۷ .۱۹۹
۷۱/۸/۲۷ .۲۶۲	۷۷/۱- /۴ .۲۳۲	۷۳/۱/۲۸ .۲-۰
۷۳/۱/۲۸ .۲۶۳		۷۷/۱- /۴ .۲-۱
		۷۱/۱۲/۷ .۲-۲

دعا از مشفق رهبر معظم انقلاب اسلامی

۱۴۶

۷۵/۱۰/۲۸ .۲۸۴	۸۴/۷/۲۹ .۲۷۴	۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۴
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۵	۷۱/۱۲/۷ .۲۷۵	۸۴/۷/۲۹ .۲۶۵
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۶	۸۴/۷/۲۹ .۲۷۶	۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۶
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۷	۷۶/۱۱/۱۴ .۲۷۷	۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۷
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۸	۷۳/۱۱/۲۸ .۲۷۸	۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۸
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۸۹	۸۵/۷/۲۱ .۲۷۹	۷۳/۱۱/۲۸ .۲۶۹
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۹۰	۸۸/۵/۱۸ .۲۸۰	۷۳/۱۱/۲۸ .۲۷۰
۷۳/۱۱/۲۸ .۲۹۱	۶۹/۱/۱۸ .۲۸۱	۷۱/۹/۲۵ .۲۷۱
	۶۹/۸/۱۳ .۲۸۲	۷۶/۹/۱۳ .۲۷۲
	۶۹/۹/۱۴ .۲۸۳	۸۷/۳/۲۱ .۲۷۳

نمایه

انوارهای مادی، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۸۶	انوارهای مادی، ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۸۶
اجابت، ۱۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۴۵	اجابت، ۱۱۸، ۲۱، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۴۵
۴۹، ۵۵، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷	۴۹، ۵۵، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷
۵۸، ۵۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۸۱	۵۸، ۵۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۸۱
۸۲، ۸۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵	۸۲، ۸۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵
۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۳۳	۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۳۳
اخلاص، ۱۲۱، ۵۹	اخلاص، ۱۲۱، ۵۹
ادعیه مأثوره، ۱۳۷، ۲۵	ادعیه مأثوره، ۱۳۷، ۲۵
ارادت، ۱۱۸، ۵۶، ۳۱	ارادت، ۱۱۸، ۵۶، ۳۱
ارتباط با خدا، ۲۳، ۴۷، ۸۱، ۱۱۴	ارتباط با خدا، ۲۳، ۴۷، ۸۱، ۱۱۴
۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۸	۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۸
ارتباط و اتکال، ۲۳، ۹۰، ۱۱۲	ارتباط و اتکال، ۲۳، ۹۰، ۱۱۲
استجابات، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۵۶، ۷۰	استجابات، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۵۶، ۷۰
۷۱، ۷۳، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵	۷۱، ۷۳، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵
۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۸	۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۸
استعلا، ۲۸، ۷۵	استعلا، ۲۸، ۷۵
استغفار، ۳۵، ۳۸، ۴۶، ۴۸، ۵۷، ۵۸	استغفار، ۳۵، ۳۸، ۴۶، ۴۸، ۵۷، ۵۸
۷۶، ۸۴، ۸۶، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۴	۷۶، ۸۴، ۸۶، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۴
استکبار، ۲۸، ۷۵، ۷۶، ۹۶، ۱۲۰	استکبار، ۲۸، ۷۵، ۷۶، ۹۶، ۱۲۰
استکثار دعا، ۷۶	استکثار دعا، ۷۶
الناس، ۲۵، ۵۵، ۶۵، ۱۳۷	الناس، ۲۵، ۵۵، ۶۵، ۱۳۷
امام باقر(ع)، ۴۰، ۵۲، ۷۸، ۹۳، ۱۲۱	امام باقر(ع)، ۴۰، ۵۲، ۷۸، ۹۳، ۱۲۱
۱۲۲، ۱۳۲	۱۲۲، ۱۳۲
امام حسن(ع)، ۳۸، ۴۸، ۶۴، ۱۳۴	امام حسن(ع)، ۳۸، ۴۸، ۶۴، ۱۳۴
امام حسین(ع)، ۲۶، ۴۱، ۷۸، ۱۲۳	امام حسین(ع)، ۲۶، ۴۱، ۷۸، ۱۲۳
۱۳۶	۱۳۶
امام خمینی(ره)، ۵۰، ۵۹	امام خمینی(ره)، ۵۰، ۵۹
امام سجّاد(ع)، ۳۶، ۴۳، ۴۶، ۶۶، ۹۷، ۹۸	امام سجّاد(ع)، ۳۶، ۴۳، ۴۶، ۶۶، ۹۷، ۹۸
۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۰	۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۰
۱۳۵، ۱۳۹	۱۳۵، ۱۳۹
امام صادق(ع)، ۷۴	امام صادق(ع)، ۷۴
امام علی(ع)، ۲۴، ۳۱، ۳۸، ۴۷، ۴۸	امام علی(ع)، ۲۴، ۳۱، ۳۸، ۴۷، ۴۸
۵۶، ۵۸، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۸۱	۵۶، ۵۸، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۸۱
۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۲۶	۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۲۶
اُمّ سَلَمَة، ۵۷	اُمّ سَلَمَة، ۵۷
انابه، ۲۴، ۳۸، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۸۴	انابه، ۲۴، ۳۸، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۸۴
۹۰، ۱۱۲	۹۰، ۱۱۲
انائیت، ۲۸، ۷۵، ۹۶	انائیت، ۲۸، ۷۵، ۹۶
انبیای الهی، ۲۷، ۴۶، ۵۸، ۹۰	انبیای الهی، ۲۷، ۴۶، ۵۸، ۹۰
انس، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۳، ۴۵، ۴۶، ۵۴	انس، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۳، ۴۵، ۴۶، ۵۴
۶۵، ۷۴، ۸۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹	۶۵، ۷۴، ۸۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹
انس یا خدا، ۲۵	انس یا خدا، ۲۵

دعا از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

توسل، ۳۱، ۴۸، ۵۰، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۸۸، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹
 توفیق الهی، ۶۵
 توفیق دعا، ۴۵، ۴۵
 تهذیب نفس، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۱۹
 ثبات قدم، ۱۲۴، ۱۲۷
 جسمانیّت، ۳۸
 جنب رزق، ۱۰۹
 جمال مطلق، ۲۷، ۵۶، ۹۵، ۹۷
 جمهوری اسلام، ۱۲۵
 جهاد، ۳۲
 حج، ۸۹
 حُسن مطلق، ۲۷، ۵۶، ۹۵
 حضور قلب، ۵۴، ۷۶، ۸۱
 حقارت، ۲۸، ۷۶، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۱۲۴، ۱۲۴
 حوائج، ۲۹، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۰۹
 خاکساری، ۲۷، ۲۸، ۷۵، ۹۳، ۹۶
 خزائن الهی، ۴۷
 خشوع، ۲۷، ۲۸، ۵۶، ۵۷، ۷۵، ۸۱، ۹۵، ۹۸، ۱۳۶
 خضوع، ۲۷، ۵۶، ۹۰، ۹۵
 خلقت، ۳۶، ۷۱، ۱۰۳
 خمس، ۵۲
 خواستهای فطری، ۲۶، ۷۹، ۱۳۷
 خودبینی، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۱۵
 خودسازی، ۸۹، ۱۱۹

۱۴۸

اتفاق، ۳۲
 آیات معلومات، ۸۹
 ایمان، ۳۷، ۳۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۵
 بندگی، ۲۷، ۴۵، ۵۸
 بنی اسرائیل، ۶۷، ۷۷
 بهشت، ۳۲
 بلکان عروج، ۱۱۹
 پیامبر اکرم (ص)، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۷، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۵۸، ۷۱، ۷۵، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۰، ۹۷، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۲۷
 تحمید، ۳۱، ۵۶، ۱۰۰، ۱۱۸
 ترک دعا، ۵۵
 تزکیه، ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۱۹
 تفسیر، ۱۸، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۵، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶
 ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۶
 تطهیر روح، ۱۱۸
 تعالی، ۱۲۴
 تقرب، ۲۴، ۲۵
 تمجید، ۳۱، ۵۶، ۱۱۸
 تمسّیات، ۲۵، ۸۱
 تنبلی، ۳۰، ۳۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸
 توافع، ۲۷، ۵۶، ۹۵، ۹۶
 توبه، ۲۵، ۲۸، ۷۶، ۸۴، ۸۵، ۱۲۴

زبور آل محمد، ۵۳، ۱۳۵	خودنگری، ۹۷، ۱۱۵
	خبر مطلق، ۲۷، ۵۶، ۹۵
سازندگی، ۴۸، ۵۷	درخواست، ۲۶، ۳۱، ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۶۵
سرخوشی، ۳۲	۷۴، ۷۶، ۸۳، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۴
سرگشتگی، ۱۱۱	۱۱۸، ۱۳۲
سلب توفیق، ۵۵	درماندگی، ۱۱۱
سوز دل، ۷۹، ۸۳، ۹۹، ۱۳۶	دعای ابن حمزه ثمالی، ۲۶، ۳۶، ۴۶، ۷۸، ۹۸
	۹۸، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۳۷، ۱۳۸
شب قدر، ۳۱	دعای افتتاح، ۹۸، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۶
شعبان، ۸۲، ۸۸	دعای سحر، ۱۰۷، ۱۳۲
شکر، ۶۵	دعای عرفه، ۱۳۶
شهوات، ۲۵، ۸۱، ۸۴، ۱۱۶	دفع بلا، ۱۰۹
صبر و صلا، ۵۷	
صحیفه سجّادیه، ۵۳، ۹۷، ۱۰۰، ۱۱۷	ذخایر معنوی، ۵۳، ۱۳۵
۱۲۰، ۱۳۵	ذکر، ۲۱، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸
صراط مستقیم، ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۳۷، ۱۳۸	۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۵۰، ۵۱
صله رحم، ۵۲	۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۵
	۸۱، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۷، ۱۰۰
طباطبایی، محمدحسین، ۳۹	۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶
طراوت دل، ۸۲	۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳
	۱۲۴، ۱۲۷
عبادت، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۷۵	ذکر کبیر، ۳۹، ۵۱
۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۳	
۱۱۸، ۱۳۴	رجب، ۸۸
عبودیت، ۱۸، ۲۷، ۳۵، ۴۹، ۵۸، ۸۱	رحمت الهی، ۳۶، ۴۳، ۴۸، ۱۰۴
۱۱۴	رقت قلب، ۸۳
عرفان، ۵۱	رمضان، ۱۷، ۳۶، ۵۲، ۵۳، ۸۹، ۹۹
عروج، ۱۲۴	۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰
عشق به خدا، ۱۱۴، ۱۱۶	۱۳۴، ۱۴۱
علو مقام، ۲۸، ۷۶، ۱۲۴	روز عرفه، ۲۶، ۷۸، ۱۳۷
عید فطر، ۸۹	

دعا از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

۱۵۰

عیش یارگی، ۳۲

غرور، ۱۴۰، ۷۵، ۲۸

غفلت، ۱۸، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۵۱، ۵۴

۸۴، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۳

فرعون، ۳۴، ۶۷، ۷۷

فضایل اخلاق، ۱۱۹

فضل مطلق، ۲۷، ۵۶، ۹۵

فلاح، ۱۲۴

قانون الهی، ۳۳، ۵۹، ۷۰

قدرت محیطه‌ی الهی، ۳۶، ۶۳، ۶۸

۱۰۴

قرآن کریم، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۳۶، ۳۸، ۳۹

۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۷۱، ۸۰، ۸۷

۸۹، ۹۰، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۲

۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹

قلب غافل، ۷۳

توالتین طیبین، ۳۳، ۶۹، ۱۰۴

کرم الهی، ۳۶، ۶۳، ۶۸، ۱۰۴

گناه، ۴۰، ۷۲، ۸۴، ۸۵، ۱۲۰، ۱۲۱

۱۲۲

لطف الهی، ۴۵، ۶۵، ۹۷، ۱۱۵

لققه‌ی لسان، ۲۴، ۸۱

محبت، ۳۱، ۵۶، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۶

مستجاب، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۶

۶۵، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۷

۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۱۰۳

۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸

مسجد کوفه، ۹۹

معارف الهی، ۳۱، ۴۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۳۷

مفاتیح الجنان، ۷۹، ۹۹، ۱۳۶

ملکوت، ۳۸، ۴۹، ۶۴

مناجات یا خدایا، ۸۲، ۸۸

منبع فیاض، ۲۴، ۱۱۲

موسى، ۳۴، ۵۸، ۷۷، ۸۳، ۸۵، ۹۰

مهار نفس، ۹۷

نسیان، ۳۸، ۵۰، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۲۴

نماز جمعه، ۱۷، ۳۲، ۵۴

نماز، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۵۰، ۵۴

۵۷، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۱۱۵، ۱۱۸

۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۴۱

نوح، ۵۸، ۹۰

نهج البلاغه، ۶۶، ۱۰۰، ۱۰۵

وعدہ‌ی الهی، ۳۳، ۳۷، ۶۳، ۶۸، ۷۰

۱۰۴

صمت بلند، ۱۳۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

